

# اسلام پیوست

تالیف

حضرت مولانا محمد مسطور نعمانی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ

مفتی محمد ابراہیم تیموری



# اسلام چیست

تالیف

حضرت مولانا محمد منظور نعمانی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ

منشی محمد ابراہیم تیموری

# چاپ، مستم

## چاپ و نشر این کتاب برای، ممکن، اجازة عام است.



ناشرانی که میخواهند این کتاب را از جانب خود چاپ و نشر نمایند، جهت سهولت خویش

میتوانند اصل متن آماده چاپ کتاب را از نشانی های ذیل بدست آرند:

❖❖ جدیدترین PDF کتاب را میتوانند از روی اینترنت از نشانی ذیل اخذ کنند

[www.afghanicc.com/books](http://www.afghanicc.com/books)

❖❖ ۲ یا با نشانی اینترنتی (email) ذیل تماس بگیرند:

[fiidoon\\_t@hotmail.com](mailto:fiidoon_t@hotmail.com)

❖❖ ۳ و یا با شماره تلفونی ذیل در تماس شوند:

۰۰۴۴۷۸۸۶۷۰۷۹۲۰

❖❖ ۴ و یا با چاپخانه ذیل در پشاور در تماس شوند

Hassan:

Ikhwan Printers & Peshawar Process

Office Tel: ۰۹۱۲۵۶۴۵۱۰

Cellphone: ۰۳۴۵۹۰۸۱۹۰۳



# اسلام چیست

تالیف

حضرت مولانا محمد منظور نعمانی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ

منشی محمد ابراہیم تیموری



## ﴿مقدمه چاپ هشتم﴾

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ. آمَنَّا بِمَا



خلوند متعال را هزاران بار شکر که این کتاب را مقبول عام و خاص مسلمانان، چه علماء و چه عامه ایشان گردانید و وی ﷺ را باز هزاران بار شکر که توفیق عنایت فرمود تا چاپ هشتم این کتاب بدست طبع سپرده شود امید است که الله متعال بفضل و مرحمت خود این سعی حقیر را قبول فرماید و مورد استفاذه مسلمین قرارش دهد حقا که ما را هنری نیست و جز او ﷺ پناه دیگری نی. و امید که این بضاعت ناچیز را مصلق:

قبول است گرچه هنر نیست که جز ما پناهی دیگر نیست

قرار دهد بعضیها سؤال کردند که چرا در این کتاب، زکات بعد از نماز قرار داده شده حالانکه در افغانستان علماء عموماً بعد از نماز درباره روزه سخن میگفتند گرچه این سؤال ناموزون است اما برای سهولت و فهم جواب آن را مینویسیم.

باید دانست که اهمیت زکات شرعاً بعد از نماز بوجهی چند بیشتر است. زیرا اول اینکه حکم نماز و زکات در اوائل اسلام نازل شد و فرضیت روزه در اواخر اسلام نزول کرد دوم اینکه حکم زکات در قرآن همیشه همراه نماز قرار داده شده است. سوم اینکه حکم زکات تقریباً در سی و چند آیت قرآن ذکر شده است. چهارم اینکه ده ها احادیث شریف مشیر اهمیت آن بعد از نماز می باشد پنجم اینکه تمام فقهاء و محدثین این امت، ابواب زکات را بعد از ابواب نماز در کتب خود آورده اند ششم اینکه تمامی کتب فقهی احناف رَحِمَهُمُ اللهُ تَمَالًا چون مبسوط و محیط و قدوری و هدایه و نهایه و عنایه و کنز و بحر و نهر و فتح و سراج و جوهره و خلاصه و خلیه و بدائع و اشباه و مجتبی و حلیه و ذر مختار و رد مختار و غیره ... ابواب زکات را بعد از ابواب نماز درج می کنند مؤلف این



کتاب رحمۃ نیز به اتباع ایشان، زکات را بعد از نماز آورده است.

و دلیل اینکه علمای افغانستان مسائل روزه را عموماً بعد از مسائل نماز بیان میکنند اینست که علماء احکام شرعی را برحسب ضرورت اکثر مردم بیان می نمایند و چون اکثر مردم افغانستان نادر و محتاج اند و زکات بر نادرها و محتاجان واجب نمیشد بنابرین آنها نیاز فوری بدانستن احکام زکات ندارند اما چون روزه بر همگی چه دارا و چه نادر فرض است بنابرین همگی چه دارا و چه نادر به دانستن مسائل آن ضرورت دارند و علمای کرام متوجه این امر بوده عموماً بعد از احکام نماز، مسائل روزه را بیان میکردند و الله اعلم و علمه اتم.

سوالی دیگر که از جانب بعضیها مطرح شد این بود که حواله احادیث شریفه در کتاب نیامده است. باید گفت که مؤلف بزرگوار، خود در شروع کتاب در صفحه ۱۲ تصریح میکند که تمامی احادیث این کتاب ماخوذه از مشکات شریف میباشد لهذا اگر کسی ضرورت تحقیق حدیثی را پیدا نموده به مشکات شریف مراجعه نماید مشکات شریف در هر کتابخانه و کتابفروشی موجود است. همچنین ترجمه و شرح فارسی آن در چهار جلد بنام «اشعة المعانی» از شیخ عبدالحق محدث دهلوی رحمۃ بطبع رسیده و بین خاص و عام متداول است. تصریح مؤلف بزرگوار حسب ذیل است:

## دو نکته مهم درباره آیات و احادیث این کتاب



**یکی:** اینکه در بعضی از دروس نخست التّرام شد تا حوالجات احادیث نوشته شود لیکن بعداً ضرورت آن دانسته نشد زیرا همه احادیث ماخوذ از **مشکات شریف** اند بهر حال احادیثی که حواله ای ندارند جملگی ماخوذه از **مشکات شریف** می باشند.

**دوم:** اینکه برای سهولت خوانندگان، بیشتر تراجم آیات و احادیث حاصل معنای آن آیت و حدیث است بنابرین به ترجمه لفظی پابندی صورت نگرفته است.



محمد ابراهیم تیموری

رجب ۱۴۳۳ هجری قمری موافق جوزا ۱۳۹۰ هجری شمسی موافق جون ۲۰۱۱ عیسوی

## فہرست



۸	شکر نعمت
۱۰	مقدمہ: عرض مولف ناچیز
۱۲	<b>دو نکتہ مهم در بارہ آیات و احادیث این کتاب</b>
۱۴	ضرورت تحصیل تعلیمات اسلامی بر ہر مسلمان و فضیلت آموزش دین
۱۷	<b>درس اول: کلمہ طیہ</b>
۲۰	جزو دوم کلمہ ما محمد رسول اللہ ﷺ
۲۱	کلمہ شریف در اصل یک عہد و اقرار است
۲۳	<b>درس دوم: نماز</b>
۲۳	اہمیت و تاثیر نماز
۲۴	انا نکرند نماز و آنکہ نماز انا نمی کنند در نظر رسول اللہ ﷺ
۲۴	رسوایی و ذلت کسانی کہ نماز انا نمی کنند در میلان حشر
۲۵	برکت نماز
۲۵	تاکید و فضیلت نماز با جماعت
۲۶	اہمیت خضوع و خشوع
۲۷	طریقہ خواندن نماز
۳۳	<b>درس دوم: زکات</b>
۳۳	فرضیت و اہمیت زکات
۳۴	عذاب دردناک انا نکرند زکات
۳۵	انا نکرند زکات ظلم و کفران نعمت است
۳۵	ثواب زکات
۳۷	بعضی از فواید دنیوی زکات و صدقت
۳۸	<b>درس چہارم: روزہ</b>

۳۸	اهمیت و فرضیت
۳۸	ثواب روزه
۳۹	یکی از فواید ویژه روزه
۴۱	<b>درس پنجم: حج</b>
۴۱	فرضیت حج
۴۲	فضایل و برکت
۴۲	لذات تقد حج
۴۳	پنج ارکان اسلام
۴۴	<b>درس ششم: تقوی و پرهیزکاری</b>
۴۹	<b>درس هفتم: راستکاری و دینداری در معاملات و اهمیت رزق حلال و حق</b>
۵۲	نجاست و نجاست مال حرام
۵۴	کسب پاک و حلال و کاروبار دیندارانه
۵۴	نرمی و رحمتی در معاملات
۵۶	<b>درس هشتم: احکام و آداب معاشرت و حقوق اجتماعی</b>
۵۶	حقوق والدین و ادب ایشان
۵۸	حقوق فرزندان
۵۹	حقوق زن و شوهر
۶۰	حقوق خویشاوندان
۶۱	حقوق بزرگان بر خردان و حقوق خردان بر بزرگان
۶۱	حقوق همسایگان
۶۳	حقوق ناتوانان و حاجتمندان
۶۵	حقوق مسلمان بر مسلمان دیگر
۶۶	<b>درس نهم: اخلاق و صفات نیک و عالی</b>
۶۶	فضیلت و اهمیت اخلاق حسنه
۶۷	نجاست اخلاق سیئه
۶۷	بیان چند اخلاق مهم و ضروری
۶۸	صداقت و راستگویی
۶۹	پابندی به عهد و وعده
۶۹	امانتداری



۷۰. عدل و انصاف.....
۷۱. رحم کردن و درگنیز خطاکار.....
۷۲. نرمخویی.....
۷۳. تحمل و بردباری.....
۷۳. خوشگویی و شیرین زبانی.....
۷۴. عاجزی و انکساری.....
۷۵. صبر و شجاعت.....
۷۶. اخلاص و تصحیح نیت.....
۷۹. **درس دهم: محبت به الله و رسول و دین او بیشتر از همه چیز**.....
۸۱. **درس یازدهم: خدمت و دعوت دین**.....
۸۷. **درس دوازدهم: استقامت بر دین**.....
۹۱. **درس سیزدهم: گوششی در راه دین و نصرت و حمایت آن**.....
۹۴. **درس چهاردهم: فضیلت شهادت و مرتبه شهداء**.....
۹۶. **درس پانزدهم: مابعد مرگ، برزخ، قیامت، آخرت**.....
۱۱۰. **درس شانزدهم: بهشت و دوزخ**.....
۱۱۳. **درس هفدهم: ذکر الله**.....
۱۱۳. حقیقت ذکر.....
۱۱۴. اذکار مخصوصی که رسول الله صلی الله علیه وسلم تعلیم فرموده است.....
۱۱۴. افضل الذکر.....
۱۱۵. کلمه تمجید.....
۱۱۶. تسبیحات فاطمه.....
۱۱۶. سبحان الله و بحمده.....
۱۱۷. تلاوت قرآن پاک.....
۱۱۸. اموری چند درباره ذکر.....
۱۲۰. **درس هزدهم: دعا**.....
۱۲۴. **درس نوزدهم: درود شریف**.....
۱۲۶. الفاظ درود.....
۱۲۶. درود شریف بطور معمول و وظیفه.....
۱۲۸. **درس بیستم: توبه و استغفار**.....



- نکته ای ضروری در مورد توبه ..... ۱۳۳
- کلمات توبه و استغفر ..... ۱۳۳
- سید الاستغفر ..... ۱۳۵
- خاتمه: نصاب همگنی بخاطر بدست آوری رضای الهی و هشت ..... ۱۳۶**
- چهل دعای قرآن و حدیث جهت استعمال روزانه ..... ۱۳۸**
- دعای خاص برای اوقات خاص ..... ۱۴۷**
- نکته ای بسیار مفید ..... ۱۵۲
- آن بندگان خدا ..... ۱۵۲



## ﴿ شکر نعمت ﴾



یکی از احسانات بی‌شمار خلوند کریم بر این بنده عاجز، تالیف کتاب کوچک «اسلام چیست» می‌باشد

بعد از سال ۱۹۴۸ عیسوی این داعیه به شدت و قوت تمام در دل برخاست که مهمترین و ضروری‌ترین امر دینی در این زمان اینست که باید کوشید که تا حد امکان، عامهٔ مسلمانان از دین اسلام آگاهی بیابند و به آن ربط و تعلق عمیق و محکم پیدا کنند

بنابراین ضرورت محسوس شد که در این سلسله‌کنای تالیف شود که حاوی تعالیم ضروری اسلام بوده و طرز نگارش آن، کمی دعوتی و اندکی تعلیمی باشد و همچنین زبان آن، روان و آسان و ضخامت آن نه چندان باشد کتاب هَذَا جهت ادای همین ضرورت تالیف گردید

در دوران تصنیف کتاب خصوصاً آن عوام مسلمانان پیش نظر بودند که تحصیلی اندک یافته یا بطور کامل بیسواد اند و لذا احوال و اذهان ایشان ملحوظ مصنف بود لیکن چون کتاب از طباعت بیرون آمده بدست طبقات مختلف رسید معلوم گردید که از فضل و کرم خاص خلوند متعال این کتاب تقریباً برای جمله طبقات مسلمین بطور یکسان مفید واقع گردیده است.

در این سلسله ذکر این واقعه مرا سخت مسرور می‌سازد که بعضی از بندگان خدا بعد از مطالعهٔ کتاب اشاعت آن را خمتی دینی و کوشش تبلیغی دانسته در نشر و اشاعت آن بین مسلمانان خالصاً لوجه الله سعیها کردند و حتی که در این راه سفرهای را نیز متحمل شدند مصنف عاجز، توان شکر تعاون لایهی این مخلصین را ندارد آن ذاتی که بخاطر وی اینکار را انجام دادند

ایشان را از سوی این بنده نیز صله خواهد داد به همین صورت این کتاب در بسیاری از مکاتب و مدارس بلون تحریک یا تلاشی، داخل نصاب تعلیمی شده و سپس به زبانهای مختلف ترجمه گردید که از آن جمله ترجمه گجراتی آن با اجازت مصنف ناچیز از چندین جا و چندین بار انتشار یافت. و عجب تر از همه - که بسیار مسرت آورست - این است که عده کثیری از هندوان بعد از مطالعه آن با اصرار و پافشاری زیاد خواستار ترجمه و طبع آن بزبان هندی شدند.

در سفری به بمبئی یکی از صاحب منصبان هندو که زبان اردو میدانست این کتاب را از همسفرم گرفته شروع به خواندن آن کرد و با چنان اشتیاق و انهمامی آن را مطالعه کرد که تقریباً به پایش رسانید و هنگامی که توسط همسفرم دانست که مصنف کتاب من می باشم بمن گفت که انتشار این کتاب بزبان هندی بر شما لازم است تا ما هندوان بدرستی اسلام را بشناسیم و نیز گفت که خوبی های تعالیم اسلام را من امروز بوسیله این کتاب دانسته ام و این کتاب بر دل من اثر بزرگی نهاده است.

در اصل این مقبولیت و تاثیر تنها فضل الله متعال است نه استعداد مصنف در آن دخلی دارد و نه کلام خوبی کتاب.

در اینجا این واقعه را نیز دل میخواهد اظهار کند که هشت یا نه سال قبل در آن روزهایی که کتاب را مینوشتم هم خود برای نافعیت و مقبولیت آن دعا میخواستم و هم از بزرگان خود درخواست بودم تا بطور خاص جهت آن دعا کنند یقین دارم که این تاثیر و این نافعیت و مقبولیت نتیجه دعا های آن بندگان برگزیده خداست.

محمد منظور نعمانی عفا الله عنه

رمضان المبارک ۱۳۶۹ هجری قمری، لکنه، هند



## مُقَدِّمَةٌ

### عرض مؤلف ناچیز

به خدمت بندگان وفادار به الله و رسولش و دردمند به دین مبین



اگر خلوند عَلَّاهُ فرضاً برای زمانی کوتاه رسول الله صَلَّاهُ را دوباره به این دنیای ما باز پس بفرستد و آنحضرت صَلَّاهُ زندگی و اطوار و روشهای امروزی اُمّتی که خود را مسلمان می نامد بنگرد چه بر دل پاکیزه ایشان خواهد گذشت و چه پیغام و فرمانی به آن بندگان خدا که هنوز به آن دینی که وی صَلَّاهُ آورده محبت دارند و هنوز قلوب ایشان از درد و فکر آن خالی نشده است خواهد داد؟ این عاجز ذره ای شک ندارد که آنحضرت صَلَّاهُ با مشاهده زندگی موجوده غیر اسلامی و غفلت و معصیت بیش از حد اُمّتی که خود را مسلمان میخواند غم و رنج روحی و قلبی بسیار بیش از آن خواهند دید که از سنگهای کافران شرور طایف و حمله های خونین کفار قریب در اُخذ دیده بودند و پیغام ایشان به آن مسلمانانی که اخلاصمند و وفادار به دین مبین اند و قلوب ایشان از درد و فکر آن آکنده و رنجور است همین خواهد بود که در اصلاح حالت تباه دینی اُمّت من، و باز دمین روح ایمانی و زندگی اسلامی در آن، هر قدر توان و قدرت دارید کوتاهی ای در آن نکنید اگر قلب شما این سخن این بنده عاجز را قبول دارد پس همین حالا تصمیم بگیرید و با خود طی کنید که اینکار را در آینده جزو زندگی خویش میسازید این عاجز با یقین کامل دل عرض میکند که در عصر حاضر، اینکار جهت حصول رضای الله صَلَّاهُ و مسرور ساختن و مطمئن نمودن روح پاک رسول الله صَلَّاهُ و کسب دعاهای آن مبارک وسیله ای است خاص الخاص.

این کتاب کوچک که هم اکنون در دست شماست نیز حلقه ایست از زنجیره همین کوشش دینی اصلاحی. این کتاب مخصوصاً به آن جهت به قید تحریر درآمده است، تا هم مردان و هم زنان کم سواد هم خود آن را بخوانند و هم دیگران را به خواندن آن ترغیب دهند و در مساجد و مجامع، مضامین آن را به سمع عامهٔ مسلمین رسانیده بتوانند و مطابق استعداد و توان خود بکوشند هم در خود و هم در سایرین، روح ایمانی و زندگی اسلامی را بیلار سازند و در اینکار نیک فرجام که الله عزوجل بپسندد از آن راضیست و روح نبوی ﷺ بسیار از آن شاد موافق استطاعت خود سبهم گیرند

با توفیق خلوند در این کتاب کوچک خلاصه و مغز دین جا داده شده است و آن تعلیمات قرآن و حدیث که یک علمی با آگاهی از آن و عمل برآن، نه تنها میتواند مسلمانی صالح بلکه انشاء الله مومن کامل و ولی خدا گردد به شکل بیست درس گردآوری شده است. برعلاوهٔ مسلمانان این کتاب را میتوان بدون هیچ تشویشی به آن غیر مسلمانانی نیز داد که علاقه دارند حقیقت اسلام را دریابند و تعلیم اسلام را بدانند

کار مولف حقیر تنها آنقدر بود که با توفیق و کمک الله ﷻ این کتاب را مرتب ساخته و کارکنان موسسهٔ انتشاراتی الفرقان (خلوند) ایشان را جزای خیر دهد) تا حد استطاعت خود طبع آن را بصورت خوب و زیبا بر عهده گرفتند و اکنون استفادهٔ اصلاحی از آن به پیمانۀ وسیع که این کتاب جهت آن به نگارش درآمده، موقوف بر تعاون و تصمیم تمام شما عزیزان است. اگر نزد این عاجز وسایل مالی فراهم میبود احوال مسلمانان تقاضا داشت که این کتاب در صدها هزار نسخه طبع می گشت و نسخه ای از آن نزد هر مسلمان با سواد فرستاده میشد. لیکن سنت الله از قدیم اینست که کسانی که چنین آرزوها دارند وسائل آن را نمی یابند و بلاشبهه حکمت های عظیمی در آن نهفته است.

بهرحال این بنده از تکمیل آرزوی خود عاجز است. البته آن مردان و زنان مسلمان که این کتاب از نظر ایشان خواهد گذشت، اگر به نیت حصول رضای الهی و مسرت روح نبوی ﷺ و کسب ثواب بی انتهای آخروی، عزم کنند که کتاب یا مضامین آن را به بسیاری دیگر از مسلمانان خواهند رسانید انشاء الله مقصود اصلی تا حد زیادی بدست می آید.

چنانکه در بالا ذکر رفت در این دور جدید وابستگی مسلمانان و نسلهای آینده ایشان به اسلام، ظاهراً فقط منحصر به این است که هر اُمّی رسول الله ﷺ که اهمیت دین را احساس و درک میکند تلاش و سعی بیدار سازی روح دینی و زندگی اسلامی میان مسلمانان را فریضه شخصی خود بداند و رسانیدن تعالیم اسلام و پیام دین به تک تک ایشان را وظیفه خود بگرداند در این دور، کتاب هنا با احساس همین ضرورت خاص تألیف شده است. ای کاش بندگان خدا به اهمیت و نوعیت ویژه آن پی ببرند و الله الموفق و هو المستعان.

عاجز و عاصی

محمد منظور نعمانی عفا الله عنه

## دو نکته مهم درباره آیات و احادیث این کتاب



**یکی:** اینکه در بعضی از دروس نخست التزام شد تا حوالات احادیث نوشته شود لیکن بعداً ضرورت آن دانسته نشد زیرا همه احادیث ماخوذ از **مشکات شریف** اند بهرحال احادیثی که حواله ای ندارند جملگی ماخوذه از **مشکات شریف** می باشند.

**دوم:** اینکه برای سهولت خوانندگان، بیشتر تراجم آیات و احادیث، حاصل معنای آن آیت و حدیث است، بنابراین به ترجمه لفظی پابندی صورت نگرفته است.

اسلام چیست





## ضرورت تحصیل تعلیمات اسلامی بر هر مسلمان و فضیلت آموزش دین



برادران من!

اینقدر را که همگان میدانید که اسلام عبارت از کدام نسل و نژاد و قومی نیست که هر فردی که در آن ولادت بیاید خود بخود مسلمان بوده و برای مسلمان بودن، مکلف به هیچ کاری نباشد چنانچه هر کودکی که در خاندان خواجه یا سادات دنیا می آید خود بخود خواجه و سید میگردد و برای شیخ یا سید بودن، مکلف به هیچ کاری نمی باشد، بلکه اسلام عبارت است از آن دینی و آن طریقهٔ بسر بردن زندگی که رسول صادق خدا حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از جانب الله تبارک و تعالی آورده است و در قرآن شریف و احادیث مبارکه واضح و روشن گردیده است. پس هر کسی این دین را اختیار کند و مطابق این طریقه زندگی را بسر ببرد او مسلمان واقعی و اصلیهست و آن کسانی که نه این دین را اختیار میکنند و نه مطابق آن زندگی را بسر می برند مسلمان واقعی و اصیل نیستند از اینجا دانسته شد که دو چیز لازم و ضروریست تا انسان، مسلمان درست و اصیل گردد.

یکی اینکه دین اسلام را بدانیم و کم از کم از مسایل اساسی آن اطلاع و آگاهی بیابیم.

دوم اینکه همهٔ آنها را بپذیریم و تصدیق کنیم، و عزم نمائیم که مطابق آنها زندگی

خواهیم کرد.

اسلام عبارت از همین دو چیز است و همین معنای مسلمان بودن میباشد پس آموختن تعلیمات اسلام یعنی دانستن مسایل ضروری دین، اولین شرط مسلمان بودن است و به همین جهت در حدیث شریف وارد است:

**طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ** ابن ماجه و بیهقی

یعنی طلب علم دین بر هر مسلمان فرض است.

و باید همیشه این امر را بیاد داشت که عمل کردن بهره‌چیز که در دین فرض است عبادت می باشد و نزد الله متعال ثوابی عظیم دارد و رسول الله ﷺ فضایل بزرگی بر آن بیان فرموده اند در حدیثی وارد است:

«هر کسی که بخاطر آموختن دین از خانه بیرون شود تا هنگامی که به خانه باز گردد در راه

خداست»، ترمذی

در حدیثی دیگر وارد است:

«هر کسی که برای طلب علم دین و آموختن مسایل دین به راهی می‌رود، الله ﷻ راه جنت

را برایش آسان می‌سازد». مسلم

در حدیث دیگری وارد است:

«طلب علم دین و تلاش برای آموختن آن، کفاره گناهان گذشته است»، (یعنی گناهان

گذشته انسان بوسیله آن معاف میشوند). ترمذی

الغرض آموختن دین و تلاش و کوشش جهت آموختن و کسب مسایل و تعلیمات ضروری اسلام بر هر مسلمان فرض است چه او ثروتمند باشد یا فقیر، جوان باشد یا پیر، با سواد باشد یا بیسواد مرد باشد یا زن. و از حدیث بالا این نکته هم دانسته شد که هر مقدار وقتی که در طول اینکار مصرف میشود و هر مشقتی که در این راه به انسان می‌رسد نزد الله ﷻ اجر و ثوابی عظیم دارد بنابراین بر همه ما لازم است تا عزم کنیم که برای آموختن دین و کسب مسایل و تعلیمات ضروری اسلام حتماً کوشش خواهیم کرد

آن برداران مسلمان که به سبب زیادی سن یا مشغولیت در کار و بار نمی‌توانند در مدارس اسلامی داخله گرفته و طالب علم گردیده علم دین را کسب کنند برای ایشان آسانترین راه آموختن

دین و دانستن تعلیمات ضروری دینی اینست که اگر سواد دارند کتابهای معتبر دینی را مطالعه کنند و اگر بیسواد یا کم سواد اند این نوع کتب را توسط باسوادان بخوانند و خود بشنوند اگر خواندن و شنیدن و شنوائیدن اینگونه کتب در خانه ها، مجلس ها، مجمع ها و مسجدها رواج یابد علم دین در بین هر طبقه مسلمانان شایع و عام میگردد.

کتاب کوچک هَذَا بخاطر همین مقصد و هدف نوشته شده است. در این کتاب تمام آن تعلیم ضروری دین و هدایات رسول الله ﷺ که دانستن آن بر هر مسلمان لازم است ب زبان بسیار آسان تحریر گردیده است. بیائید تا خود این تعلیم را بیاموزیم، دیگران را بیاموزانیم و آن را به ایشان برسائیم و کوشش و سعی در ترویج و اشاعت این تعلیم اسلامی در دنیا را مقصد زندگی خویش بگردانیم. در حدیث شریف وارد است که:

«هر کسی بکوشد که علم دین را به آن جهت بیاموزد تا توسط آن اسلام را زنده سازد (یعنی آن را میان دیگران نشر کند و ایشان را به عمل کردن بر آن دعوت دهد) و در همین حال مرگش فرا برسد در آخرت به پیغمبران آنقدر نزدیک میباشد که بین او و پیغمبران تنها یک درجه تفاوت خواهد بود». سنن دارمی

الله ﷻ همه ما را توفیق دهد که خود دین را بیاموزیم و آن را به دیگران بیاموزانیم. خود بر آن عمل کنیم و بکوشیم سایر بندگان خدا را به عمل کردن بر آن دعوت دهیم.

## ﴿ درس اول ﴾

## کلمه طیه

## لا اله الا الله محمد رسول الله

«هیچ معبودی جز الله نیست (یعنی هیچ کسی لایق عبادت و بندگی نیست جز الله) و محمد ﷺ رسول و فرستاده اوست».



برادران من!

این کلمه دروازه اسلام است و ریشه و بنیاد دین و ایمان. با قبول و اعتقاد و اقرار به آن، کافر و مشرکی که سراسر عمر خود را در کفر و شرک گذرانیده است مومن و مسلمان و مستحق نجات می‌گردد مگر شرطش اینست که توحید الله ﷻ و رسالت حضرت محمد مصطفی ﷺ را که در ضمن این کلمه مذکور است پذیرفته و تصدیق نموده باشد پس اگر شخصی معنی و مفهوم توحید و رسالت را ندانسته و بدون فهم آن این کلمه را خوانده است او نزد الله ﷻ مومن و مسلمان نخواهد بود بنابراین ضروریست که معنی و مفهوم این کلمه را بدانیم

این کلمه دو جزو دارد:

جزو اول «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است و در این جزو، اقرار به توحید یعنی یگانگی خلوند مذکور است و معنای آن اینست که غیر از الله ﷻ هیچ هستی دیگری نیست که لایق عبادت و بندگی باشد فقط الله تنها هستی ایست که سزاوار عبادت و بندگیست و بس. زیرا تنها او خالق و مالک ما و همه است. همو پرورنده و روزی دهنده است، همو میراننده و زنده سازنده است، و همه چیز، بیماری و تندرستی، دارائی و ناداری و هر خوبی و بدی و هر نفع و ضرر فقط در قبضه قدرت اوست و هر

هستی دیگر غیر از او که در زمین و آسمانهاست چه انسان و چه فرشتگان، همه بندگان او و آفریدگان اویند هیچ کسی در خدائی او شریک و انباز او نیست و نه هیچ کسی اختیار تبدیل احکام او را داراست و نه هیچ کسی مجال دست اندازی در کارهای او را دارد

لہذا تنها و تنها همو سزواوار است کہ او را عبادت کنند و با او محبت نمایند و در مشکلات و مصیبت ها و در ہمہ حاجت ها با ناله و زاری و عاجزی و انکساری بہ او دعا و التجا کنند و همان او «مَالِكُ الْمُلْکِ» و «أَحْکَمُ الْحَاکِمِینَ» حقیقی است. یعنی شاهنشاه جملہ جهان است و فرمانروای بالاتر و بزرگتر از تمام فرمانروایان. بنابراین لازم است کہ ہر حکم او بر سر و چشم قبول شود و با وفای کامل بر احکام او عمل گردد و در مقابل حکم او، حکم ہیچ کس دیگری ہرگز پذیرفته نشود خواہ ہر کسی کہ باشد اگرچہ حتی پدر ما باشد یا حاکم وقت یا بزرگ قوم یا دوستی عزیز یا خواستہ دل و یا خواہش نفس.

العرض ہنگامیکہ دانستیم و تصدیق کردیم کہ فقط و فقط «اللہ» عَلَّیْہِ السَّلَامُ لایق عبادت و بندگیست و ما صرف بندگان اوئیم، پس بایست کہ اعمال ما نیز مطابق آن باشد و اہل دنیا با دیدن ما بدانند کہ اینہا صرف آن بندگان خدایند کہ بر احکام خدا عمل می نمایند و بہ خاطر اللہ زندگی میکنند و بخاطر وی می میرند العرض:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اقرار و اعلان مان باشد

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اعتقاد و ایمان مان باشد

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عمل و شان مان باشد

برادران عزیزم!

ابن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» خشت اول بنیاد دین و مهمترین و نخستین درس تمامی انبیاست و بلند مرتبہ ترین شعبہ تعالیم دین است. در حدیث مشہوری از رسول اللہ صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ وارد است کہ آنحضرت صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ فرمودند:

«ایمان ہفتاد و دو شعبہ دارد و افضلترین و اعلی ترین آنها قابل شدن بہ لا الہ الا اللہ است.»

و بہ ہمین جهت افضلترین ذکر در میان اذکار، ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» است. چنانچہ در

حدیثی دیگر وارد است:

## أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

«افضلترین ذکرها لا اله الا الله است». ابن ماجه و نسائی  
و در حدیث دیگری وارد است که الله تبارک و تعالی در جواب یک سوال حضرت موسی  
علیه السلام فرمود:

«ای موسی اگر هر هفت آسمان و هر هفت زمین و هر آنچه که در آنها است در یک کفه  
ترازو نهاده شود و لا اله الا الله در کفه دیگر، کفه لا اله الا الله سنگین تر خواهد بود». شرح السنه  
برادران!

ابن فضیلت و سنگینی «لا اله الا الله» به آن جهت است که عهد و اقرار به توحید الله ﷻ  
در آن مذکور است. یعنی این کلمه از طرف ما پیمان و عهد و عزمی است بر اینکه ما صرف الله را  
عبادت و بندگی خواهیم کرد و تنها مطابق احکام او زندگی را بسر خواهیم برد و همو را مقصود و  
مطلوب خویش خواهیم ساخت و با همو محبت و مودت خواهیم ورزید فی الاصل، همین روح  
ایمان و اسلام است و به همین سبب رسول الله ﷺ مسلمانان را حکم داده اند که این کلمه را  
بکثرت بخوانند و ایمان خود را تازه و تازه تر بسازند

در حدیثی مشهور است که روزی رسول الله ﷺ فرمودند که:

«ای مردم ایمان خود را همیشه تازه ساخته بروید بعضی از صحابه عرض کردند که یا  
رسول الله ﷺ چگونه ایمان خود را تازه بسازیم؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: لا اله الا الله را بکثرت  
بخوانید». مسند احمد و جمع الفوائد

راز اینکه با خواندن «لا اله الا الله» ایمان تازه میگردد اینست که لا اله الا الله عهد و اقرار به  
توحید خداوند (یعنی تنها سزاواری او به عبادت و بندگی او و به محبت او و اطاعت اوست و چنانکه  
عرض شد در اصل، همین اقرار به توحید و محبت و اطاعت الله ﷻ روح ایمان می باشد ما با هر  
قدر فهم بیشتر و توجه زیاده تر که این کلمه را بخوانیم، یقیناً همانقدر ایمان مان تازه تر و عهد مان  
پخته تر میشود و نگاه انشاء الله «لا اله الا الله» عمل مان و حال مان خواهد گشت.

پس برادران عزیزم!

عزم کنید که مطابق حکم و راهنمایی آنحضرت ﷺ به کثرت این کلمه را با توجه بسیار و

خلوص دل خواهیم خواند تا ایمان مان تازه و تازه تر گردد و تمامی زندگی مان در قالب «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» قالب گیرد

تا اینجا جزو اول کلمه شریف بیان شد

### ﴿ جزو دوم کلمه ما ﴾



## محمد رسول الله



این جزو کلمه اقرار و اعلان است به اینکه حضرت محمد ﷺ رسول خدا است. و مراد از «رسول بودن» آنحضرت ﷺ اینست که خلوند ﷺ آنحضرت را جهت هدایت خلائق فرستاده بود و آنحضرت ﷺ از هر چه خبر دادند و هر چه بیان فرمودند تماماً صحیح و کاملاً حق است. مثلاً اینکه قرآن مجید از جانب خداست، فرشتگان وجود دارند قیامت برپا شدنی است، بعد از قیامت مردگان باری دیگر زنده میشوند و مطابق اعمال خویش به جنت یا به دوزخ می روند و غیره ...

الغرض مراد از اینکه آنحضرت ﷺ رسول خداست همین است که هر خبری که آنحضرت ﷺ بما بیان فرموده اند محض از جانب خداست و آنحضرت ﷺ با حصول علم یقینی آنها را بر ما ظاهر ساخته اند و همه آنها کاملاً حق و درست اند و هیچ شک و شبهه ای در آنها نیست. و به همین گونه هر هدایتی که آنحضرت ﷺ نموده و هر حکمی که داده اند همه در اصل فرامین الهی و احکام خدائی اند که بر آنحضرت ﷺ وحی شده اند

از اینجا شاید دانسته باشید که با پذیرفتن رسالت و پیغمبری یک پیغمبر، خود بخود لازم می آید که هر حکم و هر هدایت وی را بایست پذیرفته زیرا الله ﷻ کسی را به آن جهت رسول و

پیغمبر خود میگرداند تا توسط او احکام خود را که میخواهد بندگان مطابقت آن زندگی کنند به ایشان برساند در قرآن شریف فرموده شده است که:

**وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ**

«و ما هر رسول را به آن جهت فرستادیم تا بفرمان ما او را اطاعت کنند».

الغرض معنی و مقصد ایمان آوردن به یک رسول و قبول کردن او به حیث رسول این است که هر گفته او را کاملاً حق بدانند و تعلیمات و هدایات او را تعلیمات و هدایات خدا بدانند و عزم کنند که مطابق احکام آن رسول زندگی خود را بسر خواهند برد پس اگر شخصی کلمه میخواند لیکن عزم نکرده است که من هر گفته و خبر رسول الله ﷺ را بطور کامل حق، و تمامی گفته ها و خیرهای مخالف گفته و خبر او را دروغ و نادرست خواهیم دانست و مطابق شریعت و احکام وی عمل خواهیم کرد آن شخص در اصل مومن و مسلمان نیست و شاید او معنای مسلمان بودن را ندانسته است.

این امریست آشکارا که زمانیکه کلمه خواننده آنحضرت ﷺ را رسول بر حق الله ﷻ باور کردیم؛ پس بر ما لازم میگردد که بر فرامین و احکام آنحضرت عمل کنیم و جملگی هدایات آنحضرت ﷺ را بپذیریم و بر شریعت ایشان تماماً عمل نمائیم.

### **کلمه شریف در اصل یک عهد و اقرار است:**

از تشریح و توضیح هر دو جزو کلمه شریف «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**» که در بالا گذشت بچشم دانستید که این کلمه در اصل یک اقرارنامه و عهدنامه ایست بر اینکه من الله تبارک و تعالی را به حیث خلی بر حق و معبود و مالک باور دارم، و هر چیز دنیا و آخرت را صرف در قبضه قدرت او میدانم، بنابراین تنها و تنها عبادت و بندگی او را خواهم کرد و همانگونه که بنده باید احکام مولای صاحب خود را بعمل کند من نیز بر احکام او عمل خواهم نمود و بیشتر از هر کسی و هر چیزی به او محبت و دلبستگی خواهم ورزید و حضرت محمد ﷺ را رسول برحق خدا میدانم و اکنون منیحت یک اُمتی از وی اطاعت و پیروی خواهم کرد و بر شریعتی که آورده است عمل خواهم نمود.



در اصل، ایمان عبارت است از همین اقرار و پیمان، و معنی و مقصد شهادت به توحید و رسالت نیز همین است.

لهمذا بر هر مسلمان کلمه خون لازم است که خود را پابند این عهد و اقرار و شهادت بداند و زندگی خود را مطابق همین اصول بگذراند تا نزد الله تبارک و تعالی مومن و مسلمان صادق قرار گیرد و مستحق نجات و جنت شود.

درباره آن افراد خوشبختی که هر دو جزو کلمه شریف - توحید و رسالت - را از صدق دل پذیرند و با زبان و عمل بر آن شهادت دهند بشارت بزرگی وارد شده است. از حضرت انس رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ به حضرت مُعَاذِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود:

«هر کسی از صدق دل به «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» شهادت بدهد الله متعال آتش دوزخ را بر او حرام میگرداند»، بخاری برادرانها!

حقیقت و عظمت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» را بخوبی ادراک نموده با دل و زبان بر آن شهادت دهید و اراده نمائید که زندگی خویش را مطابق این شهادت خواهیم گذرانید تا شهادت ما دروغ قرار نگیرد زیرا ایمان و اسلام و نجات مان، فقط منحصر بر این شهادت است. پس باید که:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» اعتقاد و ایمان مان باشد

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» اقرار و اعلان مان باشد

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» اصول زندگی و پیغام ما برای تمام جهان باشد

## ﴿ درس دوم ﴾

## نماز



## اهمیت و تأثیر نماز:

بعد از ایمان آوردن بخدا و رسول وی و گواهی دادن بتوحید و رسالت، نخستین و بزرگ ترین فریضه در اسلام نماز است. نماز عبادت خاص الله تبارک و تعالی است که پنج بار در روز فرض گردانیده شده ده ها آیت قرآن مجید و صدها احادیث رسول الله ﷺ تأکید بسیار فراوان بر آن دارند و نماز در آنها ستون و بنیاد دین خوانده شده است.

تأثیر ویژه نماز است که اگر بطریق صحیح و درست ادایش کنند و خدای متعال را حاضر و ناظر دانسته با توجه کامل به خشوع و خضوع بجایش آورند قلب انسان توسط آن پاکیزگی و صفا می یابد و محبت نیکوئی و راستی و خوف خدا در دل او جا میگیرد. به همین سبب اسلام بر نماز بیشتر از تمام فرایض تأکید ورزیده است و به همین جهت رسول الله ﷺ عادت داشتند که هر گاه کسی نزد آنحضرت ﷺ اسلام می آورد آنحضرت بعد از توحید اول از همه عهد نماز را از او می گرفتند.

الغرض بعد از کلمه شریفه بنیاد اسلام نماز است.

## اداء نکردن نماز و آنکه نماز ادا نمیکند در نظر رسول الله:

از احادیث شریفه معلوم میشود که آنحضرت ﷺ اداء نکردن نماز را عملی کافرانه و طریقه ای از کافران قرار میدادند و می فرمودند: «هر کسی نماز ادا نکند در دین سهمی ندارد». چنانچه در حدیثی از صحیح مسلم وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند: «حد فاصل بین بنده و کفر، ترک نماز است». صحیح مسلم

مراد اینست که اگر بنده نماز را ترک کند نزدیک به کفر میشود و این عمل او چون اعمال کافران می باشد در حدیثی دیگر وارد است:

«آنکسی که نماز اداء نمیکند سهمی در اسلام ندارد»، در مثنوی بحواله مسند بزار.

برای درک آنکه ادای نماز چه سعادت بزرگ و چه خوشبختی ایست و ترک آن چه هلاکتی سترگ و چه بدبختی ایست حدیثی دیگر از رسول الله ﷺ را بشنوید

روزی رسول الله ﷺ درباره تأکید بر نماز فرمودند:

«هر کسیکه نماز را بدرستی و پابندی ادا کند نماز در روز قیامت برایش نور خواهد گشت و دلیل (ایمان و اسلام) او خواهد شد و سبب نجات وی خواهد گردید و هر کسی که آن را به درستی و پابندی ادا نکند نه برایش نور میشود و نه دلیل میگردد و نه او را از عذاب نجات میدهد و در روز قیامت، آن شخص به همراه قارون و فرعون و هامان و اُبی بن خلف حشر خواهد شد»، مسند احمد برادرانم!

هر فردی از ما بایست بیندیشد که اگر به ادای نماز بدرستی و پابندی خود را عادت ندهیم، چه حشری و چه فرجامی خواهیم داشت.

### رسوائی و ذلت کسانی که نماز اداء نمی کنند در میدان حشر:

در آیتی از قرآن مجید درباره اولین رسوائی و ذلت سختی که آنکسانی که نماز نمی خوانند در روز قیامت خواهند دید چنین آمده است:

يَوْمَ يُكْفَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْعَوْنَ ﴿١﴾ خَائِبَةً أَبْصَارُهُمْ تَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٢﴾ وَقَدْ كَانُوا يَدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ ﴿٣﴾ قلم.

مفهوم و خلاصه آیت شریف اینست که در روز قیامت که زمانی بسیار سخت است و جمله انسانها از آغاز دنیا تا ساعت قیامت در محشر جمع اند یک تجلی خاص خلوند ظاهر میگردد و آنگاه ندا داده میشود که همگان به حضور خلوند به سجده در افتید آن اهل ایمان نیک بخت که در دنیا نماز را ادا میکردند و در پیشگاه الله ﷻ به سجده می افتادند فوراً به سجده خواهند رفت، لیکن کسانی که با وجود سلامتی و تندرستی و توان، نماز نمی خوانند کمرهای ایشان چون چوب خشک سخت گردانیده میشود و آنها به همراه کافران ایستاده خواهند ماند و سجده نخواهند

توانست و ذلت و خواری شدید بر آنها طاری خواهد گشت دیده های ایشان پیاپی دوخته خواهد بود و نخواهند توانست چشم برداشته بسوی چیزی نظر بیندازند قبل از عذاب دوزخ آنها باید این ذلت و رسوائی را در میدان حشر ببینند الله تبارک و تعالی همه ما را از این عذاب محفوظ بدارد در اصل کسی که نماز ادا نمیکند بگونه ای در مقابل خدا بغاوت میکند و لذا هر قدر ذلت و رسوائی ببیند و هر اندازه عذاب بچشد بلاشبه مستحق آن است. بعضی از املان امت تارکین نماز را خارج از دین و مانند مرتدان قابل قتل دانسته اند برادران! بر همگی ما لازم است که بدانیم که ادعای اسلام، بدون نماز، ادعائی است بلاثبوت و بی بنیاد ادای نماز همان عمل مخصوص اسلام است که ما را با الله تبارک و تعالی تعلق می بخشد و سزاوار رحمت های او میگرداند

### برکات نماز:

هر بنده ای که روزانه پنج بار در پیشگاه الله ﷺ دست بسته می ایستد و او را حمد و ثنا میگوید در مقابل او رکوع میکند و به سجده می افتد و از او دعا میخواهد وی مستحق محبت و رحمت خاص خلوند میگردد و ذریعه هر نمازش گناهانش بخشیده میشود و در دل وی نورانیت پیدا میشود و زندگی وی از چرک و آلائش گناهان پاکیزه و صاف میگردد در حدیث شریف وارد است که باری رسول الله ﷺ مثال واضحی داده فرمودند: «اگر نهری از پیش دروازه خانه یکی از شما بگذرد و او هر روزه پنج بار خود را در آن بشوید آیا چرکی بر جسم او خواهد ماند صحابه عرض کردند: نی یا رسول الله ﷺ هیچ چرکی بر او نخواهد ماند آنحضرت ﷺ فرمودند: مثال پنج وقت نماز نیز چنین است. خلوند به برکت آنها گناهان و خطاها را محو میکند». بخاری و مسلم

### تاکید و فضیلت نماز با جماعت:

نکنه ای دیگر که از احادیث رسول الله ﷺ دانسته میشود اینست که در حصول فضیلت و برکت اصلی نماز، ادای آن با جماعت نیز شرط میباشد و نیز در احادیث شریف آنقدر تاکید فرلوان بر جماعت وارد آمده است که رسول الله ﷺ درباره کسانی که به سبب غفلت یا کاهلی و سستی

در نماز جماعت حاضر نمی‌شدند فرمودند که:

«می‌خواستم خانه‌های ایشان را آتش بزنم». صحیح مسلم

تنها از همین یک حدیث میتوان پی برد که ترک نماز جماعت را الله و رسولش چقدر

ناپسندیده و ناگوار میدانند در حدیث صحیح وارد است:

«ثواب نماز با جماعت ۲۷ برابر نماز منفرد است». <sup>(۱)</sup> بخاری و مسلم

الای نماز با جماعت، اضافه بر ثواب آخری، فواید بزرگ دنیوی نیز دارد مثلاً از پابندی بجماعت استعداد پابندی اوقات در انسان بوجود می‌آید هر شبانه روز پنج بار همه برادران مسلمان کوچه و محله در یکجا گرد می‌آیند که میتوان از آن فواید کثیر و بزرگ بدست آورد و دیگر اینکه با پابندی به جماعت انسان کاملاً پابند نماز میگردد و اکثر مشاهده میشود که کسانی که پابند نماز جماعت نیستند نمازهای ایشان بسیار قضا میشود.

و نفع بزرگ دیگر که در نماز جماعت نهفته اینست که نماز هر فردی که با جماعت می‌گذارد جزو نماز تمام جماعت محسوب میشود که البته در آن جماعت چنان بندگان نیک و صالح خدا نیز موجود می‌باشند که نمازهای خویش را با خشوع و خضوع بسیار اداء میکنند و خلوند آن را قبول میفرمایند و از فضل و کرم الله متعال امید همین است که چون نماز تنی چند از حاضران جماعت را قبول فرماید به همراه آن نماز سایر نمازگزاران را هم قبول نماید گرچه نمازهای شان به آن درجه نباشد.

بدن را به نیکان بیخشد کریم

پس هر یک از ما باید بیندیشد که با از دست دادن نماز جماعت بدون مجبوری ای شدید

چه ثواب بزرگی را از دست میدهیم و از چه برکاتی خود را محروم میسازیم.

### اهمیت خشوع و خضوع:

مراد از الای نماز با خشوع و خضوع اینست که نمازخوان، الله ﷻ را حاضر و ناظر تصور

(۱) البته باید دانست که تاکید و فضیلت نماز جماعت فقط برای مردان است در حدیث شریف وارد است

که ثواب نماز زنان در خانه ایشان بیشتر از نماز خواندن آنها در مسجد است. مؤلف

نموده نماز را بگونه ای اداء کند که قلبش از محبت الله ﷻ انباشته و گنجان و از خوف و تصوّر جلالت و عظمت وی ترسان باشد درست با آن ترس و خوف که گویا خطاکاری در مقابل پادشاهی بسیار عظیم ایستاده است، چون ایستاده شود بیندیشد که من در پیشگاه خلوند حاضر شده ام و برای تعظیم او ایستاده ام، چون بر کوع برود بیندیشد که حالا در مقابل همو سر تعظیم فرو می آورم، به همین گونه چون به سجده برود بیندیشد که من در حضور همو به سجده میروم و لذت و عاجزی خود را نزد او آشکار میسازم.

و بهتر اینست که هرچه را در حالت قیام و رکوع و سجده میخواند معنائش را دانسته بخواند لذت اصلی نماز اصلاً همان گاهیست که هرچه را در آن میخواند با دانستن معنی و مفهوم آن بخواند، آموختن معنای آنچه در نماز خوانده میشود بسیار آسان است.

خشوع و خضوع و توجه دل بسوی الله ﷻ در نماز در اصل روح نماز و جان آنست و آن بندگان خدا که چنین نماز بگزارند نجات و فلاح ایشان حتمی است. در قرآن شریف وارد است:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خُشِعُونَ ﴿۲﴾ مومنون

«کامیاب اند مومنانی که نماز خویش را با خشوع و خضوع ادا میکنند».

در یکی از احادیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«الله ﷻ پنج وقت نماز را فرض ساخته است، پس هر کسی که بخاطر آنها وضو نمود و در وقت صحیح آنها را خواند و چنانکه شایسته است به رکوع رفت و سجده کرد و با خشوع آنها را ادا نمود، خلوند وعده فرموده است که وی را خواهد بخشید و هر کسی که چنین نکرد (یعنی نماز را به این خوبی ادا نکرد) خلوند او را وعده ای نداده است. اگر بخواد خواهدش بخشید و اگر بخواد سزایش خواهد داد»، مسند احمد و ابو داود.

پس ما اگر میخواهیم که از عذاب آخرت به طور حتمی نجات یابیم و الله ﷻ به یقین ما را عفو کند، بر ما لازم است که مطابق این حدیث شریف پنج وقت نماز را به بهترین صورت ادا کنیم.

### طریقه خواندن نماز:

چون وقت نماز فرا رسد باید نخست از همه بخوبی وضو سازیم و با خود چنین پنلاریم که این پاکیزگی و طهارت برای حاضر شدن در دربار الله ﷻ و برای عبادت وی لازم است. و این

احسان الله متعال است که در وضو نیز برای ما رحمت و برکات بسیار نهاده است. چنانچه در حدیث شریف وارد است که گناهان سرزده از آن اعضای بدن که در هنگام وضو شسته میشوند به برکت وضو عفو شده و اثر ناپاک آن گویا بوسیله آب وضو زایل میگردد.

بعد از وضو هنگامی که برای نماز می ایستیم باید در دل تصور کنیم که ما بندگان گناهکار و روسیاه در مقابل آن مالک و معبود خود می ایستیم که تمامی احوال ظاهر و باطن و آشکار و پنهان ما را میباند و در روز قیامت در پیشگاه وی حاضر خواهیم شد سپس نمازگزار، نماز همان وقتی را که خواندنی است نیت کند و طبق قاعده دست ها را تا گوش برداشته با دل و زبان بگوید:

**اللَّهُ أَكْبَرُ.** «خلوند از همه بزرگتر است».

آنگاه دستها را بسته و حضور در پیشگاه الله تبارک و تعالی را یاد داشته باید خواند:

**سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ**

«ای خلوند من، ذات تو پاکیزه است و هرثا و ستایش ترا میزید و نام تو با برکت است و بزرگی تو بالاتر است و معبودی جز تو نیست».

**أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.** «پناه میبرم به الله از شر شیطان لعین».

**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.** «شروع میکنم بنام الله بسیار بارحم و نهایت مهربان».

**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ۝ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ ۝ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ۝ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ۝ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ۝ آمين**

«تتا و ستایش، خاص برای خداست. آنکه پروردگار جهان هاست بسیار بارحم و نهایت مهربان است. مالک روز جزاست. ما تنها ترا عبادت میکنیم و فقط از تو کمک میخواهیم. یا الهی، ما را بر راه راست هدایت نم، راه آنانی که بر ایشان فضل فرموده ای، نه راه آنانی که بر ایشان خشم گرفته ای و نه راه آنانی که گمراه گشته اند این دعایم را قبول فرما».

بعد از آن یک سوره یا حصه ای از یک سوره قرآن را بخواند ما در اینجا چهار سوره کوچک قرآن را با ترجمه مفهوم آنها درج میکنیم.



وَالصَّبْرُ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالنَّحْيِ ۝ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝

«سوگند به زمان که انسان در زبان است (و آخرت وی بد فرجام است) جز کسانی که ایمان آورندند و اعمال نیک کردند و یکدیگر را به حق و به صبر وصیت نمودند.»



قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ ۝ وَ لَمْ يُولَدْ ۝ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

«بگو الله یکیست، الله بی نیاز است. محتاج کسی نیست و همه محتاج اوستند نه او فرزندی دارد و نه فرزند کسی است و نه کسی همتای اوست.»



قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝

«بگو پناه میبرم به پروردگار روشنائی صبحدم، از شر هرچه آفریده است و از شر تاریکی، آنگاه که فرا گیرد و از شر زنان دمنده در گره ها (یعنی جادوگران) و از شر حاسد آنگاه که حسد بپورزد.»



قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ۝ إِلَهِ النَّاسِ ۝ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ۝ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُفُورِ النَّاسِ ۝ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ۝

«بگو پناه میبرم به پروردگار همه آدمیان، پادشاه مردمان و معبود جمله انسان، از شر وسوسه اندازان و عقب روندگان که وسوسه می اندازند در دل‌های آدمیان. چه از جن‌ها باشند و چه از بنی انسان.»



الغرض بعد از الحمد شریفه سوره ای از قرآن یا بخشی از سوره ای از قرآن را باید خواند خواندن قرآن به این اندازه در هر نماز ضروریست. چون این قرائت را به پایان برد سراسر متوجه جلالت و عظمت الله ﷻ بوده از دل و زبان الله اکبر گفته به رکوع بود و بگوید:

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ      پاک است پروردگار من که بسیار بزرگ است.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ      پاک است پروردگار من که بسیار بزرگ است.



**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ** پاک است پروردگار من که بسیار بزرگ است.  
در آن هنگامیکه این کلمات تقدیس و تعظیم خلوند بر زبان جاریست، بایست دل نیز متوجه پاکی و عظمت خلوند باشد سپس از رکوع سر بردارد و بگوید:

**سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ** «خلوند سخن آن بنده خود را شنید که او را ثنا گفت».

**رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ** «ای خلوند و پروردگار ما، همه ستایش ها ترا میزبید».

پس از آن باز با دل و زبان الله اکبر بگوید و در مقابل مولای خود بسجده بیفتد و یکی بعد از دیگری دو سجده کند و در وقت سجده کاملاً متوجه الله ﷻ بوده و او را روبروی خود حاضر و ناظر دانسته و مخاطب ساخته با زبان و همراه زبان با دل و جان بگوید:

**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** پاک است پروردگار من که بسیار بلند مرتبه است.

**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** پاک است پروردگار من که بسیار بلند مرتبه است.

**سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى** پاک است پروردگار من که بسیار بلند مرتبه است.

در حالت سجده هنگامیکه این کلمه بر زبان جاریست، در دل نیز باید عاجزی و ناچیزی خود و پاکی و مرتبه بیحد بلند الله ﷻ را بیاد داشت. این توجه و این تصور هر قدر بیشتر و عمیق تر باشد، همانقدر نماز بهتر و ارزشمندتر خواهد بود، زیرا روح نماز همین است.

تا اینجا صرف یک رکعت نماز بیان گردید هر چند رکعتی که باید خوانده شود همه را به همینگونه باید خواند البته بایست یاد سپرد که **سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ** فقط در رکعت اول نماز خوانده میشود و بس.

چون در آخر و وسط نماز می نشینند التحیات را باید بخوانند که گویا خلاصه و جوهر نماز است. التحیات اینست:

**التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةِ وَالطَّيِّبَاتِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.**

«جمله کلمات تعظیم خلوند راست و جمله عبادت ها و نیکیها برای اوست. سلام بر تو ای نبی و رحمت خدا و برکات او بر تو باد سلام باد بر ما و بر تمام بندگان نیک خدا. گواهی میدهم که هیچ کسی شایسته عبادت نیست سوای الله و گواهی میدهم که محمد ﷺ بنده و پیغمبر اوست».

در نمازهای سه رکعتی و چهار رکعتی چون بعد از دو رکعت می نشینند تنها این التحیات را میخوانند و چون در رکعت آخر نماز می نشینند به همراه التحیات، درود شریف و دعا نیز میخوانند ما هر دو را درج میکنیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

«یا الهی رحمت خاص بفرست بر حضرت محمد ﷺ و آل او، چنانچه بر حضرت ابراهیم و آل او رحمت فرستادی، بیشک تو ستوده و بزرگی. یا الهی بر حضرت محمد ﷺ و آل او برکات نازل فرما چنانکه بر حضرت ابراهیم و بر آل او برکات نازل فرمودی، بیشک تو ستوده و بزرگی.»  
این درود شریف در اصل دعای رحمت و برکت برای رسول الله ﷺ و آل وی (یعنی برای اهل خانه و وابستگان دینی آنحضرت) است. چونکه ما نعمت دین و دولت نماز را توسط رسول الله ﷺ یافته ایم، لذا خلوند رحمه الله بر ما لازم ساخته است که هر گاهی که نماز بگذرایم، شکر این منت و احسان آنحضرت ﷺ را ادا کنیم و در آخر نماز برای آنحضرت و وابستگان خاص وی از الله رحمه الله رحمت و برکت بخواهیم.

پس بر ما لازم است که در هر نماز بعد از خواندن التحیات این احسان آنحضرت ﷺ را بیاد آورده از دل این درود را بخوانیم و از خلوند برای ایشان رحمت و برکت بخواهیم. بعد از درود شریف، این دعا را برای خود خواسته و سپس سلام باید گفت:

اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا وَإِنَّهُ لَا يَمْفُرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ.

«بار الها بر خود بسیار ظلم کرده ام (و در عبادت و فرمانبرداری تو سخت کوتاهی نموده ام) و جز تو کسی بخشنده گناهان نیست، پس مرا از فضل خود ببخش و بر من رحم فرما. بیشک تو بخشنده مهربانی»<sup>(۱)</sup>

(۱) اگر این دعا بیاد نیست بجایش دعای ذیل را میتوان خواند: اللَّهُمَّ رَبَّنَا اتَّخَذْنَا فِي النَّبَاتِ حَسَنَةً وَفِي الْأَجْرَةِ ←

این دعا اقرار به گناهان و خطاهای خود است و التجای بخشش و رحم از الله تبارک و تعالی. در حقیقت مناسب شأن بنده همین است که وی با وجود ادای عبادتی چون نماز، باز بر قصورهای خود اقرار کند و خود را گناهکار و خطاکار پندارد و مغفرت خلوند و رحمت وی را تنها پناه خود بداند و به سبب عبادت غروری در او پیدا نشود، زیرا ما بندگان هرگز و به هیچ صورتی نمی توانیم حق عبادت الله ﷻ را ادا کنیم.

در این درس آنچه درباره نماز بیان کردنی بود بیان کردیم. در آخر با هم میگوئیم که نماز آن عبادت کیمیا اثر است که اگر با توجه و فهم و با خشوع و خضوع ادا شود، چنانکه در بالا ذکر شد انسان را در اعمال و اخلاق، فرشته صفت میسازد.

برادران! قدر و قیمت نماز را دریابید.

رسول الله ﷺ آنقدر در فکر پابندی امت خود به نماز بودند که حتی در آخرین لمحات زندگی که از این جهان رحلت مینمودند و ادای یک لفظ نیز بر زبان مبارک دشوار بود باز هم در آنوقت با تاکید بسیار امت را وصیت فرمودند که پابند نماز باشند و به اقامت آن کوشان. پس آن مسلمانانی که امروز نه نماز میخوانند و نی در اقامت و ترویج نماز کوشش میکنند خدا را حاضر دانسته بیندیشند که فردای قیامت چگونه در مقابل آنحضرت ﷺ رفته خواهند توانست و چگونه دیده به چهره مبارک افکنده خواهند توانست. در حالیکه آخرین وصیت آنحضرت را نیز پیامال میکنند بیایید همه در الفاظ **حضرت ابراهیم** ﷺ دعا کنیم که:

**رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿١﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْ**  
**وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٢﴾** سورة ابراهیم

«ای پروردگار من، مرا و اولاده مرا بر پالارنده نماز بگردان. ای پروردگار ما، دعایم را قبول فرما، ای خلوند ما، مرا و پدر و مادرم و جمله مومنان را در روز قیامت ببخشی.»

### حَسَنَةٌ فَتَأْذِبُ النَّارَ ﴿٥﴾

یعنی: ای خلوند ما، ما را هم در دنیا نیکی عطا کن و هم در آخرت نیکی عطا نم. و از عذاب دوزخ ما را نجات عنایت فرما. مترجم

## زکات



در تعالیم بنیادی اسلام بعد از ایمان و نماز، زکات در درجهٔ بعدی قرار دارد. گویا «زکات» سومین رکن اسلام است.

مراد از زکات اینست که هر مسلمانی که مقلتر معینی مال و ثروت دارد هر سال حساب نموده یک چهلم {یعنی دو نهم فیصد} آن مال و ثروت را میان فقراء و مساکین یا در کارهای نیکی که خدا و رسولش جهت مصرف زکات مقرر ساخته اند مصرف کند<sup>(۱)</sup>

### فرضیت و اهمیت زکات:

قرآن شریف در بسیاری از آیات خود همدوش نماز بر زکات نیز تاکید نموده است. اگر قرآن شریف را تلاوت میکنید دردها جا خوانده اید که **أَقِمُْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ** یعنی نماز را برپا دارید و زکات را اداء کنید و در چندین آیه، صفت لازمی مسلمانان را چنین بیان فرموده است: **الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ** یعنی ایشان نماز را برپا میدارند و زکات را ادا میکنند از اینجا معلوم می شود که افرادی که نماز نمی خوانند و زکات نمی دهند مسلمانان اصیل نیستند زیرا آن خصایل و صفات اسلام که در مسلمانان واقعی هست در آنها موجود نیست.

---

(۱) مسایل و احکام و مصارف زکات را باید در کتب معتبر فقهی دید و یا از علمای کرام پرسید موف یکی از مهمترین و معتبرترین کتب فقهی در این باره کتاب «زبورهای بهشتی» است. ترجمهٔ فارسی آن توسط مترجم همین کتاب طبع و نشر گردیده است. مسایل زکات در حصهٔ سوم آن مفصلاً درج است.

بهر حال نخواندن نماز و ادا نکردن زکات، مطابق قرآن مجید صفت مسلمانان نیست بلکه صفت کافران و مشرکان می باشد درباره نماز در آیه ای از سوره روم وارد است:

وَاتَّقُوا وَاقِمُْوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. آیت ۳۱  
 «... و نماز بخوانید و ادا ترک آن {از مشرکین نشوید}»

و درباره اینکه ادا نکردن زکات صفت مشرکین و کفار است در سوره فصلت وارد است:

وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۰۰﴾  
 «وای بر آن مشرکانی که زکات نمی دهند و از آخرت منکرند».

### عذاب دردناک اداء نکردن زکات:

فرجام بد آنانی که زکات ادا نمی کنند در قیامت و سزائی که در آن روز خواهند چشید آن قدر سخت و ترسناک است که مواز شنیدن آن بر تن راست می ایستد و دل به لرزه می آید در سوره توبه فرموده شده است:

وَالَّذِينَ يَكْبِرُونَ لِلَّهِ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبِئْسَ لَهُمْ بِعَاقِبِ الْأَعْمَالِ ﴿۱۰۴﴾  
 يَوْمَ يُخَمَّى عَلَيْهِمْ فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْفَى بِهَا جِهَاهُمْ وَخُتُوهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ  
 لَا تَنْفِسُكُمْ فَبَدُّوا مَا كُنْتُمْ تَكْبِرُونَ ﴿۱۰۵﴾

«و آنانی که طلا و نقره (یعنی مال و ثروت) جمع میکنند و آن را در راه خدا مصرف نمی نمایند (یعنی زکات و... را که بر ایشان لازم است ادا نمیکنند) ای پیغمبر، ایشان را به عذاب دردناک مرده بد، روزی که این مال و ثروت ایشان در آتش دوزخ داغ گردانیده خواهد شود و توسط آن پیشانی ها و پهلوها و پشتهای ایشان مهر خواهد شد (و گفته خواهد شد که) ایست آن مال و ثروتی که برای خود جمع ساخته بودید پس بچشید آنچه جمع را کرده اید».

رسول الله ﷺ این آیت را در یکی از احادیث، اندکی شرح فرموده اند ترجمه حدیث چنین

است:

«و هر کسی که طلا و نقره - یعنی مال و ثروت - دارد و حق آن را ادا نمیکنند (یعنی زکات و... نمی دهد) در روز قیامت برایش مهرهای از آتش میسازند و آنها را در آتش دوزخ داغتر می

گردانند و توسط آنها پیشانی و پهلو و پشت وی را مهر میزنند و به همین صورت بار بار مهرها را در آتش دوزخ داغ گردانیده او را عذاب میدهند و این عذاب در تمام روز قیامت جاری خواهد بود و روز قیامت برابر با پنجاه هزار سال است.» (پس گویا این شخص تا پنجاه هزار سال این عذاب سخت دردناک را باید بچشد).

در بعضی احادیث شریف علاوه بر این، عذابهای دردناک دیگری نیز برای کسانی که زکات را ادا نمی کنند ذکر شده است. الله متعال ما را از عذاب خود نجات دهد  
اگر کسانی که الله ﷻ ایشان را توانگر و ثروتمند گردانیده است، زکات ندهند و مطابق حکم خداوند در راه او خرج نکنند، بلاشبهه سخت ناشکر و بسیار ظالم اند و هر عملی که در قیامت بیننده واقعا مستحق آن می باشند

### ادا نکردن زکات، ظلم و گفران نعمت است:

و باز باید اندیشید که ادای زکات و صدقات در اصل خنثی است به برادران فقیر و حاجتمند خود پس در این صورت ندادن زکات در حقیقت ظلم کردن بر آن برادران مسکین و ناتوان و خوردن حق ایشان است.  
برادران عزیزم!

اندکی بیندیشید آنچه مال و ثروت که نزد ماست همه عطایای خداست که بما عنایت فرموده و ما خود نیز بنده و آفریده اوئیم، پس اگر او تمامی مال و دارائی مان را بخواهد بلکه بقریان کردن جان نیز حکم بفرماید بر ما فرض است که بیچون و چرا همه را ادا کنیم. این فضلی بزرگ از سوی اوست که از ثروت و دارائی که بما عطا فرموده است، حکم نموده که فقط یک چهارم (یعنی دو نیم فیصد) آن را آنهم سالی یکبار به عنوان زکات بدهیم.

### ثواب زکات:

و باز فضل و احسان عظیم دیگر الله ﷻ اینست که ثوابی بزرگ بر ادای زکات و صدقات مقرر نموده است، حالانکه بنده ای که زکات یا صدقات میدهد هرچه میدهد از اموال و دارائی ای میدهد که خداوند به وی عطا فرموده است. لذا اگر الله ﷻ بر ادای آن ذره ای هم ثواب نمیداد

کاملاً بجا بود مگر این فضل و کرم عظیم وی است که هر قدری که از ثروت و اموال عطا کرده او را بحکم او به عنوان زکات و صدقات در راه او صرف میکنیم، او ﷺ بسیار راضی و خرسند میشود و ثواب های بزرگی بر آن وعده میفرماید چنانچه در قرآن مجید وارد است:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَكْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ ۗ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۰۱﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتِمُّونَ مَا

أَنْفَقُوا مَثَرًا وَلَا أَدْنَىٰ لَهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۰۲﴾

«مثال کسانی که مال و دارائی خود را در راه خدا خرج میکنند چون دانه ایست که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه گندم باشد و خلوند می افزاید برای هر کس که میخوهد او بسیار صاحب وسعت است و بر همه چیز داناست. آنانی که مال و ثروت خود را در راه خدا خرج میکنند و سپس نه منت میگذارند و نه آزار میرسانند ثوابی بزرگ نزد پروردگار خویش دارند و ایشان در روز قیامت نه خوفی خواهند داشت و نه غمگین خواهند شد».

در این آیت از سوی الله تبارک و تعالی برای کسانی که زکات میدهند و در راه او خرج میکنند سه وعده بیان شده است:

یکی اینکه هر چه آنها را در راه خدا خرج کنند الله تبارک و تعالی صدها برابر بیشتر عطا خواهد فرمود دوم اینکه در آخرت اجر و ثوابی بزرگ نزد الله تبارک و تعالی خواهند داشت و نعمت های بسیار خواهند یافت. و سوم اینکه در روز قیامت هیچ خوف و ترسی و هیچ رنج و غمی نخواهند داشت.

سبحان الله!

برادران!

صحابه کرام رَضَوْنَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ بر این وعده های الله متعال یقین تام و کامل داشتند لذا هنگامی که آیات فضلیت و ثواب تصدق (یعنی صدقه دادن و خیرات کردن) در راه خدا نازل شد و ایشان آن را از زبان رسول الله ﷺ شنیدند چنان حالی داشتند که حتی فقرای ایشان که هیچ چیزی برای تصدق نداشتند آنها نیز به اراده صدقه کردن، جهت تلاش کار از خانه برآمدند و در پشت خود، بارهای مردم را حمل نموده دو چار درهمی بدست آورده در راه خدا صدقه کردند ریاض

الصالحین صفحه ۲۸ بحواله بخاری و مسلم.

ما در اینجا درباره اهمیت و فضیلت زکات، تنها یک حدیث دیگر رسول الله ﷺ را درج می نماییم. در کتاب مشهور حدیث، ابو دلود شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند: «سه چیز است که هر کس آن را اختیار کرد حلاوت ایمان را چشید یکی اینکه تنها خدا را عبادت کند دوم اینکه ایمان و اعتقاد صادق به لا اله الا الله داشته باشد و سوم اینکه هر سال با رضای کامل قلبه زکات اموال و دارائی خود را ادا کند». (پس گویا هر کس این سه خصلت را کسب کرد لذت و حلاوت ایمان را بدست آورد).  
الله تبارک و تعالی حلاوت و لذت ایمان را نصیب همه ما بسازد

### بعضی از فواید دنیوی زکات و صدقات:

علاوه بر ثواب و نعمتهای که با ادای زکات و صدقات در آخرت از سوی الله تبارک و تعالی بدست خواهد آمد، زکات دادن در این دنیا نیز فوایدی بسیار به همراه دارد مثلاً اینکه با ادای زکات و صدقات، دل مومن بسیار شادمان و مطمئن می باشد فقراء و مساکین و نادارها بر او حسد نمی ورزند بلکه خوبی و نفع او را خواستارند برایش دعاها میخوانند و بسویش به نظر محبت می بینند در دیدة دنیا و اهل آن نیز این چنین شخصی، وقتی بزرگ دارد و همگان با او اظهار محبت و همدردی مینمایند الله ﷻ نیز در اموال وی برکت می فرستد

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند که خلوند ﷻ میفرماید:

«ای فرزند آدم، تو اموال و دارائی که ترا عطا کرده ام (بر بندگان حاجتمند و نادار من و در دیگر کارهای نیک و خیر) مصرف کن، من ترا همیشه عطا خواهم کرد».

در حدیثی دیگر است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«میتوانم قسم بخورم که هیچ کسی به سبب تصدق (یعنی خرج در راه خدا) نادار و مفلس

نمیشود».

خلوند ما را ایمان و یقین حقیقی بر این ارشادات رسول الله ﷺ عنایت نماید و توفیق عمل

بر آنها را با ذوق و شوق عطا فرماید



## ﴿ درس چهارم ﴾

## روزه



## اهمیت و فرضیت:

بعد از ایمان و نماز و زکات در تعالیم بنیادی اسلام، روزه می آید قرآن شریف میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

«ای مسلمانان، روزه بر شما فرض گردانیده شد چنانکه بر اُمتهای پیش از شما فرض گردانیده شده بود. باشد تا شما تقوی اختیار کنید.»

روزه گرفتن تمام ماه رمضان در اسلام فرض است و هر کسی بغیر عذر و مجبوری، یک روز روزه ماه رمضان را ترک کند سخت گناهکار میباشد در حدیثی وارد است:

«هر کسی بدون عذر یا بیماری ای، اگر یک روز از ماه رمضان را روزه نگیرد و در بدل آن سراسر عمر را نیز روزه بگیرد حق آن اداء نخواهد شد.»

## ثواب روزه:

چونکه نفس در هنگام روزه به نیت عبادت از خوردن و نوشیدن و ارضای شهوت نفسانی باز داشته میشود و خواهشات و لذات به خاطر خدا قربان میگرددن بنابراین الله تبارک و تعالی ثواب آن را نیز ممتاز و بسیار کثیر قرار داده است. در حدیثی وارد است:

«برای ثوابی تمامی اعمال نیک بندگان، قانونی مقرر است و ثواب هر عمل مطابق همان قانون داده میشود لیکن روزه از این قانون مستثناست. الله تبارک و تعالی درباره روزه میفرماید که بنده من خوردن و نوشیدن و شهوت نفس خود را بخاطر من قربان میکند لذا جزای روزه را من خود به او خواهم داد.»

و در حدیثی دیگر وارد است:

«هر کسی با ایمان و یقین کامل و برای حصول خوشنودی خدا و طلب ثواب از او، ماه رمضان را روزه بگیرد تمام گناهان گذشته وی بخشیده میشود».

و در حدیثی دیگری وارد است:

«روزه دار، دو خوشی و شادمانی خاص مییابد یکی را در همین دنیا هنگام افطار بدست می آورد و دیگری را در آخرت در هنگام حضور و بارایی در پیشگاه الهی خواهد یافت».

و در حدیثی دیگر وارد است:

«روزه سپری است نجات دهنده از آتش و قلعه ایست مستحکم (که روزه دار را از عذاب دوزخ محفوظ نگاه میدارد)».

و در حدیثی دیگر وارد است که:

«روزه خود نزد الله ﷻ شفاعت روزه دار را میکند که این بنده به سبب من در تمام روز، خوردن و نوشیدن و ارضای خواهش نفس را ترک گفته بود (لنا او را عفو فرما و اجری بزرگ به او عطا بنما). خلوند شفاعت روزه را قبول خواهد فرمود».

در یک حدیث وارد است: «بوی بد دهان روزه دار (که بعضی اوقات به سبب خالی بودن معده پیدا میشود) نزد الله ﷻ از بوی مُسک بهتر است».

بر علاوه از این فضایل روزه که در احادیث بالا مذکور است، خصوصیت دیگر آن اینست که روزه انسانها را از حیوانات متمایز و ممتاز میگرداند زیرا هر وقتیکه نفس خواست خوردن و هر وقتیکه نفس خواست نوشیدن و هر وقتیکه نفس خواست از جفت خود لذت بردن، این خصلت حیوانات است. و هیچ گاه نخوردن و هیچ گاه نوشیدن و هیچ گاه لذت نبردن از جفت این صفت فرشتگان است. پس انسان با روزه گرفتن از سایر جانوران ممتاز میگردد و نوعی مناسبت با فرشتگان پیدا میکند

### یکی از فواید ویژه روزه:

یکی از فواید خاص روزه اینست که به سبب آن، صفت تقوی و پرهیزگاری در انسان بوجود میآید و روزه دار به اماره خواهشات نفسانی خود قدرت می یابد و به فرونشاندن خواهش نفس و

خواستۀ دل در مقابل حکم خلوند عادت میکند و روح وی ارتقاء و تربیت مییابد  
لیکن همهٔ این فواید همان زمانی حاصل میگردند که روزه دار، خود ارادهٔ بدست آوری آنها را  
داشته باشد و در روزه تمام آنچه را که رسول الله ﷺ ارشاد فرموده اند مد نظر بگیرد و بر آن عمل  
کند یعنی برعلاوهٔ خوردن و نوشیدن، از جملگی گناهان خرد و بزرگ نیز پرهیز کند نه دروغ بگوید  
نه غیبت کند و نه با کسی جنگ و جدال نماید الغرض در دوران روزه از همهٔ گناهان ظاهری و  
باطنی بطور کامل چنانکه در احادیث شریف تاکید شده اجتناب بورزد  
در یک حدیث وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هنگامیکه کسی از شما روزه دارد باید که هیچ سخن زشت و ناهنجار از دهانش بیرون  
نیاید و نه غالمعال و شور و جنجال کند و اگر شخصی با او جنگ و جدال نمود و او را ناسزا و دشنام  
داد او فقط اینقدر بگوید که من روزه دارم. (بنابرین در جواب دشنام تو ترا دشنام نمی توانم بدهم).»  
در حدیثی دیگر است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که در هنگام روزه نیز غلط گوئی و غلط کاری را ترک نکند خلوند به ترک  
خوردن و نوشیدن او احتیاجی و پرواهی ندارد.»

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
«ای بسیار روزه دارانی که (از سخنان و کارهای بد و گناه اجتناب نمی کنند و به سبب آن)  
جز گرسنگی و تشنگی، چیزی بدست نمی آورند.»

الغرض پاکیزگی روح و صفت تقوا و پرهیزگاری و قدرت اِلاَهِ خواهشات نفسانی بر اثر روزه  
گرفتن، همان زمانی بدست میآید که هملوش خورد و نوش، روزه دار از تمام گناهان خرد و بزرگ  
اجتناب بورزد خصوصاً زبان را از دروغ و غیبت و دشنام و ناسزاگوئی حفظ کند  
بهرحال اگر روزه به اینگونه مکملاً گرفته شود انشاء الله جملهٔ آن فوایدی که در بالا ذکر  
شد حاصل خواهند آمد و این چنین روزه انسان را میتواند فرشته صفت بسازد  
الله تبارک و تعالی همهٔ ما را توفیق عنایت فرماید که حقیقت روزه و قدر و قیمت آن را درک  
کنیم و توسط آن در خود صفات تقوی و پرهیزگاری را بوجود آوریم

## ﴿درس پنجم﴾

## حج



## فرضیت حج:

آخرین ارکان اسلام حج است. در قرآن شریف دربارهٔ فرضیت حج فرموده شده است:  
**وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ حَيْثُ اسْتَطَاعُوا لَيْسَ عَلَيْهِ سَبِيلٌ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾**  
 سورة آل عمران آیه ۹۷

«و حج خانهٔ خدا بخاطر الله ﷺ بر آنانی فرض است که استطاعت رسیدن به آنجا را دارند و هر کسی حج نکند خلوند از جمله جهانبیان بی نیاز است.»

در این آیت شریفه هم اعلان شده که حج فرض است و هم بیان شده است که حج فقط بر کسانی فرض است که استطاعت و توانائی رسیدن به آنجا را دارند و در آخر آیت نیز اشاره گردیده است که افرادی که الله ﷺ ایشان را استطاعت و توانائی ادای حج را داده است و آنها باز هم ناشکری نموده فریضهٔ حج را بجا نمی آورند {چنانچه امروزه بسیاری از پولداران و ثروتمندان چنین اند} الله ﷺ بی نیاز از همه است و بی پرواه از همه.

زیرا حج نکردن اینها ضرری به خلوند نمی رساند بلکه به سبب این ناشکری و کفران نعمت این بندگان ناشکر خود از رحمت وی محروم میشوند و خدا ناخواسته سرانجام ایشان سخت بد خواهد بود.

در حدیثی از رسول الله ﷺ وارد است:

«هر کسی که الله تبارک و تعالی او را اتقار دارائی عطا فرموده است که بتواند حج کند و وی

باز هم به حج نرود خلوند پرواهش را نلارد که یهودی بمیرد یا عیساتی.»

برادران!

اگر اندکی هم فکر و ارزش ایمان و اسلام در قلوب ما باقی است و ذره ای هم محبت و دلبستگی به الله و رسولش در ما موجود است، پس بعد از دانستن این حدیث، هیچ کسی از ما که توان رسیدن به آنجا را دارد نباید از الهی فریضه حج محروم بماند.

### فضایل و برکات حج:

در بسیاری از احادیث، فضایل حج و حج کنندگان وارد است. ما در اینجا فقط دو سه حدیث را ذکر میکنیم. در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«کسانی که به حج و عمره میروند مهمانان خدا هستند اگر دعا کنند خلوند دعای ایشان را قبول می فرماید و اگر مغفرت بخواهند خلوند آنها را می بخشاید».

و در حدیثی دیگر وارد است که:

«هر کسی که به حج برود و کار ناشایسته و ناهنجاری در آن نکند و نافرمانی خدا را ننماید از گناهان چنان پاک و صاف گردیده بر میگردد گویا در هنگام تولد بیگناه بود».

و در حدیثی دیگر وارد است که:

«جزای حج مبرور (یعنی حجی که با اخلاص و کاملاً درست ادا شده و هیچ گناه و ناشایستی در آن نباشد) فقط بهشت است».

### لذات تقد حج:

مغفرت گناهان و نعمات بهشت که به برکت حج حاصل می آیند انشاء الله بطور کامل در آخرت بدست خواهند آمد، لیکن اهل ایمان با دین تجلیگاه خاص خلوند و مرکز خاص انوار وی «بیت الله» شریف و بار رسیدن به آن مقاماتی که یادگارهای حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام و پیغامبر ما و سید و سرور ما حضرت محمد مصطفی ﷺ هنوز هم موجود است. آن لذت و سروری را که احساس میکنند در این دنیا مانند نعمت بهشت است.

و باز روضه اقدس را در مدینه طیبه زیارت کردن و در مسجد شریف آنحضرت ﷺ نماز

خواندن و مستقیماً با آنحضرت ﷺ مخاطب گردیده درود و سلام عرض کردن و در کوچه ها و زمینهای مدینه طیبه گردیدن و در هوای آنجا نفس کشیدن و از بوی خوش آکنده در زمین و فضای مقدس آنجا دماغ را معطر ساختن و آنحضرت ﷺ را بیاد آورده، از شوق و محبت، شالان شدن و گاهی خندیدن و گاهی گریستن... اینها همه لذت هائست که حج روندگان با رسیدن به مکه مکرمه و مدینه منوره نقد بدست می آورند بشرطیکه الله تبارک و تعالی بنده را شایسته آن بگرداند که این لذت ها را احساس کند

بیائید همه دعا کنیم که خلوند ﷺ محض از فضل و کرم خود این لذتها و این سعادت ها را نصیب ما بسازد

## پنج ارکان اسلام



این پنج تعالیم بنیادی اسلام که تا اینجا بیان شد یعنی کلمه، نماز، زکات، روزه و حج، اینها را «ارکان اسلام» میگویند در حدیث مشهور رسول الله ﷺ واردست که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«اسلام بر این پنج اساس ایستاده است:

اول شهادت دهن به لا اله الا الله محمد رسول الله، دوم نماز، سوم زکات، چهارم روزه ماه رمضان و پنجم حج بیت الله برای آنانی که توانائی رسیدن به آنجا را دارند».

مراد از اینکه این پنج چیز ارکان اسلام و بنیاد و اساس اسلام اند اینست که اینها اولین فرایض اسلام می باشند و با عمل بر آنها استعداد عمل به سایر احکام اسلام در انسان بوجود می آید

ما در این کتاب فقط اهمیت و فضیلت این ارکان را بیان نموده ایم. مسایل مفصل آنها را باید در کتب معتبره فقهی دید و یا از علمای امت پرسید.<sup>(۱)</sup>

(۱) یکی از مهمترین و معتبرترین کتب فقهی در این باره کتاب «زیورهای بهشتی» است. ترجمه فارسی آن توسط مترجم همین کتاب طبع و نشر گردیده است.

## تقوی و پرهیزگاری



تقوی و پرهیزگاری نیز از تعالیم اصولی و بنیادی اسلام است. مراد از تقوی اینست که انسان با یقین به حساب و جزا و سزای آخرت و با ترس از مواخذة الله ﷻ و عذاب او، از تمامی گناهان و معاصی اجتناب کند و بر جمله احکام خلوند عمل نماید یعنی ما آنچه را که الله ﷻ بر ما فرض گردانیده است و حقوق آن بندگان خود را که بر ما لازم ساخته است، همه آنها را ادا کنیم و هر کاری و هر سخنی و هر چیزی را که حرام و ناجایز قرار داده است، از آن پرهیزیم و حتی به آنها نزدیک نیز نشویم و از عذاب او ترسان باشیم.

قرآن مجید و احادیث رسول الله ﷺ با تاکید بسیار این تقوا را در ده جا تعلیم داده اند ما تنها چند آیات و احادیث را در اینجا درج میسازیم در سورة آل عمران فرموده شده است:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۳۰﴾**

«ای مسلمانان از خلوند بترسید چنانکه باید از او ترسید و تقوی بگزینید و تا آخرین نفس، متقیانه فرمانبرداری او را کنید تا اینکه در حال فرمانبرداری، موت تان فرا رسد».

و در سورة تعابن فرموده است:

**فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا.**

«از خلوند بترسید و تقوی بگزینید به هر قدری که می توانید و جمله احکام خدا را بشنوید و

اطاعت کنید».

و در سورة حشر فرموده است:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَلَّمَتْ لِغَيْبٍ وَأَتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۰﴾**

«ای مسلمانان از خلوند بترسید و تقوی بگزینید و هر کس باید بنگرد که برای فردای آخرت چه عملی کرده است. از خلوند ترسان باشید او از جمله اعمال شما آگاه است».

و نیز از قرآن شریف دانسته میشود که الله ﷻ در دنیا نیز بر کسانی که از او بترسند و زندگی خویش را با تقوی و پرهیزگاری بگذرانند فضل و رحمت مینماید و آنان را بسیار کمک میکند چنانکه در آیه دیگری فرموده شده است:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

«و کسانی که از خلوند بترسند و زندگی را با تقوی بسر برند الله ﷻ در مشکلات راهی برای شان پیدا میسازد و آنها را از طُرقی رزق میدهد که گمانش را هم ندارند».

و این نیز از روی قرآن شریف دانسته میشود که آنانی که با تقوی اند دوستان و اولیای خلوند می باشند و جز از الله از چیز دیگری هیچ گونه ترسی و رنجی ندارند در قرآن کریم فرموده شده است:

الْأَنْبِيَاءُ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۰۸﴾ سوره یونس

«آگاه باشید آنانی که اولیای خلوند اند هیچ خوفی و غمی ندارند و ایشان کسانی اند که به صلح ایمان آورده اند و تقوی گزیده اند برای آنها هم در زندگی دنیا و هم در آخرت بشارت است».

اندکی از آن نعماتی که این متقیان و پرهیزگاران در آخرت خواهند یافت، در این آیت شریف ذکر شده است:

قُلْ أَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ بِعَهْدِكُمْ مِنَ الَّذِينَ اتَّقُوا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۱۰۹﴾

«ای پیغمبر به آنان بگو، آیا شما را به آنچه که از تمامی اشیای مرغوب و لذیذ دنیا بهتر است خبر ندهم پس بشنوید آنانی که از خلوند بترسند و زندگی متقیانه اختیار کنند نزد پروردگار خویش باغهایی دارند که از زیر آنها نهرها روان است و آنان همیشه در آن خواهند بود و ایشان را زنتی است که بغایت پاکیزه اند و ایشان را خوشنودی و رضایت خلوند است. و خلوند همه بندگان را می بیند و احوال ظاهر و باطن همگان را میداند».

در این سلسله این آیات سوره «ص» را نیز بشنوید:



وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿١٠﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ مَّفْعَحَةٌ لَّهُمُ الْأَنْبَابُ ﴿١١﴾ مُتَّكِفِينَ فِيهَا  
يَدْعُونَ فِيهَا بِقَالَ كَثِيرَةٍ مِّنْ شَرَابٍ ﴿١٢﴾ وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الْظَّرْفِ أَنْتَارٍ ﴿١٣﴾ هَذَا مَا  
تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٤﴾ إِنَّ هَذَا لِرِزْقِنَا مَا لَهُ مِنَ نِّقَادٍ ﴿١٥﴾

«بیشک بندگان متقی را جایگاه‌هایست زیبا در بهشت و باغ‌هاییست همیشه بهار، با درهای  
گشوده برای ایشان، در آنها نشسته اند در حالیکه تکیه داده اند از خمسگاران خویش میوه و شربت  
میخواهند و نزد ایشان زنا نیست چشم به پائین انداخته و هم عمر ایشان، این نعمتی است که برای  
روز حساب بشما وعده میشود بیشک این رزق ماست که هرگز انتهائی ندارد».

و نیز در قرآن مجید به بندگان متقی مژده داده شده است که قُرب خاص پروردگار ﷻ  
نسیب ایشان خواهد گشت. در آخرین آیت سورهٔ قمر فرموده شده است:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿١٠٠﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿١٠١﴾

«بندگان متقی در آخرت میان باغها و نهرها خواهند بود در جایگاهی بلند مقامی نزدیک  
پادشاه مقتدر حقیقی کائنات».

این نیز در قرآن شریف اعلان شده است که دار و مدار عزت و شرافت نزد الله ﷻ تنها  
تقواست:

إِنَّا كَرَّمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ بِتَقْوِكُمْ ﴿١٣٠﴾ سورهٔ حجرات: ١٣

«گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شما است».

به همین صورت رسول الله ﷺ در حدیثی فرموده اند:

«محبوبترین و نزدیک ترین خلائق نزد من کسانی اند که با تقواستند از هر نسل و نژادی و  
از هر کشور و بلادی که باشند».

تقوی یعنی خوف خدا و فکر آخرت اساس همهٔ نیکی هاست. بهر اندازه ای که تقوی در  
فردی باشد، به همان اندازه نیکیها و خوبیها در او جمع خواهند بود و به همان اندازه او از اعمال و امور  
گناه آلود دوری خواهد کرد در حدیث شریف وارد است:

«یکی از صحابیان به رسول الله ﷺ عرض کرد: یا رسول الله ﷺ: گفته‌ها و ارشاداتی

فروان از شما شنیده‌ام و میترسم توانم همهٔ این نصایح و هدایات را بیاد بسپارم، لذا مرا نصیحتی

بفرمائید که همان برایم کافی باشد آنحضرت ﷺ فرمودند: بقدر علم و دانشت از خدا بترس و با همین ترس و فکر و تقوی، زندگی کن».

یعنی اگر فقط همین یک نصیحت را بیاد سپردی و بر آن عمل کردی، برایت کافیست.

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کس اندیشمند باشد، صبح زود براه می افتد و هر کس صبح زود براه افتد، بر وقت به

منزل میرسد».

پس خوش بخت و کامیاب همان کسانی اند که از خدا بترسند و بفکر آخرت باشند اگر از خوف خدا و از ترس عذاب وی، حتی یک قطره اشک از دیده بیرون آید نزد الله متعال ارزشی عظیم دارد.

در حدیث شریف وارد است:

«هیچ چیزی نزد الله ﷻ محبوبتر از دو قطره انسان و دو نشان او نیست. یکی از آن دو قطره که نزد خلوند بسیار محبوب است قطره اشکی است که از ترس خدا از چشم کسی چکیده باشد و دوم قطره خونبست که در راه خدا از جسم کسی ریخته باشد و یکی از آن دو نشان که نزد خدا بسیار محبوب است نشانبست که در راه خدا بکسی رسیده باشد (یعنی در جهاد زخم خورده و نشانش باقی مانده باشد) و دوم آن نشانبست که به سبب ادای فرایض خدا بر جسم افتاده باشد (مانند نشانی که بر پیشانی و زانوهای نمازبان می افتد)».

و در حدیثی دیگر وارد است:

«کسی که از ترس خدا گریان باشد هرگز به دوزخ نمی رود».

العرض اگر خوف صادق الله متعال و فکر آخرت نصیب کسی شود، او گنجی بزرگ بدست آورده است. زندگی انسان از این خوف و فکر بسیار با ارزش و گرانبها میگردد.

**برادرانم!**

بخوبی درک کنید هر کسی که در این چند روز حیات دنیا از خدا ترسان باشد، بعد از مرگ در زندگی آخرت هیچ خوفی و غمی نخواهد دید و بفضل الله ﷻ برای ابد الابد خوش و خرم و آسوده و راحت خواهد بود و هر کسی که در اینجا از خدا ترسد و بفکر آخرت نیفتد و در لذای دنیا مست و مدهوش باشد، وی در آخرت تکالیفی عظیم خواهد چشید و هزاران سال اشک خون



مؤثرترین ذریعۀ حصول تقوی (یعنی خوف خدا و فکر آخرت) نشستن در صحبت آن  
 بندگان نیک خداست که از خلوند ترسان اند و بر احکامش پاینده ذریعۀ دوم خواندن و شنیدن کتاب  
 های معتبر دینی است. و سومین وسیله اینست که انسان گاهگاهی در تنهائی نشسته مرگ خود را  
 بخيال آورده و آن ثوابی را که بر نیکیها و آن عتابی را که بر گناهان از سوی الله ﷻ خواهد یافت یاد  
 کند و تصور نماید و بر حال خود غور کند و بیندیشد که در قبر چه حالتی خواهیم داشت و در روز  
 قیامت، هنگامیکه همه بندگان دوباره حشر شوند چه حالی خواهیم یافت و زمانیکه در بارگاه خدا  
 پیش گردم و اعمالنامه ام را روبرویم بگشایند چه جوابی خواهیم داد و کجا خود را پنهان توانم ساخت.  
 هر شخص که این طُرق را به استعمال آورد، انشاء الله تقوی حتماً نصیبش خواهد شد الله  
 تبارک و تعالی به همه ما نعمت تقوی را عنایت فرماید

## راستکاری و دیانتداری در معاملات و اهمیت رزق حلال و حقوق العباد



راستکاری و دیانتداری در معاملات نیز از تعالیم اصولی و بنیادی اسلام است. قرآن شریف و احادیث رسول الله ﷺ روشن و واضح می گردانند که مسلمان اصیل همان کس است که در معاملات و کار و بار خود راستکار و دیانتدار باشد و به عهد و وعده خود وفادار. یعنی مکر و فریب نکند و در امانت خیانت ننماید، حق کسی را نخورد، در ترازو دغل و دستکاری نکند، دعوی دروغین ننماید و گواهی دروغ ندهد و از تمام عایدات و درآمدهای حرام مانند سود و رشوت خود را دور نگه دارد.

و هر کس که این صفات بد و ناهنجار در او موجود است، از روی قرآن و حدیث دانسته میشود که وی مومن خالص و مسلمان اصیل نبوده بلکه نوعی منافق و سخت فاسق است. الله ﷻ همه ما را از این صفات زشت محفوظ بدارد در اینجا ما چند تاکید از تاکیدات سخت قرآن و حدیث را که در این باره وارد شده درج میکنیم. آیت مختصر قرآن است که:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ.** سورة نساء: ۲۹

«ای اهل ایمان، اموال یکدیگر از راه های ناجایز و نادرست نخورید».

این آیت شریف تمامی آن طرق کسب و درآمد را بر مسلمانان حرام گردانیده که نادرست و باطل اند مانند با دروغ و فریب تجارت و خرید و فروخت کردن، در امانت خیانت کردن، قمار زدن، شرط بازی کردن و سود خوردن و رشوه دادن و گرفتن و غیره ... و اینها همه باز در آیات دیگر جگانه به تفصیل ذکر رفته اند مثلاً درباره دکان داران و سوداگرانی که در تول و ترازو، دستکاری و

فربیکاری میکنند در سورهٔ مطففین خصوصاً وارد شده است:

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ ۝۱۱ الذِّكْرَ اِذَا كُنَّا اَوْلَا عَلَ النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ۝۱۲ وَاِذَا كَانُوْهُمۡ اَوْ وَّرَثُوْهُمۡ  
يُخْسِرُوْنَ ۝۱۳ اَلَا يَبْظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ مَّبْعُوْتُونَ ۝۱۴ لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝۱۵ تَوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ رَبِّ الْمَلٰٓئِكِيْنَ ۝۱۶

«وای بر آن کم فروشیانی که چون از مردم برای خود پیمانه گیرند کامل و پُر میگیرند و هنگامیکه برای مردم پیمانه میکنند یا وزن می نمایند کم میهند آیا آنها گمان نلرند که در روزی بزرگ دوباره حشر خواهند شد روزی که همگان برای جزا و سزا در حضور پروردگار عالمیان خواهند ایستاد».

دربارهٔ ادای حقوق دیگران و امانات ایشان بطور خاص حکم شده است:

اِنَّ اللّٰهَ يٰۤاْمُرُكُمْ اَنْ تُوْفُوْا اَلْاٰمٰنٰتِ اِلٰى اَهْلِهَا نَسَاۗءً ۵۸

«خوایند شما را حکم میدهد که امانات (و حقوق) مردمان را درست ادا کنید».

و قرآن شریف در دوجا یکی در سورهٔ مومنون و دوم در سورهٔ معارج، صفت و علامت مسلمانان اصیل و کامل را چنین بیان نموده است:

وَالَّذِيْنَ هُمْ لَا مُنْتَهٰى لِعَهْدِهِمْ رٰعُونَ ۝۱۷

«آن کسانی که امانات را اداء میکنند و به وعده وفا می نمایند».

در حدیث شریف است که رسول الله ﷺ در اکثر خطبات و مواعظ خود می فرمودند: «بیاد بسپارید که هر کس که امانتدار نیست، او ایمان ندارد و هر کس که به وعده وفادار

نیسته سهمی در دین ندارد».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«منافق سه علامت دارد: دروغ گفتن، در امانت خیانت کردن و به وعده وفا نکردن».

آنحضرت ﷺ دربارهٔ کسانی که با دروغ و فربیکاری، خرید و فروخت و تجارت میکنند

فرموده اند:

«هر کس فربیکاری کند از ما نیست و مکر و فربیه انسان را بلوخت می برد».

این سخن را رسول الله ﷺ آن زمانی ارشاد فرمودند که در بازار مدینه مردی را دیدند که توده ای گندم برای فروختن گذاشته بود لیکن گندمهای بالائی خشک و گندمهای زیرین تر بودند

آنحضرت ﷺ با مشاهده آن فرمودند:

«این چنین مکار از ما نیست.»

پس آن دو کاندلرانی که نمونه خوب اموال را به مشتریان نشان بدهند و عیب آن را ظاهر نسانند مطابق این حدیث رسول الله ﷺ از مسلمانان صاقل و اصیل نیستند و خدای ناکرده جایگاه ایشان جهنم است. در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که چیزی را بدست دیگری بفروشد در حالیکه در آن عیبی هست و عیب آن را به خریدار نگوید وی همیشه در خشم خلوند خواهد بود (در روایتی دیگر است که) فرشتگان خدا همیشه بر او لعنت می فرستند.»

بهر حال، هرگونه فریبکاری و جعل سازی در تجارت و کاروبار، از روی تعالیم اسلام حرام و مورد لعنت است و رسول الله ﷺ قطع رابطه خود را با این چنین کسان اعلان فرموده و آنها را از جماعت خود خارج نموده اند

به همین صورت سود و رشوت دادن و گرفتن (اگرچه با رضایت هر دو طرف باشد) قطعاً حرام است و در احادیث شریف واضحاً بر سود و رشوت گیرندگان و دهندگان لعنت وارد شده است. درباره سود حدیث مشهور است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«لعنت خدا بر کسی که سود میگیرد و سود میدهد و بر کسی که قرارداد سودی را می نویسد و بر گواهان آن.»

به همین صورت درباره رشوت در حدیث شریف وارد است:

«رسول الله ﷺ بر رشوت گیرنده و رشوت دهنده لعنت نموده است.»

در حدیثی دیگر است که رسول الله ﷺ تا آنجا فرمودند که:

«اگر کسی برای شخص دیگری در کاری (جایز) سفارش کرد و سپس آن شخص تحفه ای به سفارش کننده داد و او نیز آن را پذیرفت و گرفته او نیز گناهی بزرگ ارتکاب کرد.»

گویا اینکار نیز نوعی رشوت و گونه ای سود است

بهر حال داد و گرفت رشوت و سود و دروغ و فریبکاری در تجارت و کاروبار بطور یکسان در اسلام حرام است و حرامتر از آنها اینست که انسان توسط دعوای دروغ یا به زور، چیز کس دیگری

را بصورت ناجایز بگیرد و قبضه کند در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند: «هر کسی که حتی اندکی از زمین شخص دیگری را بطور ناجایز غصب کرد در روز قیامت عذابش این خواهد بود که همراه آن قطعه زمین او را در زمین فرو میکنند تا آنجا که به پائین ترین طبقه زمین برسد».

و در حدیثی دیگر وارد است:

«هر کسی که (نزد حاکم یا قاضی) قسم دروغ خورده مال مسلمانی را بطور ناجایز بدست آورد الله ﷻ آتش دوزخ را برایش واجب گردانیده و بهشت را برایش حرام ساخته است».

با شنیدن این سخن شخصی عرض کرد یا رسول الله ﷺ اگرچه آن چیز شیء معمولی و پیش پا افتاده باشد آنحضرت فرمودند: بلی اگرچه شاخه ای کوچک از درخت باشد».

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ مدعی ای را آگاه ساخته و فرمودند: «هر کسی که توسط قسم دروغ، مال شخص دیگری را بطور ناجایز بدست آورد در روز قیامت در حالی به بارگاه خلوند پیش خواهد شد که او را مرض جنام گرفته است».

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که بر چنان شبی دعوی نمود که از او نیست، پس او از ما نیست و او را باید که جایگاه خود را در دوزخ آماده سازد».

و درباره گواهی دروغ در حدیثی وارد است که:

«آنحضرت ﷺ روزی بعد از نماز صبح ایستاده و سه بار فرمودند که گواهی دروغ برابر شرک قرار داده شده است».

### نجاست و نجاست مال حرام:

هر مالی که توسط ذرایع ناجایز و حرامی که در بالا ذکر رفت بدست بیاید حرام و ناپاک خواهد بود و رسول الله ﷺ درباره کسی که آن را در خوراک و پوشاک خود استعمال کند فرموده است که نه نمازهای او قبول میشود و نه دعاهایش. حتی که اگر بوسیله آن کاری نیک و خیر کند آنهم نزد خلوند قابل قبول نیست و این شخص در آخرت از رحمت خدا محروم خواهد بود. در

حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کس مال حرامی کسب کرده و آن را صدقه کند صدقه او قبول نخواهد شد و هر قدری که (از آن مال حرام بخاطر مصالح و ضروریات خود) مصرف کند در آن برکنی نخواهد بود و اگر آن را به میراث گذاشته بمیرد برایش توشه دوزخ خواهد گشت. به یقین بدانید که الله ﷻ بدی را با بدی از بین نمی برد (یعنی صدقه از مال حرام سبب بخشایش گناهان نمی شود) بلکه بدی را با نیکی از بین می برد هیچ ناپاکی، ناپاکی دیگری را از بین نمی برد و پاک نمی سازد».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«الله ﷻ پاک است و مال پاک و حلال را قبول مینماید و آنگاه رسول الله ﷺ در آخر حدیث مردی را ذکر فرمودند که بعد از سفر دور و درازی (جهت دعا در جای متبرکی) در حالی رسیده که موهایش پراکنده و آشفته و سرتا پایش را گرد و غبار فرا گرفته است و او دو دست خود را بسوی آسمان برداشته با الحاح و زاری دعا کند و بگوید: ای پرودگار من! ای پرودگار من! لیکن آب و غذایش از مال حرام بوده و پوشاکش از مال حرام بوده و از مال حرام پرورش یافته است پس در این صورت دعای وی قبول چگونه شود؟».

یعنی اینکه هنگامی که هم خوراکش و هم پوشاکش از مال حرام است کجا میتواند مستحق قبولیت دعا باشد در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«اگر کسی لباسی را به ده درهم بخرد و یک درهم آن از مال حرام باشد تا وقتی که آن لباس در تن اوست هیچ نمازش نزد خدا قابل قبول نیست».

و در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر جسمی که از مال حرام پرورش یافته باشد به بهشت نخواهد رفت».

### برادران!

اگر در دلهای مان ذره ای هم ایمان است بعد از شنیدن این فرموده های رسول الله ﷺ باید قطعاً عزم کنیم که اگرچه مجبور شویم که به تنگدستی و رنج فراوان در دنیا بسر ببریم، ولی هرگز نخواهیم کوشید که از راه ناجیز و حرام پول و ثروت بدست آوریم و فقط بر درآمد و عاید حلال قناعت خواهیم کرد



## کسب پاک و حلال و کاروبار دیانتدارانه:

و باز همانگونه که در اسلام راه های کسب و کار ناجایز، حرام و درآمد و عایدات آن خبیث و ناپاک قرار داده شده است، راه های حلال بدست آوری روزی و تجارت و کار و بار با صداقت و راستی، فضیلت زیادی داراست.

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«کسب روزی حلال فریضه ایست بعد از فرایض مقررۀ دین».

در حدیث دیگری آنحضرت ﷺ فضیلت کسب رزق و روزی توسط دست و بازو را چنین

بیان می فرمایند که:

«هیچ کسی روزی خود را بهتر از این طریق بدست نیاورده است که خود با دست و بازوی

خود کار کند و پیغمبر خدا دود ﷺ با دست خود کار میکرد و روزی خود را بدست می آورد».

در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«تاجری که با دیانتداری و راستکاری تجارت میکند در قیامت با انبیاء و صدیقین و شهدا

خواهد بود».

## نرمی و رحم دلی در معاملات:

همانگونه که در اسلام بر دیانتداری و راستکاری در معاملات مالی و خرید و فروش تاکید بسیار رفته است و اینکار نیکی بسیار بزرگ و ذریعۀ قُرب خلونندی قرار داده شده است به همین صورت ترغیب بسیاری و فضایل بیشماری بر این امر وارد گردیده است که انسان در خرید و فروش و داد و ستد روش نرم اختیار کند و از سخت گیری پرهیز نماید

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«رحمت خدا بر آن بنده ای که در خرید و فروخت و بازپس گرفتن حق خود از دیگران نرم

باشد».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«هر کس که بنده ای نالار و تنگدستی را (در ادای قرض خود) مهلت بدهد یا (تمام یا مقلاری

از قرض خود را) معاف کند الله ﷻ او را از تکالیف و پریشانی های روز قیامت نجات خواهد داد.

در روایتی دیگرست که:

«الله ﷻ او را در روز قیامت در سایه رحمت خود خواهد گرفت.»

این ارشادات رسول الله ﷺ متوجه تاجران و ثروتمندانی است که اشخاص تنگدست و نادار در ضروریات خویش از ایشان قرض میگیرند لیکن رسول الله ﷺ درباره کسانی که از دیگران قرض میگیرند با نهایت تاکید ارشاد فرموده اند که هرچه زودتر قرض آنها را ادا کنند و مبدا در حالت قرضلاری از دنیا بروند و حق یکی از بندگان خدا بگردن آنها بماند از احادیث ذیل میتوان سنجد که رسول الله ﷺ در این باره چقدر تاکید می نمودند در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«اگر مردی در راه خدا شهید شود همه گناهانش به سبب شهادت بخشیده میشود لیکن اگر قرض کسی بر اوسته این قرض با وجود شهادت در گردن وی خواهد ماند.»

و در حدیث دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«قسم بخدائی که جان محمد در قبضه اوسته اگر کسی در راه خدا شهید شود سپس زنده شود و باز شهید شود و سپس باز زنده شود و باز شهید شود و باز هم قرض کسی بگردن او باشد پس (بدون فیصله درباره آن قرض) او به بهشت نخواهد رفت.»

برای دانستن نزاکت معاملات مالی و حقوق العباد همین دو حدیث کافیسست. الله تبارک و تعالی توفیق دهد که ما نیز اهمیت و نزاکت آن را درک کنیم و همیشه بکوشیم تا حق هیچ بنده ای بر گردن ما باقی نماند

## احکام و آداب معاشرت

### و حقوق اجتماعی



آداب و حقوق معاشرت نیز از تعالیم ویژه و مهم اسلام است و یک مسلمان همانگاه مسمان کامل و اصیل می‌تواند شود که بر احکام معاشرتی و اجتماعی اسلام نیز تماماً عمل کند مراد از احکام معاشرتی و اجتماعی، آن اطوار و طریقهٔ برخورد و پیشامد با دیگران است که اسلام تعلیم داده است. مثلاً اینکه فرزندان با پدر و مادر چگونه پیش آیند و مادر و پدر با فرزندان چه رفتاری نمایند برادر با برادر خود چگونه روشی کند و چگونه با خواهران خود سلوک نماید زن و شوهر چگونه باهم زندگی بکنرانند خردان در مقابل بزرگان چگونه رفتار کنند و بزرگان با خردان چه رویه ای داشته باشند با همسایگان چگونه پیش آئیم، پولداران با ناداران چه سلوکی داشته باشند و فقراء با ثروتمندان چه روشی نمایند صاحبکاران با کارگران خود و کارگران با صاحبکاران خویش چه رویه ای در پیش گیرند

خلاصه اینکه آن هدایات مکمل و روشنی که اسلام دربارهٔ طریقهٔ زندگی و رفتار با خرد و بزرگ طبقات مختلف مردم که در این حیات دنیوی با ایشان سر و کار داریم بما داده است همانها را احکام و آداب معاشرت می‌گویند و ما در این درس می خواهیم اندکی دربارهٔ آنها بیان کنیم.

### حقوق والدین و ادب ایشان:

انسان در این جهان اولتر از همه و بیشتر از همه با پدر و مادر خود ربط و تعلق دارد اسلام بعد از حق خدا و رسوله صلی الله علیه و آله حقوق پدر و مادر را بزرگتر از همه دانسته و بیان نموده است. قرآن شریف

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا ۗ إِمَّا يَبْتُلِغَنَّ عَيْنُكَ الْكِبَرَ أَخَذَهُمَا  
 أَوْ كِلَيْهِمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُ هُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٥٧﴾ وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاءَ اللَّذَىٰ  
 مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا ﴿٥٨﴾ اسراء

«پرودگار تو حکم داده است که جز او کسی را عبادت و بندگی نکنید و با پدر و مادر به نیکی رفتار کنید اگر یکی از آنها یا هر دوی آنها نزد تو به پیری برسند پس هرگز به ایشان حتی آف هم نگو و سخن ناراحت کننده به ایشان مزن و همراه ایشان با ادب و احترام سخن بگو و با عاجزی و انکساری ایشان را اطاعت کن و برای آنها از خلوند دعا بخواه که بار الها بر ایشان رحمت بفرما چنانکه مرا در کودکی با شفقت پروردند و بزرگ کردند».

در آیت دیگری از قرآن شریف ضمن بیان حقوق پدر و مادر تا آنجا گفته شده است که:  
 «اگر پدر و مادر کسی کافر و مشرک نیز باشند و فرزند خود را بکفر و شرک مجبور سازند بر فرزند لازم است که بگفته آنها کفر و شرک نورزد لیکن در دنیا با آنها به نیکی رفتار کند و ایشان را خدمت نماید».

الفاظ آیت شریف این است: **وَإِنْ جَاهَدَكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا  
 وَصَاحِبَيْهِمَا فِي الدُّنْيَا مَمْرُوفًا ﴿٥٨﴾** سوره لقمان آیه ۱۵

علاوه بر قرآن کریم در احادیث شریف نیز بر خدمت و اطاعت پدر و مادر تاکید بسیار رفته است و نافرمانی و آزار ایشان، گناه سخت بزرگ شمرده شده است.  
 در حدیثی وارد است که:

«رضای خدا در رضای پدر و مادر است و خشم خدا در خشم پدر و مادر».

در حدیثی دیگر وارد است:

«شخصی از رسول الله ﷺ پرسید پدر و مادر چه حقوقی بر لولاد دارند؟ آنحضرت ﷺ فرمودند که بهشت و دوزخ لولاد پدر و مادر است. (یعنی از خدمت ایشان بهشت بدست می آید و نافرمانی و بد رفتاری با ایشان سبب رفتن به دوزخ است)».

در حدیث دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«فرزند اطاعت کنار والدین، چه پسر باشد و چه دختر، هر چند باری که با محبت و عظمت بسوی پدر و مادر می بیند الله تبارک و تعالی در مقابل هر نظر او ثواب یک حج مقبول را برایش مینویسد عرض کردند: یا رسول الله ﷺ اگر چه او روزانه صد مرتبه آنها را بدیده محبت و عظمت ببیند باز هم در مقابل هر نظر ثواب یک حج مقبول را خواهد یافت. آن حضرت ﷺ فرمودند: بلی خلوند بسیار بزرگ و بسیار پاک است. (یعنی اینکه چیزی نزد او کمبود ندارد بر هر عملی هر قدر ثوابی که بخواهد می تواند بدهد)».

و در حدیثی دیگر وارد است:

«بهشت زیر پاهای پدر و مادر است».

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ بزرگترین گناهان را به صحابه کرام چنین بیان فرمودند:

«شُرک آوردن بخلوند نافرمانی کردن از پدر و مادر، و گواهی دروغ دادن».

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«سه گروه اند که الله تبارک و تعالی در روز قیامت به نظر رحمت بسوی ایشان نخواهد

نگریست. و یکی از آنها کسانی اند که نافرمانی پدر و مادر را میکنند».

## حقوق فرزندان:

همانگونه که اسلام حقوق پدر و مادر را بر فرزندان تعیین نموده است برای اولاد و فرزندان نیز بر پدر و مادر حقوقی چند معین ساخته است. در اینجا ضرورتی به این نیست که درباره حق خوراک و نوشاک و پوشاک اولاد سخنی بگوئیم، زیرا این حق فرزندان را بطور فطری و طبیعی احساس میکنیم. البته آن حق اولاد که عموماً درباره آن کوتاهی می نمائیم تربیت دینی و اخلاقی آنهاست. الله ﷻ بر ما فرض گردانیده است که فرزندان و اهل و عیال خود را به طوری تربیت و نگهداری نمائیم که بعد از مرگ به دوزخ نروند قرآن شریف می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ﴿۶﴾ سورة تحریم آیه ۶

«ای مسلمانان، خود و عیال و فرزندان خود را از آتش دوزخ نجات دهید».

رسول الله ﷺ فضیلت تربیت نیک فرزندان را در حدیثی چنین بیان فرموده اند:

«هیچ هدیه‌ای از طرف پدر برای فرزندان بهتر از این نیست که آنها را تربیت نیک دهد.»

بعضیها در میان فرزندان خود محبت و دلستگی بیشتر به پسران دارند و دختران بیچاره را بار دوش می‌پندارند بنابراین در پرورش و تربیت آنها کوتاهی میکنند لانا در اسلام بطور خصوصی بر تربیت نیک دختران تاکید شده و فضیلت بزرگی برایش بیان گردیده است. در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که دختران یا خواهرانی داشته باشد و با آنها به نیکی رفتار کند و ایشان را تربیت نیک دهد و (با اشخاص مناسب) نکاح نماید، الله ﷻ او را بهشت عطا میفرماید.»

### حقوق زن و شوهر:

در روابط انسانی رابطه و پیوند زن و شوهر رابطه و پیوندیست بسیار مهم و گویا رابطه ایست جلا ناشدنی. بنابراین اسلام درباره آن نیز هدایات نهایت واضح و روشن و موکد بیان فرموده است. خلاصه تعلیم اسلام در این باره اینست که زن باید بطور کامل خیرخواهی و فرمانبرداری شوهر خود را نماید و در امانت او به هیچ صورتی خیانت نکند

قرآن شریف میفرماید:

قَالَصِدْقٌ فَنَبَتْ حَفْظُكَ لِلْعَيْبِ سوره نساء آیه ۳۴

«پس زنان نیکه فرمانبردار اند و در ناموجودی شوهر از امانت وی حفاظت میکنند.»

و شوهران از طرف اسلام حکم یافته اند که با زنان خود بطور کامل محبت بورزند و موافق حیثیت و استطاعت خود خوراک و پوشاک درست برایشان فراهم آورند و در دللاری آنها کوتاهی نکنند قرآن مجید میفرماید:

وَعَايِرُواوهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ سوره نساء آیه ۱۹

«با زنان به نیکی رفتار کنید.»

رسول الله ﷺ مطابق این تعلیم قرآنی، شوهران و زنان مسلمان را سخت تاکید میفرمودند که باهم رفتار نیک و حسن سلوک داشته باشند و یکدیگر را راضی و خوش نگاه دارند در این

سلسله چند احادیث شریف درج ذیل اند باری آنحضرت ﷺ به زنان فرمودند:

«هر مردی که زن خود را نزد خود بخواند و او نیاید و شوهر تمام شب از او ناراض باشد فرشتگان تا صبح بر آن زن لعنت می فرستند.»

و بر عکس در حدیثی دیگر آنحضرت ﷺ فرموده اند:

«هر زنی که در حالی از دنیا بگذرد که شوهرش از او راضی است، او به بهشت می رود.»

و در حدیث دیگری رسول الله ﷺ فرمودند:

«قسم به آن ذاتی که جان محمد در قبضه اوست، هیچ زنی حق خلوند را تا آنوقت اداء نمی تواند تا آنکه حق شوهرش را اداء نکند.»

و باری آنحضرت ﷺ در اجتماع بزرگی خصوصاً مردان را مخاطب ساخته فرمودند:

«شما را بطور خاص وصیت میکنم که با زنان خود رفتار نیک کنید و این وصیت مرا زیاد بسپارید و آنگاه بنگرید که آنها چگونه بفرمان شما خواهند بود و در دست شما.»

و در حدیثی دیگر آنحضرت ﷺ ارشاد فرمودند:

«بهترین شما کسانی اند که با زنان خویش نیک اند.»

و در روایتی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«کامل ایمان ترین مسلمانان آنکس است که اخلاقش بهتر باشد و با زنان خود رفتار پُر لطف و محبت نماید.»

### حقوق خویشاوندان:

علاوه بر روابط پدر و مادر و اولاد و زن و شوهر، انسان رابطه ای خاص با خویشاوندان خود نیز دارد اسلام این پیوند و رابطه را نیز بسیار ملحوظ می دارد و برای آن حقوقی مقرر ساخته است. چنانچه در قرآن مجید بارها بر حُسن سلوک یعنی خوشرفتاری با «قَوِّی الْقَرْبٰی» یعنی خویشان تاکید شده است و شخصی که حقوق خویشاوندی و قرابت را پامال میسازد در اسلام گناهکاری بزرگ بشمار رفته است. در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«کسی که حقوق خویشاوندان را پامال میکند و لحاظ خویشاوندی را نمی نماید به بهشت نخواهد رفت.»

رسول الله ﷺ در این سلسله بر تعلیم خاصی تأکید فرموده اند و آن اینکه اگر بالفرض یکی از خویشاوندان شما حق خویشاوندی شما را ادا نمیکنند شما باز هم حق خویشاوندی او را ادا کنید چنانچه آنحضرت ﷺ در حدیثی میفرمایند:

«هر خویشاوند تو که با تو قطع رابطه و بی مروتی نماید و حق خویشاوندی او را ادا نکند تو با او قطع رابطه مکن و از جانب خود حق خویشاوندی او را ادا بکن.» (صَلِّ مَنْ قَطَمَكَ...)

### حقوق بزرگان بر خردان و حقوق خردان بر بزرگان:

یکی از تعالیم عمومی و اصولی اسلام در سلسلهٔ معاشرت اینست که هر خردی، کلان سالان را تعظیم و تکریم کند و در مقابل ایشان ادب و احترام را رعایت نماید و هر بزرگسال باید بر خردان شفقت و محبت نماید (اگرچه بین آنها خویشی هم نباشد) این امر آنگاه در اسلام مهم است که آنحضرت ﷺ در حدیثی اعلان فرموده اند:

«هر بزرگسالی که بر خردان شفقت نکند و هر خردی که بزرگسالان را ادب و احترام ننماید از ما نیست.»

و در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«هر جوانی که پیری را به سب پیری اش، ادب و احترام کند الله ﷻ برای وی کسانی را مقرر خواهد ساخت تا در پیری اش او را ادب و احترام کنند.»

### حقوق همسایگان:

انسان علاوه بر خویشان خود پیوند و رابطهٔ جداگانه با همسایه های خود نیز دارد. اسلام این پیوند و رابطه را اهمیت بسیار داده و برای آن هدایاتی مفصل بیان نموده است. قرآن مجید در جائی که به حُسن سلوک و رفتار نیک با پدر و مادر و زن و شوهر و سایر خویشان حکم داده است، همانجا دربارهٔ همسایه ها نیز تأکید و هدایت فرموده است.

وَالْجَارِ بِی الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ. سورهٔ نساء آیه ۳۶

در این آیت شریفه سه نوع همسایه ذکر رفته است و بر حُسن سلوک و خوش رفتاری با هر



سه آنها امر شده است.

مراد از «**وَالْجَارِي الْقَرِينِ**» همسایه های اند که بر علاوه همسایگی، با ما پیوند خویشاوندی نیز داشته باشند و مراد از «**وَالْجَارِ الْجُنْبِ**» همسایه های اند که هیچ خویشاوندی با آنها در میان نیست و فقط رابطه همسایگی با ایشان داریم و بس. همسایه های غیر مسلمان نیز در این نوع شامل اند و مراد از «**وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ**» کسانی اند که اتفاقاً در جائی و مقامی بهم برخوردند مانند همسفر و همکار و همصنف در این نوع نیز تخصیصی بین مسلمانان و غیر مسلمانان نیست و اسلام ما را بر حسن سلوک و رفتار نیک با هر سه نوع این همسایه ها و آشناها حکم داده است. رسول الله ﷺ آنقدر تأکیدات سخت بر این امر میکردند که در حدیثی وارد است که آن حضرت ﷺ فرمودند:

«هر کسی که بخنا و روز آخرت ایمان دارد همسایه خود را هیچ آزار و رنجی نرساند.»

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«آنکس مسلمان نیست که خود شکم سیر بخورد و همسایه بغل دستش گرسنه باشد.»

در حدیثی دیگر وارد است که باری رسول الله ﷺ با جلالی عظیم فرمودند:

«قسم بخنا آنکس مسلمان نیست. قسم به خنا آنکس مسلمان نیست. سوگند بخنا آنکس

مسلمان نیست. عرض کردند یا رسول الله ﷺ چه کسی مسلمان نیست. آنحضرت ﷺ فرمودند:

آنکس مسلمان نیست که همسایه اش از شرش در امان نباشد.»

در حدیث دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«آنکس به بهشت نمی رود که همسایه اش از شرش ایمن نیست.»

و در حدیثی دیگر وارد است که:

«یکی از صحابه عرض کرد که یا رسول الله ﷺ درباره فلان زن میگویند که او بسیار نماز

میخواند و بسیار روزه میگیرد و بسیار صدقه و خیرات میکند لیکن به سبب زبان درازی، همسایه

های خود را آزار میرساند؟ آنحضرت ﷺ فرمودند که جایش دوزخ است. باز همان صحابی عرض

کرد که یا رسول الله ﷺ درباره فلان زن میگویند که اگرچه نماز بسیار نمی خواند و روزه بسیار

نمیگیرد و خیرات زیاد نمیدهد (یعنی کمتر از زن قبلی نماز نفل میخواند و کمتر از او روزه نفل میگیرد

و صدقه و خیرات میدهد) لیکن همسایه های خود را با زبان خود هرگز آزار نمی رساند آنحضرت  
 ﷺ فرمودند که او جایش بهشت است».

برادران!

این است حقوق همسایگان در اسلام. افسوس که امروز ما چقدر غافل از این احکامیم.

### حقوق ناتوانان و حاجتمندان:

تا اینجا حقوق آن کسانی ذکر شد که رابطه و پیوندی خاص با یک فرد دارند خواه  
 خویشاوند او باشند یا همسایه و یا همکار وی. لیکن اسلام علاوه اینها حقوق هر فرد ناتوان و هر  
 شخص حاجتمند را نیز مقرر نموده است و بر افرادی که توانائی و استطاعت دارند لازم ساخته است  
 تا به آنان کمک و خدمت کنند، و در ده ها جا تاکید و هدایت فرموده است که یتیمان و مسکینان و  
 مفلسان و مسافران و سایر حاجتمندان را باید خدمت و امداد کرد گرسنگان را طعام داد و  
 برهنگان را لباس و ...

رسول الله ﷺ نیز بر اینکار تاکید و ترغیبی فراوان نموده و فضایل بسیار برایش بیان  
 فرموده است. چند احادیث شریف این سلسله درج ذیل اند در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ  
 دو انگشت مبارک خود را بهم چسپانیده فرمودند:

«هرکسی که یتیمی را کفالت کند در بهشت آنقدر بمن نزدیک خواهد بود چنانکه این دو  
 انگشت بهم».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند که:

«کسی که در دستگیری و کمک زنان بیوه و نادارها و محتاجها تلاش میکند به مانند  
 مجاهد در راه خلدست و ثوابی مانند آن شخص بدست می آورد که همیشه روز را روزه می گیرد و  
 شب را در نماز نفل به صبح میرساند».

در حدیثی دیگر است که رسول الله ﷺ مسلمانان را نصیحت نموده و ضمن آن فرمودند:

«مصیبت زدگان را کمک کنید و گمشدگان را راه بنمائید».

آنحضرت ﷺ در این احادیث، تخصیصی بین مسلمان و غیر مسلمان نگذارده است، بلکه

در بعضی احادیث وارد است که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر حُسن سلوک با جانوران نیز سخت تاکید فرموده اند و کسانی را که بر آنها رحم میکنند و از آنها خبرگیری و مدد می نمایند به رحمت خلوند مژده داده است.

در حقیقت اسلام رحمتیست برای تمامی عالم و همه کاینات و سرور و آقا و هادی ما حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» است. لیکن ما خود از احکام و پیغام آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دور گشته ایم.

ای کاش ما نیز خود را مسلمان کامل ساخته رحمتی بگردیم برای تمام دنیا.

### حقوق مسلمان بر مسلمان دیگر:

علاوه بر حق خویشاوندی و همسایگی و انسانی، هر مسلمان چند حقوق اسلامی بر مسلمان دیگر دارد چند احادیث رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره حسب ذیل است. آنحضرت فرمودند: «هر مسلمان برادر مسلمان دیگر است و بر وی لازم است که خود بر او ظلم و ستم نکند (و اگر دیگری بر او ظلم نماید پس) او را تنها رها نکند (بلکه اگر ممکن است او را کمک کند و مدد نماید) و هر کسی از شما که در رفع حاجت برادر خود کوشان باشد الله عَزَّوَجَلَّ در رفع حاجت او کوشان می باشد و هر مسلمانی که تکلیف مسلمان دیگری را حور بسازد الله تبارک و تعالی در روز قیامت وی را از تکلیف نجات خواهد داد و هر مسلمانی که عیوب مسلمان دیگر را پوشاند خلوند در روز قیامت عیوب او را خواهد پوشانید».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«با همدیگر بغض و عدوت ننمائید حسد نوزیبه غیبت نکنید و چون بندگان یک خدا و مانند برادر زندگی کنید و برای هیچ مسلمانی حلال نیست که بیشتر از سه روز با برادر مسلمان خود ترک سلام و کلام کند».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«مال مسلمان و جان او و آبروی او بر سایر مسلمانان حرام است».

در اینجا ما سلسله آداب معاشرت و حقوق خویشان و وابستگان را با حدیثی از رسول الله

ﷺ به پایان میرسانیم که هر مسلمان را به لرزه می آورد روزی رسول الله ﷺ از صحابه کرام پرسینند

«چه کسی را مفلس و نادر میگویند؟ صحابه عرض کردند که یا رسول الله ﷺ مفلس آنکسی است که درهم و دیناری (یعنی پول و دارائی) ندارد آنحضرت ﷺ فرمودند نی، مفلس در میان ما آنکس است که روز قیامت با ذخیره نماز و روزه و صدقه خود میآید لیکن در دنیا یکی را دشنام داده و بر دیگری بهتان بسته، کسی را زده و مال کس دیگری را بناحق خورده و هنگامیکه در مقام حساب ایستاده اش میکنند مدعیانش می آیند و بقدر حقوق خود از نیکی های او میگیرند تا آنجا که از نیکی های او چیزی نمی ماند آنگاه گناهان آنها را بر او میگذارند و سپس او را به جهنم می اندازند».

### برادرانم!

در این حدیث غور کنید و بیندیشید که اتلاف و خوردن حق دیگران و ناسزا گفتن و غیبت کردن ایشان، چه هلاکتی بزرگ است.

بندگان خدا!

اگر حق کسی را تلف کرده اید پس در همین دنیا آن را ادا کنید یا عوضش را بدهید یا بخشش بخواهید و عهد کنید که در آینده احتیاط خواهید کرد ورنه انجام آن در آخرت بسیار ناگوار خواهد بود. **اللَّهُمَّ احْفَظْنَا.**

## اخلاق و صفات نیک و عالی



اخلاق و صفات حسنه و نیک نیز از تعالیم بنیادی اسلام است و اصلاح و درست سازی اخلاقی و روحانی انسانها از مقاصد ویژه ایست که رسول الله ﷺ بخاطر اكمال آن به نبوت مبعوث گردیده اند آنحضرت ﷺ خود می فرمایند:

«من از سوی الله تبارک و تعالی به آن جهت مبعوث شده ام تا اخلاق نیکو بیاموزانم و آن را تا مرتبه کمال برسانم.»

### فضیلت و اهمیت اخلاق حسنه:

اندکی از فضیلت و اهمیت اخلاق حسنه و نیکو در اسلام را میتوان از احادیث مندرجه ذیل رسول الله ﷺ قیاس کرد آنحضرت ﷺ فرمودند:

«بهترین شما کسانی اند که اخلاق ایشان نیک است.»

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«محبوبترین شخص نزد من در روز قیامت کسی خواهد بود که اخلاقش از همه بهتر است.»

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«اخلاق نیکو در روز قیامت در ترازوی اعمال، سنگین ترین وزن را خواهد داشت.»

در روایتی دیگر وارد است که:

«از آنحضرت ﷺ سوال شد که چه صفتی است که انسان را به بهشت میبرد آنحضرت ﷺ فرمودند که خوف خدا و اخلاق نیک.»

و در روایت دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مومن نیک اخلاق، ثواب روزه روز و قیام (یعنی نمازهای نفل تمام) شب را بدست می‌آورد». مراد اینست که آن بنده خدا که به سعادت ایمان مشرف است و فریض مقررۀ خلوند را اداء میکند و روزه نغلی زیادی نمیگیرد و شبها نمازهای مستحب بسیاری نمی خواند مگر اخلاق نیک دارد الله ﷻ وی را به سبب اخلاق حسنه اش برابر با کسانی ثواب عطا می فرماید که «صَائِمٌ النَّهَارِ قَائِمُ اللَّيْلِ» اند یعنی روزها را همیشه روزه میگیرند و شبها را همیشه نماز نفل می خوانند

### نحوست اخلاق سیئه:

همانگونه که رسول الله ﷺ فضایل اخلاق حسنه را بیان نموده اند همچنین ما را از نحوست اخلاق سیئه یعنی اخلاق بد و ناپسندیده نیز آگاه ساخته اند در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«شخص بد اخلاق به بهشت نخواهد رفت».

و در روایتی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«هیچ گناهی نزد الله تبارک و تعالی بدتر از اخلاق بد نیست».

## چند اخلاق نیک و ضروری



اگرچه قرآن و حدیث تلمی اخلاق نیکو و صفات عالی روحانی را تعلیم داده اند و بر اجتناب از همه اخلاق بد و عادات زشت تاکید نموده اند لیکن ما در اینجا تنها بذکر چند هدایات اخلاقی ضروری و بنیادی اسلام که هیچ کسی بدون آنها نمی تواند مومن و مسلمان کامل و صحیح گردد اکتفاء میکنیم.

### صداقت و راستگوئی:

راستگوئی آنقدر در اسلام اهمیت دارد که علاوه بر اینکه تاکید رفته است که هر مسلمان

باید همیشه راست بگوید این نکته نیز تأکید شده است که او همیشه باید همشین و هم صحبت راستگویان باشد قرآن مجید میفرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۱۹﴾ سورة توبه: ۱۱۹

«ای مسلمانان از خلوند بترسید و تنها با راستگویان باشید».

در حدیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ در موقعی به صحابه کرام فرمودند:

«هر کس میخواهد با الله و رسولش محبت کند یا الله و رسولش با او محبت کنند بر او

لازم است که هر گاه سخن بگوید راست بگوید».

و در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«راستگویی را اختیار کنید اگرچه مرگ و تباهی تان در آن به نظر بیاید زیرا نجات و

زندگی در راستگویی است. و از دروغ گفتن پرهیز کنید اگرچه به ظاهر نجات و کامیابی در آن به

نظر آید زیرا عاقبت دروغ، بر بادى و ناکامی است».

در روایتی وارد است که شخصی از رسول الله ﷺ پرسید:

«علامت اهل بهشت چیست؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: راست گفتن».

و برعکس در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«دروغگویی یکی از علامات مخصوص منافق است».

و در حدیثی دیگر وارد است که:

«کسی از رسول الله ﷺ پرسید آیا مومن میتواند ترسو باشد؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: بلی

میتواند باشد او باز پرسید که آیا مومن می تواند بخیل باشد؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: بلی میتواند

باشد او بار سوم سوال کرد که آیا مومن میتواند دروغگو باشد؟ آنحضرت ﷺ فرمودند: نی!، (یعنی

عادت دروغ گفتن نمی تواند با ایمان جمع گردد).

الله تبارک و تعالی ما را توفیق عنایت فرماید که برای همیشه راستگویی را اختیار کنیم که

نجات دهنده مسلمان از دوزخ و رساننده او به بهشت ابدی و مُحب و محبوب سازنده نزد الله و

رسولش است. و از دروغ بطور کامل پرهیز کنیم که انجاش تباهی و بر بادى و لعنت و ناخرسندی

خدا و رسولش و علامت منافقان است.

## پابندی به عهد و وعده:

در اصل این نیز نوعی راستی و صداقت است که با هر کس که عهد و وعده دادیم به آن وفا کنیم و آن را پوره نماییم. قرآن و حدیث با خصوصیت بر آن تاکید و ارشاد نموده اند

وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ﴿۳۴﴾ سورة اسرئیل: ۳۴

«و بعهده و وعده خویش وفا کنید بیشک روز قیامت درباره هر عهد و وعده پرسیده میشود». قرآن شریف در مقامی دیگر ضمن ذکر اعمال نیک و افراد نیک فرموده است:

وَالْمُؤْتُونَ بِعَهْدِهِمْ إِنْ آتَاهُمُوهَا. سورة بقره: ۱۷۷

«کسانی که چون عهد و وعده میکنند و به آن وفا میکنند (نزد خدا در زمره نیکان اند)».

در حدیث شریف وارد است که آنحضرت ﷺ ضمن خطبه های خود اکثر می فرمودند:

«هر کسی که پابند عهد و وعده خود نیست سهمی در دین ندارد».

و در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«وفا نکردن به عهد و وعده از علامات منافقان است».

گویا عهد شکنی و وعده خلافی مطابق ارشاد آنحضرت ﷺ کار کسی نیست که بخدا و

رسولش ایمان دارد

الله تبارک و تعالی ما را از این عادات بد نجات دهد

## امانتداری:

امانتداری نیز در اصل نوعی صداقت و راستی است و اسلام با خصوصیت بر آن تاکید نموده است. قرآن شریف میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا. سورة نساء: ۵۸

«خداوند شما را حکم میدهد که امانات را به صاحبان آنها درست ادا کنید».

و در قرآن شریف در دو مقام در ضمن بیان صفات مومنان فرموده شده است:

وَالَّذِينَ هُمْ لَا يُخَالِفُونَ عُهُدَهُمْ زُعُونَ ﴿۱۰۱﴾ سورة مومنون

«و آنان که امانات و وعده های خویش را نگه میدارند یعنی امانات را ادا میکنند و به وعده



های خویش وفا می نمایند».

و از رسول الله ﷺ مرویست که آنحضرت ﷺ در اکثر خطبه های خود بر سر منبر می فرمودند:

«ای مردم، هر کس امانتار نیست گویا در او ایمان نیست».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«برای نیک دانستن کسی، تنها نماز و روزه او را نبینید (یعنی فقط با دیدن نماز و روزه شخصی معتقد او نشوید) بلکه بنگرید که چون سخن بگوید راست بگوید و چون امانتی به او سپرده شود آن را درست ادا کند و چون مصیبتی به او برسد باز هم تقوی و پرهیزگاری را اختیار کند».

عزیزانم!

اگر میخواهیم نزد الله متعال مومن صادق و کامل باشیم و مستحق رحمت وی گردیم، لازم است تا در هر معامله ای، امانتداری و راستکاری را پیشه سازیم و پابندی و وفای به عهد و وعده را اصول زندگی خویش بگردانیم.

بیاد باید سپرد که در هر شخصی از ما که این صفات نباشد، او نزد الله و رسولش مومن صادق و مسلمان کامل نیست!

## عدل و انصاف:

اسلام بر عدل و انصاف در هر معامله ای سخت تاکید کرده است. قرآن مجید میفرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ. سوره نحل آیه ۹۰

«خلوئند به عدل و انصاف کردن و به نیکی کردن حکم میدهد».

در اسلام تنها تاکید نرفته است که فقط بایست در حق آشنایان و خودگیان از عدل و انصاف کار گرفت، بلکه اسلام تاکید نموده است که هم در حق بیگانگان و هم در حق دشمنان جان و مال و دین و ایمان، باید عدل و انصاف کرد. قرآن شریف صریحاً میفرماید:

وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۗ الْعَدْلُ ۗ هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ. سوره مائده

«دشمنی قومی شما را وادار نسازد تا با آنها عدل و انصاف نکنید، با آنها در هر حالی از عدل و

انصاف کار بگیرد همین به تقوی نزدیکتر است».

از این آیت واضحاً آشکارست که فرضاً اگر میان ما و شخصی یا قوم و یا ملت دیگری دشمنی و جنگ باشد باز هم نمی توانیم با او یا با آنها هیچگونه ناانصافی و بی عدالتی کنیم و اگر ناانصافی کنیم نزد خدا گناهکار خواهیم بود از رسول الله ﷺ مرویست که آنحضرت ﷺ فرمودند: «نزدیکترین و محبوبترین کس به الله ﷻ در روز قیامت امام عادل است (یعنی حاکم و فرمانروائی که مطابق حکم خدا با عدل و انصاف حکومت کند) و دورترین کس از خلوند و گرفتار در سخت ترین عذاب امام جابر است» (یعنی حاکم و فرمانروائی که با ظلم و ناانصافی حکومت میکند).

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ روزی به صحابه فرمودند:

«آیا میدانید چه کسانی اول از همه در سایه رحمت خلوند می آیند؟ عرض کردند که الله و رسولش بهتر میدانند (لهذا خود بفمائید که کدام سعادت‌مندان اول از همه در سایه رحمت خدا خواهند آمد) آنحضرت ﷺ فرمودند: اینها بندگانی هستند که چون حق ایشان به ایشان بازپس داده شود قبول کنند و چون کسی حق خود را از ایشان بخواهد بدون چون و چرا حق وی را ادا کنند و برای دیگران همانگونه فیصله کنند که برای خود میکنند» (یعنی در میان معاملات خود و دیگران تفاوتی قایل نمی شوند).

افسوس! ما مسلمانان این تعلیمات پاکیزه اسلام را به بوته فراموشی سپرده ایم.

اگر امروزه این صفات در مسلمانان پیدا گردد و ایشان راستگوئی و پابندی به وعده و امانت داری و انصاف و عدل با هر یکی را پیشه سازند هم در دنیا سربلند و سرخرو میشوند و هم در بهشت درجات عالی می یابند.

### رحم کردن و درگنر از خطاکار:

رحم کردن و همدردی نمودن با شخصی که در مصیبت افتاده و یا به رنج و غمی مبتلا شده و درگذشتن و بخشودن قصور و خطای خطاکار و قصور وار نیز از جمله اخلاقی است که در اسلام اهمیت و فضیلت بزرگی دارد در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«بر بندگان خدا رحم کنید بر شما رحم خواهد شد خطاهای دیگران را ببخشید خطاهای شما بخشیده خواهد شد».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
«هر کس رحم نمی کند بر او رحم نخواهند کرد».

و در روایتی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:  
«هر کس خطای کس دیگری را نمی بخشد الله ﷻ خطای او را نخواهد بخشید».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«کسانی که رحم میکنند رحمان بر آنها رحمت می نماید شما بر زمینیان رحم کنید صاحب آسمانها بر شما رحم خواهد کرد».

از این حدیث واضحاً دانسته میشود که اسلام رحمدلی با همهٔ دوستان و دشمنان بلکه با تمام مخلوقات روی زمین را تعلیم میدهد در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند که:  
«مردی بر سگ تشنه ای که از شدت تشنگی، گل و لای را می لیسید رحم نموده او را آب نوشاند الله تبارک و تعالی در عوض اینکار، او را به بهشت داخل کرد».

افسوس! که صفت رحم نمودن بر مخلوقات خلوندی و همدردی با آنها از وجود ما رفته است و به همین سبب قابلیت رحمت خلوند را از دست داده ایم

### نرمخوئی:

نرمخوئی و آسانگیری در خرید و فروش و تجارت و سایر معاملات و برخوردها نیز از تعالیم خاص اسلام است. در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
«آتش دوزخ بر کسانی حرام است که نرمخو و آسانگیر می باشند».

و در حدیث دیگری وارد است که:

«الله ﷻ نرمگیر است و نرمخوئی را دوست دارد و آنقدر ثواب که بر نرمخوئی و نرم گیری میدهد بر سختگیری و درشتی نمی دهد».

## تحمل و بردباری:

تحمل امور ناپسند و ناگوار و فرونشاندن خشم در چنین مواقع از جمله اخلاقی است که اسلام خواستار است آن را در تمامی انسانها بوجود آورد و آن اهل ایمانی که این صفت را در خود پیدا کنند نزد الله ﷻ مرتبه ای بلند دارند

در قرآن شریف ضمن ذکر کسانی که بهشت برای ایشان آراسته گردانیده شده است بطور خاص این اشخاص ذکر گردیده اند قرآن می فرماید:

**وَالْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظِ وَالْمَآوِيْنَ عَنِ النَّاسِ** .سوره آل عمران: ۱۳۴

«آنانی که خشم را فرو می نشاندند و خطاهای مردم را می بخشند».

رسول الله ﷺ درباره این چنین اشخاص بشارت داده است که:

«هر کسی که خشم خود را باز دارد الله تبارک و تعالی عذاب خود را از او باز میدارد».

چه سعادتمند اند آن بندگان خدا که در وقت خشم، این آیات و احادیث را بیاد آورده خشم

خوبش را فرو بنشانند و خود را باز دارند و در عوض، الله ﷻ عذاب خود را از آنها باز دارد

## خوشگوئی و شیرین زبانی:

یکی از تعالیم اخلاقی اسلام اینست که در سخن گفتن و گفتگو کردن، همیشه با زبان

شیرین و اخلاق خوش باید صحبت کرد و از درشتگوئی و سخت کلامی و بد زبانی پرهیز باید

نمود. قرآن مجید می فرماید:

**وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا** .سوره بقره: ۸۳

«و با مردمان به نیکی سخن بگوئید».

اسلام خوشگوئی و نرم کلامی را از جمله اعمال نیک قرار داده و درشتگوئی و سخت زبانی

را از زمره گناهان شمرده است. در حدیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«صحبت کردن با نرمی و خوش اخلاقی، نیکی است و نوعی صدقه است».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«بد زبانی ظلم است و جایگاه ظلم دوزخ است».

و در حدیث دیگری وارد است:

«بدزبانی کردن نفاق است یعنی خصلت منافقان است.»

الله ﷻ ما را از این خصلت ظالمانه و منافقانه یعنی بدزبانی و سخت کلامی محفوظ بدارد و خوشی کلامی و نرمگوئی را که شایستهٔ ایمان و طریقهٔ بندگان صالح خداست نصیب ما گرداند

### عاجزی و انکساری:

یکی دیگر از عاداتی که اسلام می‌خواهد در میان پیروان خود عام سازد اینست که مسلمان خود را در مقابل سایر بندگان خدا کمتر بداند و خویشش را بندهٔ عاجز و حقیر بشمارد یعنی خود را از غرور و تکبر پاک گرداند و بجای آن انکساری و خاکساری را شیوهٔ خود بسازد عزت و بلندی نزد الله ﷻ برای همان کسانیست که در این دنیا با عاجزی و انکساری زندگی خویش را بسر میکنند قرآن مجید می‌فرماید:

**وَعِبَادَ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا.**

«و بندگان خاص رحمان همان کسانی اند که عاجزانه بر زمین راه می‌روند.»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

**تِلْكَ النَّارُ الْأَخْرَىٰ تَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرْتَدُّونَ عُقُوبًا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَاةَ. سورهٔ قصص: ۸۳**

«این خانهٔ آخرت (بهشت) را برای کسانی قرار داده ایم که نه می‌خواهند در زمین برتری بیابند و نه فساد برپا کنند.»

و در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که عاجزی و شکستگی اختیار کرد، الله تبارک و تعالی چنان مرتبه اش را بلند می‌سازد که او را به اعلیٰ علیین میرساند که بالاترین درجهٔ بهشت است.»

برعکس این، الله تبارک و تعالی از غرور و تکبر آنقدر بد میبرد که در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که در دلش حتی به اندازهٔ دانهٔ ارزن هم تکبر باشد، خداوند او را با روی به دوزخ

می‌اندازد.»

در حدیثی دیگر وارد است که:

«هر کسی که در دلش به اندازه یک دانه ارزن هم تکبر باشد به بهشت نخواند رفت.»

در حدیث دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«از تکبر اجتناب کنید تکبر همان گناه است که اول از همه شیطان را تباه ساخت.»

خلوند همه ما را از این خصلت شیطانی حفظ کند و آن عاجزی و انکساری را که پسندیده

او و لایق بندگیست نصیب مان بگرداند



لیکن در اینجا یاد باید بسپاریم که عاجزی و انکساری ما تنها بایست درباره نفس و شخص خود ما باشد و بس. اما در معامله حق و در مورد دین باید با قوت و مردانگی ثابت قدم باشیم. حکم الله و رسولش در این موقع همین است.

الغرض شایسته و لایق مومن اینست که نفس خود و شخص خود را حقیر و کمتر بداند و بر امر حق مردانه و مستحکم ایستاده باشد و از ترس و خوف هیچ کسی هرگز اظهار ضعف و ناتوانی ننماید

### صبر و شجاعت:

در این جهان، مصایب و مشقات نیز بر انسان فرو میرسد گاهی بیماری سرمیرسد و گاهی محتاجی و ناداری پیش میآید گاهی دشمنان ظالم به آزار می پردازند و گاهی به اطوار دیگر، اوضاع ناسازگار میشود. تعلیم اسلام در چنین مواقع اینست که بندگان خدا از صبر و همت کار گرفته با وجود هزارها تکلیف و مصیبت با مردانگی و شجاعت بر اصول خود ثابت قدم بایستند قرآن مجید درباره این کسان مژده داده است که الله تبارک و تعالی ایشان را دوست میدارد

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

«خدا صبرکنندگان را دوست دارد.»

و در آیتی دیگر وارد است:

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

«یقیناً خدا با صابران است».

در آیت دیگری، آن اهل ایمان که با وجود تکالیف و مشقات در جنگ بر حق ثابت قدم باشند و از دادن قربانی نگریزند بسیار توصیف شده اند

وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾

سوره بقره: ۱۷۷

«و کسانی که در هنگام سختی و تکلیف و جنگ ثابت قدم باشند همانها راستگار و متقی اند».

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«نعمتی بهتر از توفیق صبر نیست».

و در حدیثی دیگر وارد است:

«صبر نصف ایمان است»<sup>(۱)</sup>.

و برعکس آن، بی صبری و بزدلی در نگاه اسلام از بدترین عیب هاست و رسول الله ﷺ در دعاهای خود به کثرت از آن پناه می خواستند الله تبارک و تعالی همه ما را صبر و شجاعت عطا فرماید و از بی صبری و دون همتی در پناه خود نگهدارد

## اخلاص و تصحیح نیت:

اخلاص، روح و جان تمام اخلاق اسلامی بلکه باید گفت تمام اسلام است. معنای اخلاص اینست که هر چه کنیم محض بخاطر الله و به نیت کسب رضای او کنیم و غیر از او، غرض و مقصد دیگری نداشته باشیم.

بنیاد اسلام توحید است و توحید توسط اخلاص تکمیل مییابد یعنی توحید کامل اینست که هر کار و عمل ما فقط بخاطر الله ﷻ انجام گیرد و فقط رضای خدا و ثواب او مطرح نظر ما باشد

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی بخاطر الله محبت ورزید و به خاطر الله عدلوت نمود و بخاطر خدا انفاق کرد و به

(۱) این حدیث در جمع التوائد بواسطة حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه موقوفاً مرویست. مولف

خاطر خدا دست بازداشت، او ایمان خود را کامل ساخت».

مراد اینست که هر کسی که بجای پیروی از خواهش های شخصی و اغراض دیگر، پیوند ها و تعلقات و معاملات خود را تحت رضای الهی قرار داد، همو نزد الله تبارک و تعالی مومن کامل می باشد در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«الله ﷻ تن و صورت شما را نمی نگرد، بلکه دل های شما را می نگرد».

یعنی جزا و ثواب از طرف الله تبارک و تعالی مطابق و موافق خلوص و نیت دل است.

در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«ای مردم در اعمال تان اخلاص پیدا کنید خلوند همان عملی را می پذیرد که از اخلاص

باشد».

در آخر حدیثی دیگر را ذکر میکنیم که می سزد از شنیدن آن جمله ما به لرزه آئیم، در بعضی روایات واردست که حضرت اَبُوهُرَیْرَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ چون این حدیث را بیان میکرد گاهی بیهوش میگشت. آن حدیث اینست رسول الله ﷺ فرمودند:

«روز قیامت اول از همه بعضی از عالمان قرآن و شهداء و ثروتمندان را پیش می آورند و از آنها می پرسند که در زندگی خود برای ما چه کردید عالم قرآن میگوید که من سراسر عمر کتاب ترا خواندم و آن را خود آموختم و سپس به دیگران آموزاندم و این همه را صرف بخاطر تو کردم. خلوند ﷻ خواهد فرمود: دروغ میگوئی این همه را به آن سبب کردی تا شهرت بیایی، و آن را در دنیا بدست آوردی.

باز از ثروتمند سوال میشود که ما ترا مال و ثروت داده بودیم، با آن چه کاری برای ما کردی. ثروتمند میگوید که مال و ثروت را در تمام کارهای خیر و راه های نیک برای رضای تو انفاق کردم. خلوند خواهد گفت که دروغ میگوئی، تو در دنیا فقط به آن جهت انفاق و خیرات کردی تا در سخاوت و فیاضی مشهور گردی و مردم ترا تعریف کنند و این همه را تو در دنیا بدست آوردی.

سپس از شهید سوال میشود او میگوید که خدایا عزیزترین نعمت تو جن بود و من آن را برای تو قربان ساختم. خلوند خواهد گفت که دروغ میگوئی، تو تنها به آن سبب در جنگ شرکت کردی تا شجاعت تو شهرت یابد و آوازه ات بلند گردد و این شهرت و آوازه را تو در دنیا به دست آوردی. سپس درباره هر سه حکم می آید که آنها را با روی کشان کشان به دوزخ بیندازد.



چنانچه هر سه آنها در دوزخ افکنده می شوند».

برادرانها!

بر ما لازم است که اعمال خود را در پرتو این حدیث ملاحظه کنیم و در تصحیح دل‌های  
خوبش و پیدا سازی خلوص در نیت های خویش سعی بورزیم.

خدایا!

همه ما را اخلاص نصیب بفرما و اراده و نیت ما را محض از فضل و کرم خود درست بنما و  
ما را از میان بندگان مخلص خود بگردان. آمین!

## ﴿ درس دهم ﴾

## محبت به الله و رسول و دين او

## بيشتر از همه چيز



برادران عزيزم!

همانگونه که اسلام بما ايمان آوردن به الله و رسول او و اداي نماز و روزه و حج و زکات را تعليم ميدهد و ما را بر اختيار کردن ديانتلاری و پرهيز کاری و خوش اخلاقی و نيك اطواری هدايت و تاکيد می نمايد همچنان یکی از هدايات و تعاليم ویژه آن اينست که ما بيشتر از هر چيز دنيا حتی که بيشتر از پدر و مادر و زن و فرزند و جان و مال و عزت و آبروی خود با خدا و رسول او و دين او محبت بوريم.

يعنی اگر در زمانی چنان وقت سخت و دشواری پيش آيد که به سبب پايداری بر دين و عمل بر احکام خدا و رسولش، جان و مال و عزت و آبروی ما در معرض خطر قرار گيرد در آن وقت نیز الله و رسولش و دين او را رها نکنيم و پروای جان و مال و عزت و آبروی خویش را ننمائيم.

در بسياری از جاهای قرآن و حديث واضح گردانیده شده است که آنانيکه دعوای اسلام را دارند و با اين وجود با الله و رسول و دين او به اين سان محبت و دلبستگی ندارند آنها مسلمانان اصیل و واقعی نيستند بلکه از جانب خلوند مستحق سزا و عذاب شديد ميشوند در سورة توبه فرموده شده است:

قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ  
اَقْتَرَفْتُمْوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسْكِنٌ تَرْضَوْنََهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٣﴾ آية ١٠٣

«ای پیغمبر به آنها بگو که اگر پدران تان و فرزندان تان و برادران تان و همسران تان و قوم تان و اموالی که جمع کرده اید و تجارتی که از کسالتش می ترسید و خانه های که دوستش می دارید نزد شما از الله و رسولش و از کوشش بخاطر دینش محبوبتر است پس منتظر حکم خداوند باشید و بیاد بسپارید که خدا نافرمانها را هدایت نمی کند».

از این آیت معلوم گردید که کسانی که در مقابل الله ﷺ و رسولش و در مقابل دین او، پدر و مادر یا زن و فرزند یا مال و ثروت خویش را دوستر دارند و بیشتر از رضای الله و رسولش و خدمت و ترقی دین در فکر آنها هستند سخت نافرمان خدا و مستحق خشم و غضب او می باشند در حدیثی مشهور و صحیح وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که سه چیز در او بود حالات ایمان را دریافته است. یکی اینکه بیشتر از هر چیزی با الله و رسول او محبت بورزد دیگر اینکه با هر شخصی که محبت کند فقط بخاطر خدا محبت کند و سوم اینکه بعد از ایمان، بازگشتن بسوی کفر و ترک دین را آنقدر ناگوار پندارد که گویا افتادن در آتش را».

پس از اینجا معلوم میشود که مسلمان اصیل و کامل نزد الله ﷺ و رسولش همان کسانی اند که بیشتر از تمامی آدمیان و اشیای جهان با الله ﷺ و رسول او و دین اسلام محبت دارند تا آنجا که اگر با کسی محبت هم کنند فقط بخاطر خدا محبت کنند و چنان با دین الفت داشته باشند که رها کردن آن و گزیدن طریقه کفر بر ایشان آنقدر شاق و دشوار و تکلیف ده و ناپسندیده باشد که گویا افتادن در میان شعله های آتش.

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هیچ کسی از شما نمی تواند مومن کامل و مسلمان واقعی گردد تا آنکه با من بیشتر از پدر و فرزند خود و تمامی آدمیان جهان محبت نماید».

### برادران!

ایمان در اصل عبارت است از همین که انسان مکملاً مطیع و مملوک خلودند و رسول او گردد و تمامی ارتباطات و خواهشات خود را در مقابل ارتباط با وی و با دین وی قربان نماید چنانکه صحابه کرام چنین کردند و امروزه نیز بندگان صالح و صادق خدا همین حال را دارند گرچه بسیار اندک اند الله ﷺ همه ما را نیز از جمله ایشان گرداند و در معیت ایشان قرار دهد

## خدمت و دعوت دین



برادران!

همانگونه که بر ما لازم است تا بخدا و رسول او ایمان بیاوریم و بر راه راست و روشن نیکی و پرهیزگاری که آن را «اسلام» میگویند گامزن باشیم، به همین صورت بر ما فرض است تا بکوشیم آن بندگان خدا را که از این راه بی خبرند و یا به سبب سوء طبع بر آن عمل نمی کنند از اسلام آگاه بسازیم و بر آن عامل بگردانیم. یعنی همان سان که خلوند بر ما فرض ساخته است که بندگان فرمانبردار و عبادتگذار و پرهیزگار او باشیم همچنان بر ما فرض نموده است که برای حصول این مقصد در میان سایر بندگان او نیز سعی و تلاش نمائیم.

همین است خدمت دین و دعوت به دین.

اینکار نزد الله ﷻ آنقدر عظیم الشان است که هزاران پیغمبر را جهت این مقصد در دنیا فرستاده و آن پیغامبران هزارها مصایب و تکالیف را تحمل نموده وظیفه خدمت و دعوت دین را انجام دادند و برای اصلاح و هدایت خلائق، سعی ها ورزیدند الله تبارک و تعالی بر ایشان و بر همراهان ایشان رحمت بی شمار نازل فرماید.

این سلسله پیغامبری با بعثت آخرین پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ ختم شده و الله تبارک و تعالی توسط آنحضرت ﷺ این حکم خود را نیز اعلان ساخت که بعد از این برای تعلیم و دعوت دین و اصلاح و هدایت مردمان هیچ پیغمبر دیگری فرستاده نخواهد شد بلکه از اکنون تا روز قیامت اینکار را آنانی باید انجام دهند که به دین حضرت محمد ﷺ ایمان آورده اند و هدایت آنحضرت را پذیرفته اند.

الغرض بعد از ختم نبوت و رسالت، عهده دعوت دین و اصلاح و هدایت خلق برای همیشه

به امت آنحضرت ﷺ سپرده شده است. و در اصل این امر فضیلت عظیم این امت می باشد بلکه در قرآن مجید همین خدمت و دعوت دین، مقصد وجود این امت خوانده شده است. گویا که این امت خاصاً بخاطر همین فریضه پیدا گردانیده شده است. خلوند رضی الله عنه می فرماید:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ. سورة آل

عمران آیه ۱۱۰

«ای امت محمد! شما بهترین گروهی هستید که برای اصلاح انسانها در این دنیا آورده شده شما به نیکی حکم میکنید و از بدی منع می نمائید و به صلق بر خدا ایمان دارید.»

از آیت بالا معلوم میگردد که امت محمدیه از سایر امت های ماضیه به آن لحاظ ممتاز و افضل بوده است که علاوه بر اینکه خود ایمان آورده و بر نیکی عامل بودند در راهنمائی و گامزن ساختن دیگران براه نیک و بازداشتن ایشان از اعمال بد سعی و تلاش میکردند و اینکار خدمت و وظیفه ویژه آنها بود و به همین جهت «خَيْرُ أُمَّةٍ» قرار داده شدند.

و از آیت بالا این نکته نیز معلوم گردید که اگر این امت، فریضه دعوت دین و اصلاح و هدایت خلق را ادا نماید مستحق این فضیلت نمی باشد بلکه سخت مجرم و خطاکار است. زیرا الله تبارک و تعالی این چنین وظیفه عظیم را به آنها سپرد و آنها آن را اداء نکردند.

مثال این امر کاملاً بدانگونه است که پادشاه گروهی از سپاهیان را مؤظف بگرداند تا مردم را از شرور و جرایم باز دارند لیکن سپاهیان نه تنها این خدمت را انجام ندهند بلکه خود نیز همان شرور و جرایمی را مرتکب شوند که پادشاه ایشان را بخاطر منع و نهی آن فرستاده و وظیفه داده بود واضح است که این سپاهیان خطاکار، مستحق انعام و پاداش در کجاست؟ سخت قابل سزا میباشند بلکه اگر آنان را از سایر جرایم پیشگان بیشتر سزا بدهند بیجا نیست.

افسوس که امت اسلامی در این زمان در چنان حالتی هست که خدمت و دعوت دین و اصلاح و هدایت جهان، چه جای ذکر دارد در میان خود ایشان، کسانی که به معنای صحیح، مومن و مسلمان باشند و نیک و پرهیزگار بوده از گناهان مجتنب باشند بیشتر از پنج یا ده فیصد نیست. در چنین احوالی مقدمترین فریضه ما اینست که دعوت دین و وظیفه اصلاح و هدایت را میان آن طبقات این امت ادا کنیم که از مسیر دین و ایمان و نیکی و پرهیزگاری دور افتاده اند.

یکی از دلایل اینکار اینست که کسانی که خویششان را مسلمان می نامند خواه حالت عملی

ایشان بهر گونه ای که باشد آنها بهر حال با اقرار به ایمان و اسلام، نوعی پیوند و گونه ای خصوصیت با خدا و رسولش و با دین اسلام پیدا کرده اند و فردی از جامعه و ملت اسلامی گردیده اند بنابراین فکر اصلاح و تربیت آنها برای ما مقمّتر است. درست بهمان صورت که هر شخص فطراً مسؤولیت حفاظت و نگهداری اولاد و خویشان نزدیک خود را نسبت به دیگران بیشتر دارد

و دلیل دیگر اینست که عامه مردم دنیا با دین حال موجوده مسلمانان، هرگز خوبی و فضل اسلام را در نمی یابند بلکه برعکس از آن متفر و بیزار میشوند از همیشه شیوه عامه مردم چنین بوده و اکنون نیز هست که با دین حالت پیروان یک دین و ملاحظه اعمال و اخلاق ایشان درباره آن دین رای و نظر اتخاذ میکنند تا زمانی که مسلمانان عموماً مسلمان صانع بودند و بطور کامل احکام اسلام را تمیل میکردند مردم دنیا فقط با دین آنها گرویده اسلام میشدند و شهرشهر و قوم قوم داخل اسلام میگشتند اما از هنگامی که اکثریت مسلمانان آن کسانی گردیده اند که خود را مسلمان میگویند مگر اعمال و اخلاق ایشان نه اسلامیست و قلوب آنها از نور ایمان و تقوی خالیست، از آنوقت دنیا نیز بدگمان اسلام شده است.

بهر حال این حقیقت را باید به خوبی بدانیم که طرز زندگی اُمت اسلامی و حالت عملی ملت مسلمان، بزرگترین شهادت در حق اسلام است. اگر این طرز زندگی و حالت عملی ملت مسلمان پاکیزه و درست باشد دنیا درباره اسلام نظر نیک اتخاذ خواهد کرد و خود بخود بسوی آن خواهد آمد و اگر این طرز زندگی و حالت عملی ملت مسلمان زشت و نادرست باشد عامه دنیا نیز اسلام را زشت و نادرست خواهند پنداشت و آنگاه اگر بسوی اسلام دعوت نیز شوند اثری بر ایشان نخواهد گذاشت. پس دعوت اسلام در بین دیگران نیز موقوف است بر اینکه زندگی اسلامی یعنی ایمان و عمل صالح میان امت مسلمان شایع و عام گردد به هر حال از این لحاظ هم لازم و ضروری این است که نخست بایست فکر اصلاح و هدایت مسلمانان را کرد و با قدرت و توان تمام در شیوع و ترویج زندگی اسلامی میان ایشان جد و جهد نمود

در قرآن شریف اینکار (یعنی خدمت و دعوت به دین و سعی در اصلاح و هدایت خلق) «جهاد» خوانده شده بلکه «جهاد کبیر» یعنی جهاد بزرگ گفته شده است<sup>(۱)</sup> و هیچ شکی نیست که

(۱) ترجیح جمهور مفسرین درباره آیت سوره فرقان «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جَاهِدًا كَبِيرًا» اینست که مراد از آن تبلیغ و

اگر اینکار با خلوص و نیت نیک و محض بخاطر کسب رضای الله تبارک و تعالی انجام شود یقیناً نزد خدا جهادی بسیار بزرگ است.

بسیاریها می پندارند جهاد همان جنگی است که مطابق اصول و احکام دین در راه خدا جنگیده شود، اما صحیح اینست که هر سعی و کوششی که در هر دوره ای از زمان بخاطر دعوت به دین و اصلاح و هدایت بندگان خدا به عمل آید جهاد خاص همان زمان است.

رسول الله ﷺ بعد از نبوت مدت دوازده یا سیزده سال در مکه معظمه بسر بردند و در سرتاسر این مدت جهاد آنحضرت ﷺ و اصحابش این بود که با وجود مخالفتها و انواع مصایبه هم خود بر دین پایمردانه ایستادند و هم در اصلاح و هدایت دیگران کوششها بخرچ دادند و بندگان خدا را پنهان و آشکارا بسوی دین دعوت کردند.

الغرض سعی ورزیدن و کوشش نمودن در وصول بندگان غافل و راه گم کرده خدا بخدا و براه راست آوردن ایشان و خرچ پول و ثروت و قربان ساختن وقت و سکون و آرامش در این راه اینها همه نزد الله ﷻ مشمول «جهاد» است بلکه جهاد خاص این زمان همین است.

اندکی از اجر و ثوابی را که انجام دهندگان اینکار خواهند یافت و کمی از خطر لعنت و غضب خداوند را که بر سر باز زندگان از اینکار احتمال می رود می توان از احادیث ذیل دانست.

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که مردم را بسوی راه راست دعوت دهد و به سمت نیکی بخواند، کسانی که سخن او را پذیرفته هر قدر نیکی کنند و ثواب نمایند آن شخصی که ایشان را بسوی آن نیکی دعوت داده بود نیز همانقدر ثواب بدست خواهد آورد و همچنین از اجر و ثواب عمل کنندگان نیز هیچ کاسته نخواهد شد».

از این حدیث شریف دانسته شد که اگر فرضاً با دعوت و کوشش شما پانزده بیست تن اصلاح یافتند و خدا و رسولش را شناختند و بر احکام دین عامل گشتند نمازها را اداء کردند و به همینگونه سایر فرایض را بجا آوردند و از گناهان و اعمال زشت اجتناب ورزیدند هر قدر ثوابی که به سبب این اعمال، همه ایشان کسب میکنند شما برابر با مجموعه آن ثواب بدست می آورید اگر

بیندیشید خواهید دانست که هیچ راه دیگری برای کسب این همه اجر و ثواب اصلاً موجود نیست که یک شخص، ثواب عبادات و حسنات ده ها نفر را تنها بدست بیاورد.

در روایتی وارد است که رسول الله ﷺ به حضرت علی رضی الله عنه فرمودند:

«ای علی! سوگند بخدا که اگر یک کس توسط تو هدایت یابد برای تو بهتر از این است که شتران سرخ فراوانی بدست بیاوری»، (عربها شتر سرخ را مانند گنج میدانستند).

در حقیقت کوشش در اصلاح و هدایت بندگان خدا و سعی در آوردن ایشان براه نیکوئی و راستی چنانچه قبلاً نیز گفته شد خدمت و نیکی ای بسیار بلند مرتبه است و وراثت و نیابت خاص انبیاء علیهم السلام می باشد و لذا بزرگترین ثروت های دنیا در مقابل آن هیچ ارزشی ندارد.

رسول الله ﷺ در حدیثی اهمیت اصلاح و هدایت مردم را با مثالی عام فهم واضح نموده است. خلاصه فرموده آنحضرت ﷺ چنین است:

«فرض کنید که کشتی ای هست دارای دو طبقه و مسافرین طبقه زیرین مجبور اند از طبقه بالا آب بیاورند و به این جهت مسافرین طبقه بالا در تکلیف اند و بر پائینی ها خشم میگیرند پس اگر مسافرین طبقه پائین از جهالت خود بخواهند زیر کشتی را سوراخ کنند تا آب بگیرند و مسافرین طبقه بالا آنها را منع نکنند نتیجه این خواهد بود که کشتی به همراه همه غرق خواهد شد و اگر بالائین، پائینیان را فهمانده آنها را از اینکار باز دارند در این صورت هم آنها را نجات خواهند داد و هم خود نجات خواهند یافت.

آنحضرت ﷺ فرمودند همین حال را گناهان دارند اگر ساکنین جائی در گناهان مبتلا باشند و اشخاص نیک و بافهم آنجا به اصلاح و هدایت ایشان نکوشند نتیجتاً عذاب خدا به سبب آن گناهکاران و خطاکاران نازل خواهد شد و سپس همگی را فرو خواهد گرفت. و اگر آنان را از گناهان و خطایا باز دارند پس جملگی از عذاب نجات خواهند یافت».

در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ با تاکید فراوان فرمودند:

«قسم بخداوندی که جانم در قبضه اوست مردم را به نیکبها حکم کنید و از بدیها باز دارید و به یاد بسپارید که اگر چنین نکردید بسیار امکان دارد که خلوند عنالی سخت را بر شما مسلط سازد و آنگاه به او دعا کنید ولی دعاهای تان شنیده نشود».

**برادران!**



گمان بعضی از بزرگان خدا رسیده و روشنل این زمان اینست که این مصایب و ذلت‌های که از مدتی به اینسو بر مسلمانان فرو می‌آیند و این آشفتنگی‌های که مسلمانان در آن مبتلا هستند که با وجود هزاران دعا و ختم و وظیفه دور نمی‌گردند سبب بزرگ آن اینست که ما مسلمانان، خدمت و دعوت دین و اصلاح و هدایت مردم را که بخاطر آن پیدا شده ایم و بعد از ختم نبوت ما را عهده دار آن گردانیده بودند ما این وظیفه خود را ترک کرده ایم و این قانون دنیا نیز هست که ماموری را که وظیفه اش را اداء نمیکند از کار برکنار می‌سازند و به سزائی که مناسب اوست میرسانند.

بی‌تایید عهد کنیم که این فریضه و این وظیفه را در آینده همگان انجام میدهیم. الله تبارک و تعالی مددگار مان باد و عده اوست که:

**وَلْيَنْصُرْنَا اللَّهُمَّنْ يَنْصُرُهُ**

«خلوند حتماً آنانی را کمک خواهد کرد که دین او را کمک کنند».

## ﴿ درس دوازدهم ﴾

## استقامت بر دین



مسئولیتی بزرگ از جمله مسؤلیت‌های که از جانب الله تبارک و تعالی بعد از ایمان آوردن بر بنده عاید میگردد اینست که بنده با پایمردی و مردانگی و همت کامل بر دین ایستادگی و پایداری نماید و هرچند و به هر اندازه‌ای که زمانه و اجتماع، ناموافق وی شود بازهم در هیچ حالی آمادۀ از دست گلاردن دین نگردد. این را «استقامت» میگویند.

در قرآن شریفه بشارت و انعامات و درجاتی بزرگ در بدل استقامت بر دین مذکور است. در مقامی وارد است:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۱۰۱﴾ نَحْنُ أَوْلَئِكَ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُنَّ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿۱۰۲﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿۱۰۳﴾

«آنانی که اقرار کردند (و از دل قبول نمودند) که پروردگار ما تنها الله است (و ما بندگان مسلمان اوئیم و) سپس برآن ثابت قدم بودند (یعنی حقوق این اقرار را ادا کردند و هرگز از آن دست نکشیدند) فرشتگان خدا بر ایشان با پیام خدا فرود می آیند که ترسی مخورید و رنج و غمی مکنید و از بدست آوری بهشتی شادمان باشید که بشما وعده شده است. ما دوست شمائیم. هم در زندگی دنیا و هم در آخرت. و برای شما در آن بهشت آنچه بخواهید موجود است و هر چه بطلبید خواهید یافت. این مهمانی ایست از جانب پروردگار غفور و رحیم.»

سبحان الله!

چه بشارت بزرگی برای ثابت قدمان بر دین و اهل کتندگان حقوق بندگی در این آیت شریف

مذکور است. حق اینست که کسی با قربان ساختن جان و مال و همه چیز خود نیز، اگر این مرتبه را بدست آورد بسیار خوشبخت است. در حدیثی وارد است:

«یکی از صحابه به رسول الله ﷺ عرض کرد یا رسول الله ﷺ مرا نصیحتی کنید که بعد از آن محتاج پرسیدن چیزی از هیچ کس نشوم. آنحضرت فرمودند: بگو الله تنها پروردگار من است و سپس بر آن محکم ایستاده باش. (و مطابق آن زندگی کن).»

خدایوند تبارک و تعالی جهت هدایت ما در قرآن شریف، واقعات پندآموز چندین تن از آن بندگان وفادار خود را بیان فرموده است که در احوال سخت ناسازگار نیز بر دین استقامت ورزیدند و بزرگترین طمع ها و شدیدترین بلاها نیز توانست ایشان را از دین جدا سازد.

یکی از این واقعات و واقعه آن جادوگرانی است که فرعون ایشان را در مقابله حضرت موسی ﷺ خوانده و انعام و اکرام عظیم به آنها وعده نموده بود لیکن در حین مقابله هنگامی که حقانیت دین موسی ﷺ و دعوت او بر ایشان آشکار شد ایشان نه پروا آن را کردند که از انعام و اکرام فرعون و مناصب بزرگی که بما وعده نموده است محروم میگردیم، و نه بخاطر آوردند که فرعون ما را چه سزای سخت دردناک خواهد داد. به هر حال ایشان بی پروا از جمله این خطرات در مجمع عام با صدای بلند گفتند که:

«أَمْ نَرْبُّهَا لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لَهَا كَذِبُونَ ﴿۸۸﴾»

یعنی ما به خدائی که هارون و موسی بسوی بندگی اش دعوت میدهند ایمان آوردیم. و سپس زمانی که فرعون عدو الله ایشان را تهدید کرد که دست ها و پاهایتان را می برم و از دارِ تان می آویزم، با جرأت کامل ایمانی جواب دادند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ اِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ مَلٰٓئِكَةً ۚ سُبْحٰنَ لِلَّهِ مَا يَكْفُرُ بِشِرْكِكُمْ ۗ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۸۹﴾

«هر چه که میخواهی کنی بکن. تو فقط در همین چند روز زندگی دنیوی می توانی حکم فرمائی کنی، و ما بر پروردگار خویش ایمان آوردیم تا گناهان مان را در زندگی ابدی ببخشاید.»

و پند آموزتر از این واقعه، واقعه زن خود فرعون است. میدانید که فرعون گویا مالک و مختار کُل فرمائروائی مصر بود و این زن او نه تنها ملکه مصر بلکه مالک دل فرعون نیز بود از همین جا جلس بزیند که وی چه عزت و احترام و چه عیش و عشرتی را دارا بود اما این بنده خدا

هنگامی که صداقت دین موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و دعوت او را دریافت، پروای آن را نکرد که فرعون چه مظلومی را بر من روا خواهد داشت و بجای این عیش شاهانه چه مصایب و بلاهائی را خواهم دید الغرض بدون پرواه به اینها ایمان خود را اعلان کرد و سپس این بنده خدا در راه الله چنان تکالیفی را کشید که مو از خیالش بر تن راست می ایستد و دل به وحشت میآید ولی آنگاه از طرف الله تبارک و تعالی چنان مرتبه ای را یافت که معززانه در قرآن مجید ذکر رفت و صبر و قربانی او برای مسلمانان سرمشوق و نمونه قرار داده شد.

**صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُورٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتْهُمَا فَلَمَّ بَعْضُهُمَا مِنَ اللَّهِ هَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿٥٠﴾** تحریم  
 «و خلوند برای مسلمانان، زن فرعون (آسیه) را مثال میدهد هنگامیکه دعا کرد که ای پرودگار من، نزدیک خود در بهشت برایم خانه ای بساز و مرا از شر فرعون و اعمال بد او نجات بده و از دست این گروه ظالم رهائی ببخش».

سبحان الله!

چه مرتبه و چه عظمتی که الله عَلَّامٌ استقامت این بنده خود را برای تمامی امت محمدیه از حضرت ابوبکر صدیق رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ گرفته تا روز قیامت برای جمله مسلمانان، مثال و نمونه قرار داده است.

در حدیث شریف وارد است که چون مشرکین قریش، مسلمانان را در مکه معظمه بسیار اینها رساندند و ظلم بسیار روا داشتند و ستمگری آنها از حد گذشت، عده ای از صحابه به رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرض کردند که یا رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اکنون ظلم این ظالمان از حد گذشته است، لذا بخلوند دعا کنید آنحضرت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب فرمودند که از هم اکنون شما شکایت میکنید کسانی که پیش از شما بودند مصیبت های بیش از شما کشیدند حتی که شانه های آهنین بر سر آنها میگذاشتند و سپس پوست و گوشت آنها را از سر جدا میکردند و بر فرق ایشان اره گذارده آنها را دو پاره میکردند لیکن این همه ظلم های وحشیانه نیز ایشان را از دین حق باز نمی گردانید و ایشان دین خود را ترک نمی گفتند.

خلوند ما بندگان ناتوان را نیز ذره ای از همت و استقامت آن بندگان صالح خود را عطا

فرماید و اگر در کلام زمانی آزمایشی را برای مان مقلّر نموده باشد توفیق اتباع نقش قدم ایشان را  
عنایت نماید

بنا کردند خوش رسمی ب خاک و خون غلطین  
خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

## کوشش در راه دین و نصرت و حمایت آن



یکی از مطالبات خاص الله تبارک و تعالی و حکم محکم او از اهل ایمان اینست که در راه زنده و سرسبز نگهداشتن و بیش از بیش رواج دادن و گستردن آن دین حق و آن طریقهٔ عبادت خدا که آن را راست و نیکو دانسته اختیار کرده اند هر کوشش و سعی ای که در توان دارند انجام دهند این امر را در اصطلاح خاص دین «جهاد» میگویند و در احوال مختلفه صورتهای آن مختلف است.

مثلاً اگر زمانی احوال و اوضاع بگونه ای شود که استقامت و ثابت قدمی بر دین برای شخصی یا اهل خانه یا قوم او دشوار گردد و خدا ناخواسته مصایب و تکالیف زیادی به سبب این استقامت و پایباری می بایست کشید پس کوشیدن در ثابت قدم نگهداشتن خود و خانواده و قوم خود بر دین و استقامت و پایمردی بخرچ دادن در چنین احوال، جهادی است بسیار بزرگ. به همین صورت اگر زمانی، ملتی یا قومی که خود را مسلمان می نامد، به سبب جهالت و غفلت از دین بدور افتد، کوشیدن در اصلاح و تربیت دینی آنان و صرف کردن جان و مال و وقت خود در این راه نیز نوعی جهاد است.

به همینگونه رسانیدن پیغام دین به آن بندگان خدا که از دین صحیح خدا و از احکام نازل شدهٔ او بی خبرند و تلاش و کوشش در مطلع ساختن ایشان به احکام خدا بطرز خردمندانه و همدردانه و مخلصانه نیز قسمی از جهاد است.

و اگر زمانی قدرت و نیروی ملی و ملکی در دست اهل ایمان باشد و دین خدا متقاضی

گردد که این قدرت و نیروی ملی و ملکی برای محافظت و نصرت دین خدا مورد استعمال قرار گیرد پس استعمال این قدرت و نیرو جهت حفاظت و نصرت دین، مطابق قوانین مقررۀ الله متعال جهاد است. لیکن جهاد بودن و عبادت بودن این استعمال قدرت دو شرط داراست:

**اول:** اینکه این اقدام بخاطر مفاد شخصی یا ملی و یا تعصب و دشمنی شخصی یا ملی نباشد بلکه مقصد اصلی، فقط تعمیم حکم خدا و خلعت به دین او باشد

**و شرط دوم:** اینکه بطور کامل بر قوانین جهاد پابندی گردد اگر قدرت مذکور بدون این دو شرط مورد استعمال قرار گیرد در نظر دین نه جهاد بلکه فساد است.

به همین صورت بیان کردن سخن حق در مقابل حکمرانان جابر و ظالم، چه مسلمان باشند و چه غیر مسلمان، نیز گونه ای خاص از جهاد است که در حدیث شریف «افضل الجهاد» خوانده شده است.

هر یکی از این صورتهای حمایت و حفاظت دین که در بالا ذکر شده در مواقع خود از فرائض اسلام است و لفظ جهاد چنانکه در بالا گفتیم درجه بدرجه شامل همگیت.

اینک درباره تأکید و فضیلت آن چند آیات و احادیث را بشنوید:

**وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ۗ هُوَ اجْتَبَاكُمْ ۗ سوره حج آیه ۷۸**

«و در راه خدا کوشش کنید چنانکه حق آنست. خدا شما را (برای دین خود) برگزیده است.»

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدْرَأَكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿١٠٠﴾ تَوَمَّنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَأْمُرُ اللَّهُ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۗ فَلَكُمْ حَرْمٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ يَغْفِرَ لَكُمْ  
فُتُورَكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ۗ ذَلِكَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ ﴿١٠٢﴾ سوره صف**

«ای مسلمانان آیا شما را به تجارتی راهنمایی نکنم که از عذاب دردناک نجات تان دهد آن تجارت اینست که به الله و رسول او ایمان بیاورید و در راه او (یعنی بخاطر دین او) بوسیله مالها و جانهای خود کوشش کنید این تجارت بسیار بهتر است برایتان، اگر درک کنید (و اگر بخدا و رسول او ایمان آوردید و در راه او با جان و مال کوشش کردید پس در عوض، خلوند) گناهان تان را می بخشد و در آخرت شما را در باغهایی داخل میکند که از زیر آنها نهرها رولان است و شما را در خانه

های پاکیزه بهشت جاودان سکونت میدهد این است کامیابی بزرگ».

در حدیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ در بین خطبه فرمودند:

«بهترین اعمال، ایمان آوردن بخدا و کوشش در راه دین اوست».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«آتش دوزخ هرگز آن بنده ای را لمس نخواهد کرد که در راه خدا پاهایش غبارآلود شده باشد».

در حدیثی دیگر وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«ایستادن یکی از شما در راه خدا و سهم گرفتن او در آن (یعنی تلاش و کوشش و نصرت و حمایت دین خدا) بهتر از هفتاد سال نماز او در گوشه خانه اش است».

الله جل جلاله همه ما را توفیق عنایت فرماید تا این اجر و ثواب کوشش و نصرت و حمایت دین را بدست آوریم.



## ﴿ درس چهاردهم ﴾

## فضیلت شهادت و مرتبه شهداء



اگر بنده ای از بندگان خدا بسبب استقامت و پایباری بر دین اسلام بقتل رسید یا خوش نصیبی در راه کوشش و حمایت دین، جان خود را از دست داد، او را در اصطلاح دین «شهید» میگویند و شهداء نزد الله تبارک و تعالی مرتبه ای بلند دارند قرآن شریف درباره شهداء فرموده است که هرگز ایشان را مرده نپندارید بلکه آنان بعد از شهادت زندگی ای خاص می یابند و نعمات گوناگون بدست می آورند.

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۰۴﴾ آل عمران

«کسانی که در راه خدا یعنی در راه دین او کشته شدند هرگز ایشان را مرده نپندارید بلکه آنها زنده اند نزد پروردگار خویش نعمت های گوناگون می یابند».

الله ﷻ با شهیدان به چه اندازه محبت دارد و چه نعماتی ایشان را عطا میفرماید می توان آن را از روی این حدیث رسول الله ﷺ قیاس کرد آنحضرت ﷺ فرمودند:

«هیچ کسی از بهشتیان نمی خواهد که باز بدنیا فرستاده شود، اگرچه تمام دنیا را به او دهند اما شهید آرزو دارد که نه یکبار بلکه ده بار بدنیا فرستاده شود تا هر بار در راه خدا شهید گردد شهیدان با دین مراتب شهادت و نعمات آن، این چنین آرزویی را خواهند کرد».

رسول الله ﷺ خود در تمنای شهادت و شوق آن چنان حالی داشتند که در حدیثی فرموده اند:

«قسم بذاتی که جانم در قبضه اوسته دوست دارم که در راه خدا کشته شوم، باز زنده گردم، باز کشته شوم و باز زنده گردم و باز کشته شوم و باز زنده گردم و باز کشته شوم».

در حدیثی وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«شهبید از طرف الله تبارک و تعالی شش نعمت می یابد یکی اینکه به محض شهادت فوراً بخشیده میشود و جایگاهش را در بهشت به او نشان میدهند دوم اینکه از عذاب قبر نجات مییابد سوم اینکه از پریشانی و خوف شدید روز محشر که همگان بسبب آن حواس باخته اند - **إِلَّا مَنْ قَسَاءَ اللَّهُ** - محفوظ خواهد بود چهارم اینکه روز قیامت تاجی از وقار و عزت بر سرش می نهند که یک یاقوت آن بهتر از سراسر دنیا و ما فیها است. پنجم اینکه هفتاد و دو حور از حوران بهشت را به نکاح او میدهند و ششم اینکه شفاعت او در حق هفتاد تن از خویشاوندانش قبول میشود».

در حدیثی وارد است که آنحضرت **ﷺ** فرمودند: «تمامی گناهان شهبید بخشیده میشود البته اگر قرض کسی بر اوست، بار این قرض بر گردنش باقی خواهد ماند».

و بیاد باید داشت که ثواب و فضیلت فقط موقوف بر آن نیست که انسان در راه خدا کشته شود بلکه اگر مسلمانی را بخاطر دین آزار دادند یا توهین کردند یا لت و کوب نمودند یا مالش را گرفتند و یا نوعی دیگر ضرری به او رساندند همه آنها نزد خداوند ثوابی عظیم دارد و الله تبارک و تعالی این مسلمان را در آخرت چنان مرتبه رفیع عطا میفرماید که بسیار زاهدان و عابدان بزرگ نیز بر او رشک خواهند برد.

همانگونه که حکومت های دنیوی نیز آن سپاهیان خود را که به سبب حمایت و وفاداری به حکومت خود شکنجه بینند و لت و کوب بخورند و زخمی و مجروح شوند و بازهم به آن حکومت وفادار بمانند توقیر و احترام فرلوانی میکنند و جوایز و انعامات و القاب بزرگ می بخشند به همینگونه آن بندگان خدای اکرام و اعزازی خاص نزد الله **ﷻ** دارند که به جرم تعمیل دین خدا و استقامت بر آن و یا بسبب تلاش و کوشش برای ارتقاء و سرسبزی دین، ضرب و شتم بینند یا توهین شوند و یا ضررهای دیگری بکشند هنگامیکه این اشخاص در روز قیامت نعمات مخصوص را بدست بیاورند و الله **ﷻ** با اعزاز و اکرام خاص ایشان را بنوازد دیگران حسرت خواهند خورد که ای کاش ما نیز در دنیا چنین مصایب را می چشیدیم و به خاطر دین دلت ها میکشیدیم و لت و کوب میخوردیم و زخم ها می برداشتیم تا امروز ما نیز چنین نعماتی را می یافتم.

یا الهی! اگر برایمان چنین آزمایش های مقرر است پس ما را در آن ثابت قدم بدار و از رحمت و کمک خود محروم مکن.

## ﴿درس بانزدهم﴾

## بعد از مرگ

## ﴿برزخ \* قیامت \* آخرت﴾



همگی اینقدر میدانند و تصدیق میکنند که هر کسی که در این عالم بدنی می آید سرانجام روزی خواهد مرد اما هیچ کسی شخصاً نمیداند و نمیتواند بداند که بعد از مرگ چه رخ خواهد داد و چه اتفاق خواهد افتاد تنها الله بر آن داناست و او پیغمبران خود را از آنها آگاه میسازد و توسط پیغمبران است که کسانی چون ما علمه الناس نیز از آن امور اطلاع می یابیم.

هر یک از پیغمبران خدا در وقت و زمان خود قوم و امت خود را مشروحاً مطلع ساخته بود که بعد از مرگ از چه منزلی خواهید گذشت و جزا یا سزای اعمال دنیائی خویش را در هر منزل چگونه خواهید یافت. و پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ چونکه آخرین نبی و رسول خلوند است، بنابراین تمامی منازل بعد از مرگ را به تفصیل و تشریح بسیار بیان فرموده اند که اگر همه یکجا گرد آورده شود کنایی پُر حجم خواهد گشت.

خلاصه آنچه در قرآن شریف و احادیث رسول الله ﷺ بیان شده اینست که:



پس از مرگ انسان با سه منزل سر و کار خواهد داشت. منزل اول از زمان مردن آغاز گشته تا برپائی قیامت الامه میباید و این منزل را «عالم برزخ» میگویند بعد از مرگ چه جسم انسان در زمین مدفون شود یا در دریا معروق گردد و یا خواه در آتش سوزانده خاکسترش بسازند لیکن روح وی در هیچ صورت فنا نخواهد شد بلکه فقط از دنیای ما انتقال یافته به عالم دیگری میرود و در آنجا فرشتگان خدا از او درباره دین و آئین وی سوال میکنند اگر آن شخص مومن صادق بود

براستی و صحت جواب میگوید و فرشتگان او را مژده میدهند که تا روز قیامت راحت و آسوده باش. و اگر آن شخص نه مومن بلکه کافر یا مسلمانی بنام و در اصل منافق بود همانوقت او را در عذاب و شکنجه دردناک که تا روز قیامت ادامه دارد مبتلا می سازند



منزل دوم، قیامت و حشر است. مراد از قیامت اینست که بالآخر زمانی فرا خواهد رسید که بحکم الله ﷻ این جهان از بین خواهد رفت و فنا خواهد گشت. (یعنی بهمان صورتی که زلزله های شدید شهرها و قریه ها را نابود میسازد همچنان روز قیامت سراسر جهان درهم و برهم می گردد و نابودی و فنا همه چیز را در خود فرو می برد) و سپس بعد از زمانی دراز هنگامی که خلوند اراده بفرماید باز همه انسانها و مخلوقات را دوباره زنده میگرداند در آن هنگام جمله انسانها و موجوداتی که پا در این جهان نهاده اند از اولین تا آخرین از سر نو زنده میشوند و از زندگانی دنیوی خود بازپرسی و حساب میدهند و آن بندگان خدا که در این حساب و محاسبه مستحق نجات و بهشت قرار میگیرند حکم دخول به بهشت را مییابند و آن ظالمان و مجرمانی که سزوار عذاب خدا و دوزخ قرار میگیرند فرمان افکنده شدن به دوزخ را می یابند این دومین منزل بعد از مرگ است که آن را «قیامت و حشر» میگویند



و سپس بهشتیان برای همیشه و ابد به بهشت خواهند رفت جائیکه صرف آسودگی و آرامش است و چنان لذایذ و راحت هائست که نه چشمی آنها را دیده و نه گوشی درباره آنها چیزی شنیده و نه در فکر کسی خطور کرده. و اما دوزخیان در دوزخ افکنده میشوند جائیکه عذاب های سخت دردناک خواهند دید خلوند بزرگوار ما را از شر آن در پناه خود نگهدارد سومین و آخرین منزل بعد از مرگ همین بهشت و دوزخ است و پس از آن همگان برای همیشه و ابد مطابق اعمال خود یا در بهشت خواهند بود و یا در دوزخ خواهند ماند



خلاصه آنچه پیغمبران خدا و خصوصاً خاتم النبیین سیدنا حضرت محمد مصطفی ﷺ درباره منازل مابعد مرگ فرموده اند و در قرآن و احادیث وارد است همین بود که در بالا مسطور شد اکنون چند آیات و احادیث را ملاحظه کنید:

كُلُّ نَفْسٍ نَاقِظَةٌ اَلْمَوْتِ ثُمَّ اَلْاِنْتَاثِرُ جَمُونَ ﴿۵۷﴾ سورة عنكبوت: ۵۷

«هرکسی مرگ را خواهد چشید سپس همه بسوی ما باز خواهید آمد».

كُلُّ نَفْسٍ نَاقِظَةٌ اَلْمَوْتِ وَاِنَّمَا تُوفَّرُ اُجُورُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ﴿۱۸۵﴾ سورة آل عمران: ۱۸۵

«هرکسی مرگ را خواهد چشید و اجر اعمال شما در روز قیامت بطور کامل بشما داده

خواهد شد».

قیامت و هولناکی های آن در ده ها آیات قرآن شریف ذکر شده است. ما نیز چند آیت را در

اینجا ذکر می کنیم:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿۱﴾ يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُنْهَلُونَ كَلِّ مُرْضِعَةٌ عَنْ مَآزِجِهَا وَتَضَعُ كُلُّ ائْمَانَةٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَهُمٌ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿۲﴾ سورة حج

«ای مردم! از پرودگار خویش بترسید بیشک زلزله قیامت چیزی سخت ترسناک است. روزی که آن را ببینید آن روز هر مادر شیردهنده کودک شیرخوار خود را از یاد میبرد و هر حامله ای حملش را سقط میکند و همه مردم را خواهی دید که گویا نشه اند و در حقیقت نشه نیستند بلکه عذاب خدا بسیار شدید است (و همگی از دهشت آن بیهوش میگردند)».

و در سوره مزمل در بیان قیامت فرموده شده:

يَوْمَ تَرُجُفُ اَلْاَرْضُ وَ اَلْجِبَالُ وَ كَانَتِ اَلْجِبَالُ كَنِيَامًا هَيَلًا ﴿۱﴾

«روزی که زمین و کوه ها به لرزه در آیند و کوه ها مانند ریگ روان شوند».

و در همین سوره درباره قیامت گفته شده:

يَوْمًا يَجْعَلُ اَلْوَلَدَانَ شِيبًا ﴿۱﴾

«روزی است که کودکان را پیر میسازد».

و در سوره عبس فرموده است:

فَاِذَا جَاءَتْ اَلصَّاعِقُ ﴿۱﴾ يَوْمَ يَقْرَأُ اَلْمُرءُ مِنْ اٰخِيهِ ﴿۲﴾ وَاُمُّهُ وَ اَبْنُوهُ ﴿۳﴾ وَ صَاحِبَتُهُ وَ بَنِيهِ ﴿۴﴾ لِكُلِّ

اَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُنَبِّئُهُ ﴿۵﴾ وَ جُودُهُ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ﴿۶﴾ صَاحِبَكُ مَسْتَبْشِرَةٌ ﴿۷﴾ وَ جُودُهُ يَوْمَئِذٍ

عَلَيْهَا غَرَّةٌ ﴿۸﴾ تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ ﴿۹﴾

«هنگامی که آن آوازی که پرده گوشها را میبرد بیاید (یعنی صور قیامت دمیده شود) در آن روز انسان از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود و از زن و فرزندان خود خواهد گریخت. در آن روز هر کسی را فکری دامنگیر است که پرواه دیگران را نخواهد داشت. (یعنی هر کس چنان در فکر خود خواهد بود که پرواه مادر و پدر و زن و فرزند و خواهر و برادر را نخواهد کرد بلکه از آنها فرار خواهد نمود) بسیاری از چهره ها در آن روز، روشن و خندان و شاداب خواهند بود و بسیاری از چهره ها در آن روز خاک آلود خواهند بود و سیاهی بر آنها طاری.»

روز قیامت تمامی انسانها در پیشگاه الله تبارک و تعالی حاضر خواهند شد و هیچ کسی قادر نیست خود را پنهان سازد در سوره الحاقه فرموده شده:

**يَوْمَ لَا تَعْنَىٰ مِنْكُمْ خَالِيَةٌ ﴿٩٩﴾**

«در آن روز همگی در پیشگاه خدا حاضر خواهید شد و هیچ پنهان شونده ای نخواهد توانست پنهان شود.»

و در سوره کهف وارد است:

**وَيَوْمَ نُسِئُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٩٨﴾ وَعَرَضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّن نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٩٩﴾ وَوَضِعَ الْكِتَابِ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُوبِلَتْنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يَمْدُرُ صَفِيرَةً وَلَا كَيْبَرَةً إِلَّا آخِضَهَا ۖ وَجَعَلُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿١٠٠﴾**

«و در آن روز ما کوه ها را بحرکت خواهیم آورد (یعنی کوه ها چون امروز استوار نخواهند ماند بلکه بگردش درآمده پاره پاره خواهند گشت) و زمین را هموار و صاف خواهی دید (نه شهری بر آن خواهد بود و نه خانه و باغی، بلکه سراسر زمین چون بیابانی هموار خواهد شد) و سپس تمامی انسانها را دوباره زنده خواهیم ساخت و یک تن ایشان را نیز رها نخواهیم کرد و همگی صف در صف به پیشگاه پروردگار خود حاضر خواهند شد (و به آنها گفته خواهد شد که بنگرید) همگی دوباره زنده گردیده نزد ما آمدید چنانکه بار اول شما را خلق کردیم آیا می پنداشتید که برای شما وقت بازگشت مقرر نکرده ایم؟! و اعمالنامه ایشان (که شامل تمامی اعمال نیک و بد آنهاست روبروی آنها) گلنارده خواهد شد و مجرمین را ترسان خواهی دید از آنچه که در آنست و خواهند گفت که

وای بر ماه این چه کنایست که نه عمل کوچک ما را رها کرده است و نه عمل بزرگ ما را بلکه همه را در خود جمع کرده است. و آنان هر چه در دنیا انجام دادند همه را موجود خواهند یافت. و خلوند تو بر هیچ کس ظلم نمی کند».

در روز قیامت دست و پای انسان و تمام اعضای وی نیز بر اعمال وی شهادت می دهند در سوره «یس» فرموده شده است:

**الْيَوْمَ نَخْتُمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَعْيُنَهُمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۰۱﴾**

«امروز بر دهانهای ایشان مهر خواهیم نهاد و دست های ایشان با ما سخن خواهند گفت و پاهای ایشان بر آنچه که کرده اند گواهی خواهند داد».

العرض هر آنچه در روز قیامت اتفاق افتادنیست قرآن شریف به تفصیل تمام آنها را بیان نموده است. یعنی نخست آغاز زلزله ها و انفجارها، باز فنا و نابودی سراسر دنیا، باز دوباره زنده شدن تمامی انسانها، سپس حضور در میدان حشر جهت محاسبه اعمال و آمدن اعمالنامه هر کسی نزد او و گواهی دادن اعضای انسان خلاف وی و سپس فیصله ثواب یا عذاب یا عفو، و بعداً رفتن خلائق به بهشت یا دوزخ. تمامی این امور با چنان تفصیلی در بعضی از سوره های قرآن بیان گردیده است که با خواندن آنها منظر قیامت در مقابل دیدگان به تصویر می آید چنانچه در حدیثی نیز وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی میخواهد احوال قیامت را به گونه ای بداند که گویا در مقابل چشمان اوست، پس سوره های **إِنَّا السَّمْسُ كُوْرَتْ** \* **إِنَّا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ** \* **وَإِنَّا السَّمَاءُ انْفِثَّتْ** را بخواند».

در اینجا چند حدیث رسول الله ﷺ دربارهٔ برزخ و دوزخ را نیز درج می کنیم. از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر شخصی از میان شما چون می میرد هر صبح و شام جایگاهش را در بهشت یا دوزخ (که به سبب اعمال خود خواهد یافت) به او می نمایند و به او میگویند اینست جایگاه تو که به آن خواهی رسید».

در حدیثی دیگر وارد است که:

«رسول الله ﷺ یکبار در دوران موعظه، سوال و احوال قبر (یعنی عالم برزخ) را ذکر فرمودند و تمامی مسلمانانی که حاضر بودند از (شنیدن آن) به فریاد و زاری افتادند».

احوال قبر و سوال و جواب و عذاب آن در بسیاری از احادیث به تفصیل مذکور است ولی ما اختصاراً بذکر همین دو حدیث بالا اکتفا میکنیم.



و اکنون چند حدیث شریف دربارهٔ قیامت را ملاحظه نمائید در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ ضمن ذکر احوال قیامت فرمودند:

«زمانیکه اولین صور بفرمان الله ﷻ دمیده شود تمامی خلائق بیهوش و بیجان خواهند افتاد و هنگامی که بار دوم صور دمیده شود همگی زنده گردیده خواهند ایستاد آنگاه فرمان می آید که همگی برای حضور در پیشگاه خلوند حرکت کنید سپس فرشتگان حکم می یابند که آنها را متوقف بگردانید اینجا از آنها دربارهٔ زندگی دنیائی ایشان سوال میشود».

در حدیثی وارد است که:

«یکی از صحابه از رسول الله ﷺ پرسید که یا رسول الله ﷺ خداوند چگونه مخلوقات خود را دوباره زنده میسازد آیا مثال آن در این دنیا وجود دارد؟ آنحضرت ﷺ فرمودند آیا باری از کشت زار یکی از خویشان خود در این حال گذشته ای که خشک و خالی از سبزه بوده باشد و باری دیگر در حالی بر آن بگذری که سرسبز و شاداب بوده باشد؟ (صحابی میگوید که) عرض نمودم بلی گذشته ام. آنحضرت ﷺ فرمودند همین مثال دوباره زنده ساختن است. الله تبارک و تعالی مردگان را این چنین زنده خواهد ساخت».

و در حدیثی وارد است که:

«رسول الله ﷺ این آیت قرآن شریف را تلاوت نمودند: **يَوْمَ يُنْفَخُ الْأَشْجَارُ** (یعنی زمین در روز قیامت همه اخبار خود را بیان خواهد کرد) آنگاه فرمودند: آیا میدانید این آیت چه معنائی دارد صحابه عرض کردند: الله و رسولش بهتر میدانند آنحضرت ﷺ فرمودند: معنایش اینست که روز قیامت زمین بر اعمال هر زن و مردی که بر روی آن انجام داده است گواهی خواهد داد (یعنی زمین در آن روز بفرمان خدا به سخن خواهد آمد و خواهد گفت که فلان مرد یا فلان زن در فلان روز چنین عملی بر روی من مرتکب شده بود)».

در حدیثی دیگر وارد است که:

«آنحضرت ﷺ ضمن ذکر احوال قیامت فرمودند که الله تبارک و تعالی روز قیامت بنده را



خواهد گفت که تو امروز، خود خلاف خود گواهی و فرشتگان کاتب من نیز گواهند و همین گواهی کافی است. سپس بحکم خلوند دهان بنده را مهر میکنند و او نمی تواند با زبان سخنی بگوید و اعضای او (مانند دست و پا و چشمش) فرمان می یابند که شما سخن بگوئید آنگاه آن اعضاء همه اعمال بنده را بیان میکنند».

خلاصه حدیثی چنین است:

«شخصی نزد رسول الله ﷺ آمده عرض کرد یا رسول الله ﷺ من چند غلام دارم که گاهگاهی خطا میکنند گاهی بمن دروغ میگویند و گاهی خیانت می نمایند و من بعضی اوقات خشمگین میشوم و آنها را ناسزا میگویم و گاهی آنها را میزنم، اینکار در قیامت چه انجामी دارد آنحضرت ﷺ فرمودند: الله ﷻ در روز قیامت عادلانه حکم خواهد نمود اگر سزای تو به اندازه خطاهای آنها و مناسب بود پس نه چیزی خواهی یافت و نه چیزی خواهی داد اگر سزای تو کمتر از خطاهای آنها بود پس حق تو بتو داده خواهد شد و اگر سزای تو بیشتر از خطاهای آنان بود پس حق ایشان را از تو میگیرند و به آنها میدهند (در حدیث وارد است که با شنیدن این سخن) شخص پرسنده بگریه افتاد و عرض کرد که یا رسول الله ﷺ پس برای من بهتر اینست که آنها را از خود جدا کنم. من شما را گواه میسازم که آنها را آزاد نمودم».

این جمله نیز در حدیث بالا وارد است:

«آنحضرت ﷺ این آیت شریف را برای آن مرد تلاوت کرد:

**وَضَعُفُ الْمَوَازِينِ الْقِسْطِ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ**

**خَرْدَلٍ أَتَيْنَاهَا ۝ وَ كَفَىٰ بِمَا حَسِبْتُمْ ۝** سورة انبياء

معنای آیت اینست که الله تبارک و تعالی میفرماید:

«ترازوی عدل را در روز قیامت خواهیم نهاد و اندکی با کسی نا انصافی نخواهد شد اگرچه کسی عمل یا حتی به اندازه دانه ارزن نیز داشته باشد، آن را نیز حاضر خواهیم ساخت و ما برای حساب گرفتن کافی ایم».

الله تبارک و تعالی توفیق مان دهد که از آنچه که قرآن پاک و رسول الله ﷺ درباره بعد از مرگ و قیامت بما بیان نموده اند غفلت نمائیم.

## ﴿ درس شانزدهم ﴾

## بَهشت و دوزخ



در درس گذشته گفته شد که روز قیامت روز حساب و روز فیصله است. کسانی که مومن اند و در دنیا اعمال و کردار نهایت نیک داشته اند و مستحق سزا یا عذابی نگشته اند در عرصه قیامت زیر سایه عرش الهی و بغایت راحت و آسوده خواهند بود و به زودی و سرعت به جنت فرستاده خواهند شد و مسلمانانی که سزائی دیده آنگاه بخشوده شدنی اند در روز قیامت و حشر، تکالیفی دیده یا حد اکثر مدتی در دوزخ سزای گناهان خویش را چشیده، مورد عفو قرار خواهند گرفت. بهرحال آنانی که حتی به اندازه یک ذره نیز در قلب خود ایمان دارند سر انجام روزی به بهشت خواهند رفت و در دوزخ برای همیشه و ابد الابد همان کسانی خواهند ماند که از این دنیا در حالت کفر و شرک کوچ کرده اند.

الغرض بهشت جزای ایمان و اعمال نیک و وفاداری به الله تبارک و تعالی است و دوزخ سزای کفر و شرک و خیانت به خدا و نافرمانی از اوست.

نعمت و راحت‌های جنت و مصایب و عذاب‌های دوزخ در قرآن و حدیث به تفصیل تمام بیان شده و ما نیز در اینجا چند آیات و احادیث را ذکر میکنیم. در سوره آل عمران فرموده شده است:

**لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ**

**وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْمَعَادِ**

«پرهیزگاران نزد پروردگار خود بهشت‌های دارند که از زیر آنها جوی‌ها روان است و ایشان برای همیشه در آن خواهند بود و نیز برای ایشان زنان پاکیزه و رضای خلوند است. و خدا به تمام بندگان خود بیناست (و حال هیچ کس از او پنهان نیست).»

و در سوره یسین فرموده شده است:

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ ﴿۱۰۳﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿۱۰۴﴾ لَعْمٌ فِيهَا فَاكِهُونَ ﴿۱۰۵﴾ لَعْمٌ مَّا يَدْعُونَ ﴿۱۰۶﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿۱۰۷﴾

«بهشتیان آن روز در مشغولیت های خود خرسند خواهند بود ایشان و زنان ایشان در سایه ها بر تختها تکیه میکنند برای ایشان میوه های گوناگون حاضر است و هر آنچه که بخواهند فوراً می یابند و از جانب خلوند مهربان به ایشان سلام گفته میشود».

و در سوره زخرف فرموده شده است:

و فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۰۸﴾

«و در بهشت هر چه که نفسها بخواهد و چشمها از آن لذت ببرد موجود است. شما (ای بندگان نیک من) همیشه در آن زندگی خواهید کرد».

و در سوره محمد احوال بهشت چنین بیان شده است:

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ ﴿۱۰۹﴾ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ ﴿۱۱۰﴾ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَّيَّةٍ لِلشَّرْبِ بَيْنَ ﴿۱۱۱﴾ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى ﴿۱۱۲﴾ وَلَعْمٌ فِيهَا مِنْ كَلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّيْحٍ ﴿۱۱۳﴾ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاهُمْ ﴿۱۱۴﴾

«مثال بهشتی که به پرهیزگاران وعده شده اینست که در آن بهشت زهرهائست از شیر که طعمش ذره ای عوض نگردیده و زهرهائست از شراب پاک و حلال که برای نوشندگان لذت بسیار دارد و زهرهائست از عسل صاف برای ایشان در بهشت از هر گونه میوه ای حاضر است و همچنین بخشایش از جانب خلوندگار ایشان».

و در سوره حجر یکی از صفات بهشت چنین آمده است که:

لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ ﴿۱۱۵﴾ آيَةُ ۴۸

«بهشتیان را در بهشت هرگز رنجی نمی رسد».

یعنی جنت تنها جایگاه آرامش و آسودگی و عیش است و هیچ گونه تکلیف یا رنج و غمی در آنجا نخواهد بود.



مختصری از احوال بهشت و بهشتیان در اینجا ذکر گشت. اکنون اندکی از حالات دوزخ و دوزخیان را نیز از زبان قرآن مجید بشنوید در سوره مومنون فرموده شده است:

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿۱۰۵﴾ تَلْفَهُمْ  
وَجُوهُهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿۱۰۶﴾

«آنانی که در روز قیامت ترازوی ایشان سبک است کسانی اند که (با کفر و شرک و اعمال بد) خود را خساره مند ساخته اند آنان همیشه در جهنم خواهند ماند آتش دوزخ چهره های آنها را خواهد سوخت و صورت های ایشان زشت هیبت خواهد بود».

و در سوره کهف فرموده شده است:

إِنَّا عَمَتْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَّاقُهَا وَإِنَّ يَسْتَعِينُونَ أَيْمَانًا كَلِمَةً يَشْوَى الْوُجُوهَ  
«ما برای ظالمان<sup>(۱)</sup> دوزخ را آماده ساخته ایم. سرپرده های دوزخ آنها را در میان میگرد و هر گاهی (از شدت تشنگی) فریاد کنند آبی به ایشان داده میشود مانند مس گلاخته شده که چهره های ایشان را بریان میسازد».

و در سوره حج فرموده شده است:

فَالَّذِينَ كَفَرُوا أَطْمَتَ لَهْمٍ تِيَابٍ مِّن نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُؤُسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿۱۰۷﴾ يُصْهِرُ بِهِمَا  
فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿۱۰۸﴾ وَلَهُمْ قَامِرٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿۱۰۹﴾ كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِينُوا  
فِيهَا وَتُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۱۱۰﴾

«آنانی که کفر ورزیدند برای ایشان لباسهای از آتش بریده شده است و آب جوشان بر سر ایشان ریخته خواهد شد که آنچه در درون آنهاست و نیز پوست آنها به سبب آن نوب خواهد گشت و نیز برای تذبذب آنها (در دوزخ) گرزهای آهنین است. هر گاهیکه بخواهند از دوزخ به جهت عذاب آن بیرون آیند باز در آن برگردانیده میشوند و به ایشان گفته خواهد شد که عذاب سوختن را بچشید».

و در سوره دُخان فرموده شده است:

(۱) در زبان قرآن بزرگترین ظالم، کفر و شرک بخلاست و ظالم اصلی همان کافر و مشرک است. مؤلف

إِنَّ شَجَرَةَ الزُّقُومِ طَعَامٌ لِلْإِنْسَانِ ۖ كَالْمُهْلِ ۖ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۖ كَغَلِيِّ الْحَمِيمِ ۖ  
خُنُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ۖ

«بی شک درخت زقوم غلای گناهکار بزرگ (یعنی کافر و مشرک) است که مانند مس کلاخته می باشد و در شکمها چنان جوش میزند گویا آب جوشان. و فرشتگان حکم خواهند یافت که او را بگیرند و کشان کشان به سختی در وسط لوزخ اندازند سپس بر سرش آب بسیار عذاب دهند» جوشان بریزند.

و در سوره ابراهیم درباره دوزخی فرموده شده است که:

وَسُئِلَ مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ ۖ يَمْجَرُ عَلَيْهِ وَلَا يَكَادُ يُسَيِّمُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۖ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۖ

«و او آبی نوشانده خواهد شد که چرک و ریم است. جرعه جرعه آن را خواهد نوشید و نخواهد توانست آن را به آسانی از گلو پائین برده و از هر سوئی مرگ به سوبش روان است و باز هم نخواهد مرد و هنوز عذابی سخت در پیش دارد».

و در سوره نساء فرموده شده است:

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا ۖ كَلَّمَا تَضَجَّتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا  
غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۖ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۖ

«و آنانی که به آیات و احکام ما کفر میورزند و انکار می نمایند بزودی ایشان را در دوزخ خواهیم افکند و هر گاهی که پوست ایشان بسوزد و بریان گردد آن را با پوستی دیگر تبدیل خواهیم کرد تا بیشتر از پیش عذاب بچشند».

صدها آیت قرآن مجید عذابهای دردناک دوزخ را به تفصیل بسیار بیان نموده است. ما در اینجا بذکر همین چند آیات بسنده میکنیم.



اکنون چند احادیث شریف درباره بهشت و دوزخ را بشنوید در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند که الله تبارک و تعالی می فرماید:

«من برای بندگان صالح خود (در بهشت) نعمت های آفریده ام که نه چشمی آنها را دیده

و نه گوشی درباره آنها چیزی شنیده و نه در خیال کسی خطور کرده است».

بیشک آن اطعمه نفیس و لذیذ آن میوه ها و فواکه لطیفه آن نوشیدنی های خوش گوار، آن لباسهای نهایت خوش منظر و اعلی و آن قصرهای عالی و زیبا و باغهای سرسبز خوش نما، و آن حورهای خوش صورت و صاحب جمال و غیر از اینها آن وسایل و اسباب راحت و لذت و لطف و مسرت که بهشتیان خواهند یافت چنانچه در این حدیث شریف مذکور است و واقعیت اینست که تنها خلوند تبارک و تعالی از آنها آگاه است و بس. البته ما بر همه آنها ایمان داریم در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هنگامیکه اهل بهشت به بهشت میرسند ننا کننده ای از جانب خدا نداء میدهد که اکنون برای ابد سالم و تندرست باشید هیچگاهی بیمار نخواهید شد همیشه زنده باشید هیچگاه نخواهید مُرد همیشه جول بمانید هیچگاهی پیر نخواهید گشت. همیشه در عیش و راحت باشید هیچ وقت رنجی یا غمی نخواهید دید».

برزگترین نعمتی که بهشتیان بعد از دخول به بهشت خواهند یافت دیدار الله تبارک و تعالی است. در حدیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هنگامیکه اهل بهشت به بهشت میرسند الله تبارک و تعالی به آنها میگوید آیا می خواهید نعمتی بیشتر از آنچه عطا کرده ام شما بدهم؟ آنها میگویند خلوندا چهره های ما را درخشان ساختی و از دوزخ ما را نجات دادی و جنت را بما عطا کردی (که هرچه بخواهیم در آن موجود است پس اکنون دیگر چه چیزی بخواهیم؟) آنحضرت ﷺ فرمودند که در این وقت حجاب برداشته میشود و آنان الله ﷻ را بی پرده خواهند دید و این دیدار الهی نزد ایشان محبوبتر از جنت و تمامی آنچه که تا بحال یافته اند خواهد بود».

خلوند بزرگ از فضل و کرم خود تمامی این نعمات را نیز نصیب ما گرداند

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ ضمن ذکر عیش و راحت بهشت و درد و عذاب دوزخ فرمودند:

«روز قیامت شخصی را که در دنیا بیشتر از همه با عیش و آرامش و شان و شوکت زندگی بسر برده بود اما به سبب شقاوت خود مستحق دوزخ گردیده می آوردند و او را در آتش دوزخ غوطه ای داده فوراً بیرون میکنند و سپس از او می پرسند که آیا هرگز عیش و راحتی دیده بودی؟ آن

شخص میگوید که خلوندا بذات تو قسم است که هرگز راحتی ندیده ام.

همچنین شخص دیگری را نیز که در دنیا بیش از همه رنج و تکالیف کشیده بود لیکن مستحق بهشت گردیده است می آورند و او را لحظه ای در بهشت داخل ساخته بیرون میکنند و از او می پرسند که هیچ گاهی رنج و مصیبتی دیده بودی؟ آن شخص خواهد گفت که نه پروردگارا بذات تو سوگند است که من هرگز هیچ مصیبتی ندیده ام.

در حقیقت الله ﷻ چنان نعمتها و آسودگی ها و آرامشهای در بهشت پیدا فرموده است که حتی انسانی که سراسر عمر خود را در تکالیف و مصایب و رنجها گذرانیده است فقط بعد از یک لمحہ رسیدن به بهشت تمامی دردهای سراسر زندگی خود را فراموش میکند و دوزخ چنین عذابگاهی است که حتی انسانی که تمامی عمر خود را در جهان در عیش و عشرت و آسودگی بسر برده بعد از یک لحظه دخول در دوزخ بلکه تنها با احساس حرارت و هوای بدبوی آن خواهد پنداشت که هرگز هیچ وقتی روی آرامش و راحتی را ندیده است.

میتوان شدت و سختی عذاب دوزخ را فقط از حدیث پائین قیاس کرد آنحضرت ﷺ

فرمودند:

«کمترین عذابی که کسی در دوزخ می بیند اینست که او را بوت های از آتش می پوشانند که به سبب آن مغز او چنان (در کاسه سرش) جوش میزند گویا دیگ روی دیگدان».



قدری از ذکر آب و غلّائی که برای خوردن به دوزخیان میدهند اندکی قبل در ضمن ذکر آیات قرآن شریف گذشت. اکنون دو حدیث شریف را نیز در این سلسله بشنوید در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«اگر یک سطل از زرداب بدبوی (یعنی چرک و ریم دوزخیان) را که دوزخیان مینوشند در این جهان بریزند تمامی جهان از بوی بد آن پر میگردد».

در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ درباره زقوم که دوزخیان مجبور اند آن را

بخورند فرمودند:

«اگر یک قطره زقوم در این دنیا بچکد تمامی خوردنیجات و نوشیدنیجاتی که در این دنیا است گندیده و خراب می شوند پس بیندیشید آنکسی که خوراکش زقوم است چه حالی خواهد

داشت».

یا الهی!

ما و همهٔ اهل ایمان را از هر عذاب دوزخ، چه خرد و چه بزرگ، در پناه خود بار.

برادران عزیزم!

در آنچه که کتاب خدا قرآن پاک و رسول خدا حضرت محمد مصطفی ﷺ دربارهٔ برزخ و قیامت و دوزخ و جنت برایمان بیان نموده اند که اندکی از آن را اینجا در طول دو درس ذکر کردیم، ذره ای شک نیست، سوگند بخدا که همهٔ اینها کاملاً همینگونه اند و بعد از مرگ تمامی آنها را به چشم خود خواهیم دید.

قرآن و حدیث، احوال قیامت و جنت و دوزخ را با این تفصیل و صدها بار به آن سبب بیان نموده است تا ما از نجاتدهی خود از عذاب دوزخ و کوشش جهت حصول بهشت غافل نگردیم.

برادرانم!

این دنیا دنیا نیست چند روزه، بالآخر همهٔ ما یقیناً خواهیم مرد و قیامت به یقین خواهد آمد و ما همگی یقیناً برای حساب دادن اعمال خود در پیشگاه الله تبارک و تعالی خواهیم ایستاد و سپس بعد از آن جایگاه ابدی ما یا در بهشت خواهد بود و یا در دوزخ.

هنوز هم فرصت است که از گناهان گذشته توبه کرده و برای آینده در فکر و کوشش اصلاح زندگی خویش و نجات از دوزخ و کسب بهشت مشغول گردیم.

اگر خدا ناخواسته زندگی به غفلت گذشته، پس بعد از مرگ جز حسرت و افسوس و عذاب جهنم چیزی دیگر بدست نخواهد آمد.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَعَمَلٍ  
وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ وَعَمَلٍ



ذکر الله<sup>(۱)</sup>

چونکه تعلیم اسلام و مطالبه آن - بلکه باید گفت در حقیقت اسلام خود عبارت از - این است که بندگان خدا سراسر زندگانی خویش را تحت احکام الهی بسر برند و در هر حالت و هر معامله ای، فرمانبردار الله تبارک و تعالی باشند و چونکه این امر فقط آنگاهی بکلی حاصل میآید که بنده در هر وقتی متوجه الله عزَّوجلَّ باشد و عظمت و محبت الله عزَّوجلَّ بطور کامل در قلب او جاگیرد بنابراین یکی از تعالیم خاص اسلام اینست که بندگان بکثرت الله تبارک و تعالی را ذکر کنند<sup>(۲)</sup> و از تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای او همیشه رطبُ اللسان باشند این وسیله ای ویژه و نسخهٔ مجرب پیدا سازی محبت و عظمت خدا در دلهاست.

این امریست فطری که اگر انسان همیشه در تصور عظمت و کمال کسی مغروق باشد و حُسن و جمال و زیبایی کسی را شبانه روز ستوده رود به حتم محبت و عظمت آنکس در دل او پیدا میشود و روز بروز افزایش می یابد.

بهر حال این حقیقت همچون آفتاب نیمروز واضح است که کثرت ذکر، هم چراغ عشق و محبت را روشن میسازد و هم زبانه های آن را تیزتر می برافروزد و این نیز حقیقتی آشکار است که زندگی کاملاً مطیعانه و بندگیانه ای که آن را «اسلام» میگویند تنها بوسیلهٔ محبت بوجود می آید.

(۱) بسیاری از حقیقت ذکر بی خبرند و می پندارند ذکر همان گردهم حلقه زنی و با آواز بلند هوهو گفتن و سر تکان دادن است. این ذکر نیست بلکه حقیقت ذکر چیزی دیگر است که تحت عنوان «حقیقت ذکر» در همین درس خواهد آمد مترجم

(۲) باید دانست که ذکر الله بذلت خود مقصود و وسیله ای مخصوص برای حصول قُرب الهی است. مؤلف

تنها محبت آن چیز است که مُحب صادق را کاملاً مطیع و فرمانبردار محبوب میگرداند

عاشقی چیست بگو بنده جانان بودن

بنابراین قرآن پاک تا کیداتی بسیار بر کثرت ذکر نموده و رسول الله ﷺ نیز فضایل بزرگ آن

را بیان فرموده است. مثلاً در سوره احزاب فرموده شده است:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ۖ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝**

«ای مسلمانان، الله را بکثرت ذکر کنید و پاکی او را بیان نمائید هر صبح و شام».

و در سوره جمعه فرموده شده است:

**وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝**

«و بکثرت الله را ذکر کنید تا فلاح یابید».

خصوصاً دو چیز است که انسان با مشغولیت و انهماک در آنها یا مست شدن در خمار آنها

الله را فراموش میکند

یکی مال و ثروت و دوم زن و فرزند

لهذا قرآن پاک هر دو را صراحتاً نام گرفته مسلمانان را هشدار داده است در سوره منافقون

فرموده شده:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۖ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ**

**الضَّالِّينَ ۝**

«ای مسلمانان شما را مالهای تان و فرزندهای تان از یاد خدا غافل نگرداند و هر کسی چنین

کند همان ایشان زبان کنندگان و خساره مندان اند».

اسلام نماز پنج وقت در روز را فرض گردانیده و بلاشبه نماز ذکر الله است بلکه اعلی

ترین درجه ذکر است لیکن برای هیچ مومنی جایز نیست که فقط ذکر نماز را کافی بپندد و در

بیرون نماز از ذکر الله ﷻ و یاد او بیفکر و غافل گردد<sup>(۱)</sup> بلکه اسلام بصراحت حکم میدهد که در

هرحالی نیز که می باشد از ذکر الله غافل نباشید در سوره نساء فرموده شده است:

(۱) مراد این نیست که همانطور که نماز در اوقات مقرر خود فرض می باشد به همان صورت بیست و چهار

ساعته بیاد خدا بودن نیز فرض است، نی، بلکه مقصد فقط اینست که مومن نباید از یاد الله غافل بماند مولف

**فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُضُوا عَلَىٰ جُنُوبِكُمْ. آیه ۱۰۳**

«پس هنگامیکه نماز را اداء کردید ایستاده و نشسته و خوابیده، الله را یاد کنید.»  
حتی آنیکه برای جهاد در راه خدا بیرون شده اند تا کبلاً حکم یافته اند که از یاد الله غفلت نوزند و بکثرت او را ذکر کنند در سوره انفال فرموده شده است:

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۳﴾**

«ای مسلمانان! زمانیکه با لشکری رویارو شدید پس ثابت قدم باشید و الله را بکثرت یاد کنید تا کامیاب گردید.»

از این آیت و نیز از آیت سوره جمعه که در بالا مذکور است «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» معلوم گردید که کثرت ذکر و یاد الله دخلی خاص در فلاح و کامیابی اهل ایمان دارد از آیت سوره منافقون این نکته نیز دانسته شد که غافلان از ذکر و یاد الله عَلَّامٌ ناکام و در خساره اند یکی دیگر از خاصیت های ذکر الله در آیتی از سوره رعد چنین بیان شده که دلها از ذکر خدا اطمینان و آرامش می یابند خلوند می فرماید:

**الَّذِي يَذْكُرُ اللَّهَ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾** سوره رعد: ۲۸

«گاه باشید که دلها (یعنی روح های مومن) از ذکر الله آرامش می یابند.»



بعد از آیات قرآن مجید چند حدیث رسول الله ﷺ را نیز بشنوید در حدیثی وارد است:  
«از رسول الله ﷺ پرسیدند که چه کسانی در روز قیامت در بالاترین درجات خواهند بود آنحضرت ﷺ فرمودند: کسانی که الله را ذکر میکنند چه مرد باشند و چه زن.»  
در صحیح بخاری و صحیح مسلم از حضرت ابو موسی اشعری رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«مثال کسی که الله را یاد میکند و آنکسی که از یاد او غافل است، مثال زنده و مرده است. (یعنی کسی که خلوند را یاد و ذکر میکند گویا زنده است و کسی که او را ذکر و یاد نمی کند گویا مرده بلکه مردار است).»

و از حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند که:

«هر چیزی صیقلی دارد و صیقل دلها ذکر الله است. و هیچ چیزی در نجات از عذاب مؤثرتر از ذکر خدا نیست.»

### حقیقت ذکر:

در اینجا باید بخوبی دانست که در اصل، حقیقت ذکر اینست که انسان از یاد الله جَلَّ جلالُه غافل نشود و در هر حال و هر مشغله ای که است به یاد الله و احکام او باشد برای اینکار گرچه ضروری نیست که انسان در هر وقت و هر حال نام الله جَلَّ جلالُه را با زبان بگیرد اما واقعیت اینست که آن بندگانی که همیشه یاد الله جَلَّ جلالُه و احکام او هستند ایشان از ذکر زبانی نیز رطبُ اللسان می باشند و این امر {که انسان هر زمانی و هر وقتی به یاد الله جَلَّ جلالُه و احکام او بوده و از یاد او غافل نشود} عموماً حل آن بندگان خلاست که توسط کثرت ذکر زبانی در دل و روح خود کیفیتاً پایدار بوجود می آورند که بوسیله آن از یاد خدا و احکام او هیچگاهی غافل نمی شوند و نیز پیوند و رابطه قلبی خود را با الله جَلَّ جلالُه افزایش میدهند لهذا کثرت ذکر زبانی ضروری است.

بعضی از تحصیل کردگان امروزی به اشتباه سختی افتاده می پندارند که کثرت ذکر نام الله با زبان عملی بیفایده است. حال آنکه در احادیث رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صریحاً بر آن حکم شده و آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فضایل بزرگی بر آن بیان فرموده اند

از حضرت عبدالله بن بسر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که:

«مردی بخلمت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده عرض کرد که یا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ! احکام اسلام بسیار است. لَنا چیزی بمن بیاموزید که آن را محکم بگیرم. آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: لَا يَزَالُ لِسَانُكَ رَطْباً **مِنْ ذِكْرِ اللهِ** همیشه زبانت در ذکر خدا باشد.»

در حدیث قدسی که از حضرت ابوهریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مرویست وارد است که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«خلوند میفرماید که هنگامیکه بنده مرا یاد میکند و از ذکر من لپه‌ایش می جنبد من همراه او هستم.»

**اذکار مخصوصی که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعلیم فرموده اند:**

از آنچه آیات و احادیث که تا حال مذکور شد اهمیت و فضیلت ذکر الله معلوم گردید و این امر نیز در بالا بیان گشت که از کثرت ذکر نام الله، محبت خدا پیدا میشود و افزایش می یابد اکنون ما و شما بایست آن کلمات خاصی را که رسول الله ﷺ جهت ذکر تعلیم فرموده اند و پسندیده اند بدانیم

### افضل الذکر:

از حضرت جابر رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
«بهترین ذکر ها لا اله الا الله است».

در حدیثی دیگر که از حضرت أَبُوهُرَيْرَةَ مرویست وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:  
«چون بنده ای با اخلاص کامل دل لا اله الا الله میگوید دروازه های آسمانها برای آن کلمه باز میشوند حتی که این لا اله الا الله مستقیماً تا عرش میرسد به شرط اینکه بنده از گناهان کبیره پرهیز کند».

و در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«یکبار حضرت موسی ﷺ به خلوند عرض کرد که خلونما مرا چیزی بیاموز که ترا توسط آن ذکر کنم. از جانب خلوند جواب آمد که یا موسی مرا توسط لا اله الا الله ذکر کن. حضرت موسی ﷺ عرض کرد که خلونما همگان ترا توسط این کلمه ذکر میکنند من کلمه ای خاص میخواهم تا با آن ترا ذکر کنم. جواب آمد که ای موسی! اگر هفت آسمان و تمامی مخلوقات میان آنها و هفت زمین را در یک کفه ترازو بگذارند و لا اله الا الله را در کفه دیگر، لا اله الا الله سنگین تر خواهد بود».

لا اله الا الله حقیقتاً چنین عظیم الشان است اما مردم آن را لفظی سبک می پندارند این عاجز باری در مجلس یکی از بندگان مخلص و صادق خدا حاضر بود آن بزرگوار در حالتی خاص، وی را مخاطب ساخته فرمود:

«اگر کسی مالک تمامی خزاین دنیا باشد و بگوید که همه این خزاین را بگیر و در عوض لا اله الا الله را که یکبار گفته ای بمن بده این فقیر بر آن راضی نخواهد شد».

شاید نا آگاهی این را دعوائی مبالغه آمیز بنپندارد لیکن حقیقت اینست که اگر الله تبارک و تعالی یقین صادق آن عظمت و قدر و قیمتی را که لا اله الا الله نزدش دارد به بنده ای عطا فرماید بنده چنان حالی خواهد یافت که به دادن بکار لا اله الا الله گفتن در بدل تلمی گنج های دنیا نیز هرگز راضی نخواهد شد.

### کلمه تمجید:

از حضرت سمره بن جندب رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «بهترین کلمات این چهار کلمه است: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**».

و از حضرت ابو هریره رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: «این کلمه نزد من محبوبتر از سراسر جهانیست که آفتاب بر آن طلوع میکند: **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ**».

فی الحقیقت این کلمه، کلمه ایست بسیار جامع و جمله ثنا و ستایش الله ﷻ در آن شامل است. در بعضی از احادیث بعد از الله اکبر **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** نیز مروی است. یکی از بزرگان ما این کلمه را مختصراً چنین شرح میگرد که:

«**سُبْحَانَ اللَّهِ** از هر عیب و نقص و از هر چیزی که لایق شان او نیست پاک و مبراست. **وَالْحَمْدُ لِلَّهِ** و تمامی خوبیها و صفات کمال را داراست، لذا جمله حمد و ستایشها او راست. **وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** و چون شان او اینست که از هر صفت نامناسب پاک و تمام خوبیها و کمالات را داراست، پس همو معبود و مطلوب ماست.

**وَاللَّهُ أَكْبَرُ** ما فقط و فقط بندگان عاجز و ناچیز هموئیم و او بسیار بزرگ است. **لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** ما به هیچ صورتی توان ای بندگی او را نداریم و تا بارگاه بلند او قدرت رسانی را نداریم، مگر اینکه همو ما را (دستگیری کند).

### تسیحات فاطمه:

حدیث مشهور است که:

«حضرت فاطمه رضی الله عنهما تمامی کارهای خانه را خود انجام میداد حتی که خود آب میآورد و خود آرد آسیا میکرد باری وی از رسول الله صلی الله علیه و آله درخواست نمود تا خلامه ای به او عطا نماید آنحضرت صلی الله علیه و آله به او فرمودند که من ترا چیزی بهتر از خلام می آموزم و آن اینکه بعد از هر نماز و در وقت خواب ۳۳ بار **سُبْحَانَ اللَّهِ** ۳۳ بار **الْحَمْدُ لِلَّهِ** ۳۳ بار **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگو، این برایت بسیار بهتر از خلام است».

در حدیث دیگری فضیلت و خاصیت این کلمه به اینگونه بیان شده است:  
 «هر کسی که بعد از هر نماز، ۳۳ بار **سُبْحَانَ اللَّهِ**، ۳۳ بار **الْحَمْدُ لِلَّهِ** ۳۳ بار **اللَّهُ أَكْبَرُ** بگوید و در آخر **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ** را بخواند همه خطاهای او بخشوده میشود اگر چه به اندازه کف دریا باشد».

### **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ:**

از حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:  
 «هر شخصی که هر صبح و شام صد صد بار **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ** بخواند در روز قیامت هیچ کسی با ثوابی بیشتر از او نخواهد آمد جز آنکس که همین عمل را نموده باشد و یا بیشتر از او خوانده باشد».

در حدیثی دیگر از حضرت ابوهریره رضی الله عنه مرویست که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:  
 «دو کلمه است که بر زبان بسیار سبک اند و در میزان بسیار سنگین و نزد رحمان بسیار محبوبه **سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ** .

اگرچه کلمات زیادی برای ذکر الله از رسول الله صلی الله علیه و آله مروی است لیکن اگر بنده ای از بندگان خدا همین کلماتی را که در بالا نقل کردیم و یا بعضی آنها را وارد و معمول خود بگرداند برایش کافی خواهد بود



نکته دیگری را که بطور خاص بایست درباره ذکر ملحوظ داشت اینست که تا آنجا که به اجر و ثواب آخرت مربوط است ذکر هیچ قاعده و ضابطه ای خاص دارا نیست بلکه هر بنده خدا

هر کلمه از کلمات ذکر را که با اخلاص و نیت ثواب در هر وقتی و به هر مقلاری که بخواند انشاء الله مستحق اجر و ثواب کامل آن خواهد گشت، اما حضرات مشایخ بخاطر پیدا سازی کیفیت خاصی در دل مثلاً برای از دیداد محبت الله ﷻ یا جهت بوجود آوردن کیفیت حضور در دل یا به خاطر علاج مرض قلبی مخصوصی، طریقه های خاصی از ذکر را برای عده ای تجویز میکنند پابندی به آن طریقه و آن تعداد خاص که برای ایشان تجویز شده است بر آنها لازم و ضروری می باشد زیرا مقصودی که بخاطرش آن ذکر خاص تجویز شده است، تنها از همان طریق حاصل می آید. مثال واضح آن اینست که اگر شخصی بخواهد صرف برای حصول ثواب الحمد شریف یا سوره دیگری از قرآن را تلاوت کند هیچ فرقی ندارد که یکبار آن را صبح تلاوت کند و باری دیگر ظهر و دفعه ای وقت شام و به همین ترتیب سه چهار مرتبه شب هنگام، لیکن همان شخص اگر میخواهد این سوره را حفظ نیز کند بر او لازم است که در یک نشست ده ها بار بدون وقفه آن سوره را بخواند ورنه نمی تواند آن را حفظ کند فرق بین ذکر عامی که جهت کسب ثواب میکنند و ذکر خاصی که حضرات مشایخ بطور معالجه و تدبیر، تجویز می نمایند فقط همین است. بسیار کسان بسبب ندانستن این تفاوت اقسام ذکر، در اشکالات علمی و فقهی می افتند بنابراین مختصراً چند کلمه ای در اینجا عرض کردیم.

## تلاوت قرآن پاک<sup>(۱)</sup>

(۱) بعضی از تحصیل کردگان فنون امروزی می پندارند و با شدت این پندار خویش را اشاعت میکنند که تلاوت قرآن شریف بدون دانستن مفهوم و معنای آن کاری بیهوده است. این بیچارگان شاید گمان دارند قرآن مجید نیز کتابی مانند سایر کتب قانون یا اخلاق است و به همان گونه که مطالعه کتابی از کتب قانون یا اخلاق بدون فهم معنای آن کار بست بیفایده و لایعنی، بهمان صورت تلاوت کسانی که قرآن را بدون دانستن معنای آن میخوانند فطیست عبث و بی سود حالانکه خصوصیت قرآن مجید اینست که قرآن کتاب خلاصت بنابرین تلاوت تنهای آن همراه با لحاظ ادب و عظمت آن، عملی است که محبت و عبدیت بنده را با الله ﷻ ظاهر میسازد و لهنذا عبادتی است مستقل و جداگانه. ←



تلاوت قرآن مجید نیز ذکر الله است بلکه اعلیٰ ترین ذکر است. در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«فضیلت کلام الله بر سایر کلام ها مانند فضیلت خداست بر مخلوقاتش».

در حدیث دیگری که از حضرت عبدالله بن مسعود رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مرویست وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر کسی که یک حرف از کتاب خدا را بخواند یک نیکی می یابد و اجر آن نیکی برابر با ده نیکی است. سپس فرمودند من نمیگویم که «آلم» یک حرف است نه بلکه الف آن یک حرف است و لام آن حرف دیگر و میم آن حرف دیگر».

در حدیثی دیگر که از حضرت ابو امامه رَضِيَ اللهُ عَنْهُ روایت است وارد است که رسول الله ﷺ مردم را مخاطب ساخته فرمودند:

«ای مردم! قرآن بخوانید که قرآن در روز قیامت از اهل قرآن شفاعت خواهد کرد».

## اموری چند درباره ذکر:



آن بندگان خدا که از کثرت و ملوحت ذکر، ذکر در اعماق دل‌های ایشان جا گرفته و چون

اگر هدف از تلاوت قرآن فقط دانستن معنای آن میبود پس حکم نمی شد که در هر نماز چهار مرتبه سوره فاتحه را بخوانید زیرا برای فهم معانی و مطالب آن یکبار تلاوت کافی میبود کسانی این چنین اغلاط را مرتکب میشوند که خلوند بزرگ را نیز مانند فرمانروائی از فرمان روایان دنیا می پندارند و از شان محبوبیت و معبودیت او ﷺ ناآشنا اند یا به عبارتی دیگر اینها کسانی اند که خلوند را فقط عقلاً شناخته و به او ایمان آورده اند و هنوز ایمان قلبی در آنها موجود نیست. از سوی دیگر این امر را نیز بایست ملحوظ نظر داشت که مقصد اصلی قرآن - یعنی هدایت و نصیحت گیری - موقوف بر درک و فهم قرآن است. بنابراین فهمیدن قرآن و با تدبیر و تفکر تلاوت آن از عالیترین درجات سعادت و مقامی بس بلند است. نقطه اعتدال و قول حق در مسئله هنا همین است که گفتیم وَلَا كِرْهًا كَثْرًا لِّتَلَّوْنَ لَا تَعْلَمُونَ مولف

طبیعت ثانیة ایشان گشته و جزء زندگی آنان گردیده است به پابندی و اهتمام خاصی برای ذکر ضرورتی ندارند اما عوام الناسی چون ما اگر میخواهند توسط ذکر، ربط و تعلق خویش را با الله ﷻ از دیاد دهند و برکت و ثمرات ذکر را بدست آورند برای ایشان لازم است که موافق احوال خود تعدد و وقت آن را مقرر کنند و بهتر اینست که در انتخاب کلمات ذکر از صاحب ذکری مشوره بگیرند یا اینکه هر یک از کلمات مذکوره بالا را که بیشتر مناسب طبع خود می باشد برای ذکر مقرر کنند به همینگونه برای تلاوت قرآن شریف نیز وقتی را مقرر بگردانند



ذاکربن یعنی ذکر کنندگان تا جائیکه ممکن است در هنگام ذکر به معنای کلمه ای که آن را ذکر میکنند نیز توجه داشته باشند و با شعور به عظمت و محبت الله ﷻ او را ذکر کنند و یقین داشته باشند که الله ﷻ نزد من و با من است و هر حرف مرا می شنود



وضو شرط ذکر نیست بنابرین میتوان در حالت بی وضو نیز ذکر کرد انشاء الله ثواب موعود آن تماماً بدست خواهد آمد لیکن تاثیر و نورانیت ذکر در حالت با وضو بسیار اضافه میشود



در بالا گفته شد که کلمه تمجید یعنی **سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ** کلمه ای بسیار جامع است. اگر کسی آن را ورد و معمول خود بسازد برایش کافی و شافی خواهد بود و اکثر بزرگان را دیده ام که بالعموم این کلمه و همراه آن استغفار و درود شریف را جهت ورد تجویز میکنند (استغفار و درود بعد از درس هژدهم خواهند آمد)

الله تبارک و تعالی جمله ما را توفیق دهد که قلوب ما از ذکر او آباد و زبانهای ما شاداب و انوار و آثار و برکت و ثمرات آن نصیب ما گردد

## ﴿ درس هزدهم ﴾

## دعاء



چون یقینی و مسلّم است که این نظام جهان به حکم الله ﷻ در گردش است و همه چیز در قبضه و قدرت لوسته پس دعا کردن به او در هر ضرورت و حاجت خُرد و بزرگ، امری کاملاً فطریست و بر همین مبنی پیروان هر یک از ادیان در حاجات خود بخلوند بزرگ دعا می نمایند لیکن در اسلام تعلیم و تأکیدی خاص بر دعا خواستن گردیده است. قرآن شریف در آیتی میفرماید:

**وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۗ .سورة غافر: ۶۰**

«پروردگار شما فرمود که از من دعا بخواهید آن را قبول خواهم کرد».

و در جای دیگری میفرماید:

**قُلْ مَا يَدْعُوا بِهِمْ رَبِّيَ لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ۗ .سورة فرقان: ۱۷**

«بگو پروردگار من چه پرواه تان را دارد اگر دعای تان نباشد».

و همچنین در کنار حکم به دعاء، قرآن مجید اطمینان داده است که الله ﷻ به بندگان خود

بسیار قریب است و دعای آنها را می شنود و می پذیرد:

**وَإِنَّا سَأَلْنَا عَبْدِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ ۗ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۗ**

«وای پیغامبر هنگامیکه بندگان من از تو درباره من بپرسند بگو که من به آنها نزدیکم چون

دعا کننده ای از من دعا بخواهد دعایش را اجابت میکنم».

و رسول الله ﷺ نیز بما بیان فرموده که ضرورتها و نیازهای خویش را از الله ﷻ بخواهید

و دعا خواستن درجه اعلاّی عبادت است بلکه روح و مغز آن است. چنانچه در حدیث وارد است که:

«دعا عبادت است».

و در روایتی دیگر وارد است که:

«دعا مغز عبادت است.»

در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هیچ چیزی نزد الله تبارک و تعالی بلندتر از دعا نیست.»

و بهمین جهت خلوند علیه السلام بر آنکس که ضروریات و حاجات خود را از او نمی طلبد

خشمگین میشود چنانچه در حدیثی وارد است که:

«الله تبارک و تعالی بر آن بنده ای که حاجات خود و ضروریات خود را از او نمی طلبد

خشمگین میگردد.»

سبحان الله!

اگر کسی در دنیا در ضروریات و حاجات خود به دوستی صمیمی یا خویشاوندی بسیار

نزدیک و عزیز، چند بار پیاپی رجوع کند سرانجام وی به تنگ آمده ناراحت میشود لیکن الله جل جلاله

آقصر بر بندگان خود مهربان است که از نخواستن و طلب نکردن آنها ناراض و خشمگین میگردد.

در حدیثی وارد است که:

«هر کسی که دروازه دعا برایش گشوده شد (یعنی هر کسی که توفیق دعا یافت و طرز

واقعی دعا خواستن را حاصل کرد) درهای رحمت برایش گشوده گشت.»

به هر حال دعا خواستن در ضرورت یا مقصدی از الله جل جلاله همانگونه که تدبیری برای

حصول آن است، همچنین درجه ای بسیار بلند از عبادت است که خلوند بغایت از آن خرسند و

راضی میگردد و درهای رحمت خود را به سبب آن میگشاید.

هر دعائی همین خصوصیت را داراست، چه برای مقصدی دینی باشد و چه برای ضرورتی

دنیائی، اما شرط اینست که بخاطر کار بد و ناجایزی خواسته نشود دعا خواستن برای کار ناجایز، خود

ناجایز و گناه است.

در اینجا باید نکته ای را یاد سپرد و آن اینکه انسان بهر اندازه ای که از اعماق دل و بهر قدری که

به عاجزی و حقارت و ناتوانی خود و قدرت و رحمت الله جل جلاله یقین داشته دعا بطلبد، بهمان اندازه

بیش از پیش قبولیت آن امید میرود هر دعائی که نه از دل بلکه بطور رواج و عادت خواسته شود

که شخص چند کلمه ای را از زبان بیرون کند در حقیقت دعا نیست.

در حدیث شریف وارد است که:

«الله تبارک و تعالی آن دعائی را قبول نمیکند که از دل غافل برآید».

اگرچه الله ﷻ دعای خواسته شده در هر وقت و هر زمان و هر حال را اجابت میفرماید لیکن از احادیث شریف معلوم میشود که دعا در بعضی اوقات مخصوص بیشتر و زودتر قبول می‌گردد مثلاً **دعای بعد از نمازهای فرض و دعای آخرین حصه شب** یا وقت افطار روزه یا دعای حالت سفر خصوصاً آنگاه که سفر برای دین و بخاطر رضای الله ﷻ باشد

این را نیز بیاد باید سپرد که در قبولیت دعاء ولی بودن یا متقی بودن انسان شرط نیست بلکه دعای هر کسی چه متقی و پرهیزگار و چه خطاکار و گناهکار قابل قبول است. اگرچه شکی هم نیست که دعای بندگان نیک و مقبول خدا بیشتر به اجابت میرسد لیکن این طور هم نیست که دعای عوام الناس و گناهکاران اصلاً شنیده نشود بنابرین هیچ کسی با این گمان که «دعای ما گنجهکاران کجا قبول میشود» نباید دعا خواستن را رها کند خلوند رحیم و کریم آنگونه که بندگان گناهکار خود را رزق و روزی میدهند همانگونه دعاهاى ایشان را نیز میشوند بنابرین همگی باید به الله ﷻ دعا کنند و همچنین هم اکنون گفتیم که دعا خود عبادتی جداگانه است، لذا دعا کننده در هر حال ثواب خود را بدست می‌آورد

و اگر با وجود چند بار بیابی دعا خواستن، مقصود حاصل نیاید باز هم مایوسانه و با ناامیدی نباید دعا را ترک گفت. الله ﷻ پابند خواسته ما نیست. گاهگاهی حکمت او متقاضی است که دعا را دیر قبول کند و خیر بنده نیز در همان است لیکن بنده به سبب نادانی خود از آن آگاه نیست، بنابرین عجله میکند و مایوس گردیده دعا خواستن را ترک میگوید.

الغرض بنده بایست در ضروریات و حاجات و مقاصد خود از الله ﷻ دعا خواسته برود نه معلوم خلوند بزرگ چه روزی و چه ساعتی آن را اجابت فرماید

رسول الله ﷺ درباره دعا ارشاد دیگری نیز بیان فرموده اند که:

«دعا هرگز ضایع نمیشود گاهی بنده همان چیزی را که برایش دعا کرده است مییابد و گاهی الله ﷻ اعطای آن را به مصلحت و خیر بنده نمی بیند بنابرین بنده آن چیز را به دست نمی‌آورد لیکن بجای آن نعمتی دیگر به او عطا میکند و یا بلا یا مصیبتی را که قرار است بر او نازل شود از او دور میگرداند و یا آن دعا را کفاره گناهان آن بنده میسازد (ولی چون بنده از این راز آگاه نیست

می‌پندارد که دعایش بهتر رفت) و گاهی الله ﷻ آن دعا را ذخیرهٔ آخرت بنده میسازد یعنی خلوند چیزی را که بنده به خاطرش دعا کرده است، در این دنیا به او نمیدهد بلکه در عوض ثوابی بسیار بزرگ در آخرت برایش می‌نویسد.

در حدیثی وارد است که:

«بعضیها که بسیاری از دعاهايشان در دنیا قبول نگردیده بود، چون به آخرت رسیده ذخیرهٔ ثواب و نعماتی را که در عوض آنها یافته‌اند می‌بینند با حسرت می‌گویند که ای کاش که هیچ دعای ما در دنیا قبول نمی‌شد تا ثواب همهٔ آنها را در اینجا بدست می‌آوردیم».

بهرحال هر بنده ای که به الله تبارک و تعالی ایمان دارد باید با یقین کامل به قدرت و کرم او و با امید و اعتماد تام به اجابت، در هر حاجت و ضرورت خود دست دعا بسوی الله تبارک و تعالی بگشاید و کاملاً یقین داشته باشد که دعایش هرگز ضایع نخواهد گشت.

دیگر اینکه تا جائیکه در امکان است باید با الفاظی دعا کرد که عاجزی و بیچارگی خود و عظمت و کبریائی الله تبارک و تعالی از آن ظاهر شود در قرآن شریف دعاهاى زیادی برای ما بیان شده است و علاوه بر قرآن، در احادیث رسول الله ﷺ نیز دعاهاى بسیاری وارد است. بهترین دعاها همین دعاهاى قرآن و حدیث اند از میان آنها چهل دعای مختصر و جامع نیز در آخر این کتاب درج خواهند شد.

## ﴿ درس نهم ﴾

## درد شریف



درد شریف نیز در اصل دعائیست که ما در حق رسول الله ﷺ از الله تبارک و تعالی می خواهیم. واقعیت اینست که بعد از الله متعال، رسول الله ﷺ بر ما بزرگترین احسان را نموده است. آنحضرت ﷺ سخت ترین مصایب را تحمل کرده هدایت خلوندی را بما بندگان خدا رسانید اگر آنحضرت ﷺ این تکالیف را نمی کشیدند نور دین به ما نمی رسید و ما در تاریکی های کفر و شرک افتاده می بوده بعد از مرگ برای ابد الابد به نوزخ میرفتیم.

الغرض چونکه بزرگترین نعمت این جهان، دولت دین و ایمان است و ما آن را به طفیل رسول خدا ﷺ بدست آورده ایم لهذا آنحضرت ﷺ بعد از الله ﷻ بزرگترین احسان را بر ما دارد ما قادر به مکافات این احسان آنحضرت ﷺ نیستیم. حد اکثر کاری که میتوانیم اینست که از الله ﷻ برای آنحضرت دعا بخواهیم و به اینگونه احسانمندی و شکرگزاری خویش را ثابت سازیم. شایان ترین دعا به شأن آنحضرت از جانب ما همین است که «خلوند بزرگوار، آنحضرت را به رحمت و برکات خاصه خود بنوازد و درجات وی را بلند و بلندتر بگرداند».

اینگونه دعا را «درد» میگویند

در قرآن شریف به صراحت تمام و صورتی بدیع بما حکم داده شده است که:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿۵۶﴾

سوره احزاب آیه ۵۶

«بی شک الله و فرشتگان او بر پیغمبر رحمت میفرستند ای مسلمانان شما نیز بر او درود

بفرستید و سلام عرض نمائید».

در این آیت نخست بیان رفته است که الله ﷻ بذات خود پیغامبر خود را اعزاز و اکرام می فرماید و بر او رحمت و شفقت مینماید و فرشتگان خدا نیز آنحضرت ﷺ را تعظیم و تکریم میکنند و از الله متعال برای آنحضرت رحمت می طلبند بعد از آن بما اهل ایمان فرمان داده شده است که شما نیز برای آنحضرت ﷺ نزول رحمت های خلوندی را استدعا کنید و بر وی سلام بفرستید گویا قبل از حکم دادن، برایمان واضح گردانیده شده که آنچه که شما فرمان الای آنرا می یابید نزد الله ﷻ بسیار پسندیده و محبوب و نیز مشغله خاص فرشتگان است. بعد از دانستن این نکته کدام مسلمان خواهد بود که درود شریف را وظیفه خود نگرداند

احادیث بسیاری در فضایل درود شریف وارد است که سه چار حدیث در اینجا نیز درج خواهند گشت. در حدیثی بسیار مشهور از رسول الله ﷺ وارد است که آنحضرت فرمودند:

«هر کسی که یکبار بر من نورد بفرستد الله ﷻ ده بار بر او رحمت نازل میفرماید».

در روایتی دیگر این عبارت هم وارد است که:

«و ده خطایش معاف میشود و ده درجه اش بلند میگردد».

در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«بسیاری از فرشتگان خدا هستند که وظیفه شان اینست که روی زمین میگردند و درود و سلام هر یک از امتیام را که بر من میفرستد بمن میرسانند».

**سبحان الله!**

چه سعادت بزرگی که درود و سلام ما توسط فرشتگان به آن حضرت ﷺ میرسد و به این بهانه ذکر مان آنجا میرود

بلبل همین که قافیه گل شود بس است

در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«نزدیکترین کس به من در روز قیامت شخصی خواهد بود که بیشتر از همه بر من نورد بفرستد».

در حدیث دیگری وارد است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«بسیار بخیل است آنکس که نزد او ذکر شوم و او بر من درود نفرستد».

در حدیثی دیگر وارد است که:



«بینی اش خاک آلود باد (یعنی ذلیل و خوار باد) آنکس که نزدش ذکر شوم و او بر من درود نفرستد».

بهر حال درود و سلام فرستادن بر رسول الله ﷺ حق نهایت عظیم آنحضرت ﷺ بر ما و اعلیٰ ترین درجه سعادت و نیک بختی ما و ذریعه حصول رحمت و برکات بیشمار در دنیا و آخرت برای ماست.

### الفاظ درود:

بعضی از صحابه کرام رضی الله عنهم از آنحضرت ﷺ پرسیده بودند که چگونه بر شما درود فرستیم. آنحضرت ﷺ «درود ابراهیمی» را که در نماز نیز خوانده میشود و سابقاً در درس دوم این کتاب ضمن بیان نماز گذشته به ایشان آموختاند. رسول الله ﷺ درود شریف دیگری را نیز که تقریباً مانند درود ابراهیمی و مختصرتر از آنست تعلیم فرموده اند. الفاظ حدیث حسب ذیل است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَأَزْوَاجِهِ الْأَمْهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَكُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ. إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

«ای خلوند من! بر پیغامبر امی حضرت محمد ﷺ و امهات المومنین ازواج مطهرات وی و بر اولاد وی و بر اهل خانه وی رحمت نازل فرما چنانکه بر حضرت ابراهیم عليه السلام رحمت نازل فرمودی. بیشک تو لایق حمد و سزاوار بزرگی میباشی».

پس ما هر گاهی که اسم مبارک آنحضرت ﷺ را بگیریم و آنحضرت ﷺ را ذکر کنیم یا ذکر آنحضرت ﷺ را از دیگری بشنویم، ضروری و لازم است که درود شریف بخوانیم و در چنین مواقع **صَلِّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَسَلِّمْ يَا عَلِيَّهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ** گفتن کافی است.

### درود شریف بطور معمول و وظیفه:

بعضی از بندگان صاحب ذوق و همت روزانه خواندن چندین هزار مرتبه درود شریف را معمول خویش ساخته اند ولی کم همتانی مانند ما اگر هر صبح و شام مودبانه و با محبت فقط صد

صد بار درود بخوانند انشاء الله آن اندازه ثواب و برکات خواهند یافت و آنقدر شفقات آنحضرت ﷺ شامل حال ایشان خواهد گشت که نمی توان در دنیا آن را قیاس کرد



برادرانی که میخواهند درود مختصری را بخوانند این درود مختصر و کوتاه را یاد کنند.

**اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ.**

خداوندا، بر نبی امی ات حضرت محمد و بر اهل خانۀ او رحمت نازل بفرما.

## ﴿ درس بیستم ﴾

## توبه و استغفار



الله تبارک و تعالی انبیاء و رسولان خود را به آن سبب مبعوث نموده و کسب خود را به آن جهت نازل فرموده است تا بندگان از امور خوب و بد و گناه و ثواب خویش آگاه شوند و از اعمال بد و افعال گناه آلود اجتناب کنند و راه نیکی و ثواب را اختیار نموده رضای الهی و نجات آخری در زندگی بعد از مرگ را بدست بیاورند.

پس آن کسانی که به انبیاء و رسولان خداوند و کتابهای نازل کرده وی باور ندارند و ایمان نیاورند گویا زندگی ایشان زندگی ایست سراسر در بغاوت و نافرمانی و بی تعلق به هدایت الهی، بنابراین آنها تا زمانیکه بر انبیاء و رسولان خدا و کتابهای نازل کرده وی و خصوصاً بر آخرین پیغمبران حضرت محمد ﷺ و آخرین کتاب الهی قرآن مجید ایمان نیاورند و هدایت آن را قبول نمایند هرگز نمیتوانند رضای الله ﷻ و نجات در زندگی پس از مرگ را بدست آورند زیرا انکار از الله ﷻ و انبیاء و کتابهای خدا جرمی نیست که قابل عفو باشد هر یک از پیغمبران خدا در عصر و زمان خود صراحتاً این امر را اعلان کرده است. بهر حال برای اهل کفر و شرک ضروریست که نخست از همه از شرک و کفر توبه کنند و ایمان و توحید را اصول خویش بسازند غیر از این نجات ممکن نیست.

لیکن آنانی که بر انبیاء و رسولان ایمان می آورند و بر قبول و تعمیل هدایت ایشان اقرار و عزم می نمایند گاهی بسبب فریب شیطان یا خواهشات بد نفسانی دست به گناه می آیند و مرتکب گناه میشوند. الله تبارک و تعالی برای همه اینگونه گناهکاران دروازه توبه و استغفار را باز گذاشته است.

معنای توبه و استغفار اینست که چون از بنده نافرمانی و گناهی سر بزند وی از آن پشیمان و شرمند شود و اراده کند که در آینده هیچگاه آن گناه را مرتکب نخواهد شد و از الله تبارک و تعالی معافی بخواند قرآن و حدیث بیان میکنند که الله ﷻ فقط از همین قدر فعل بنده از وی راضی میگردد و گناهی را عفو می نماید.

بیاد باید سپرد که توبه تنها الفاظ و کلمات خشک و بیروح زبانی نیست بلکه ضروری است که بنده از ته قلب بر آن گناه ندامت و پشیمانی و رنج و افسوس نماید و لازم است که از عمق دل اراده کند که در آینده هرگز مرتکب آن گناه نخواهد شد.

مثال توبهٔ گناهکار کاملاً مثال انسانی است که در حالت خشم و غم به ارادهٔ خودکشی زهر بخورد و هنگامی که روده و معدنش از اثر زهر گویا پاره پاره شود و درد سخت شدید گردد وی بر این اشتباه خود پشیمان گشته افسوس بخورد و به دنبال معالجه و تلاوی خود بیفتد و هر دوئی که طیب و داکتر تجویز کند استعمال نماید در آن وقت عزم و فیصلهٔ قطعی او همین خواهد بود که اگر زنده ماندم، در آینده هرگز چنین حماقتی را مرتکب نخواهم شد.

بس، کیفیت قلب کسی که از گناه توبه میکند نیز باید اینگونه باشد. یعنی او خشم الله ﷻ و عذاب آخرت را بیاد آورده بر گناه خود سخت پشیمانی و افسوس نماید و فیصلهٔ قطعی دل وی در آن وقت این باشد که هرگز و هرگز در آینده مرتکب چنین کاری نخواهم شد و از آنچه کرده است از الله بزرگ مغفرت و بخشش بطلبد.

آنچه که در بالا گفته شد اگر الله ﷻ حتی به اندازه ای هم آن را نصیب کسی بگرداند پس به یقین باید بداند که اثر گناه بطور کامل از او محو شده و در رحمت خلوندی به رویش باز گردیده است. گناهکار بعد از این چنین توبه از اثر گناه کاملاً پاکیزه و صاف میشود بلکه بیش از پیش محبوب الله ﷻ میگردد و بعضی اوقات بنده پس از ارتکاب گناه توسط توبهٔ مخلصانه و صادقانه به آن درجاتی میرسد که وصول به آنها بعد از ده ها سال عبادت نیز مشکل است.

آنچه که تا اینجا ذکر شد تماماً مضمون و مفهوم آیات و احادیث شریف بود اکنون چند آیات و احادیث دربارهٔ توبه و استغفار را نیز در اینجا درج میکنیم در سورهٔ تحریم فرموده شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبَةٌ إِلَى اللَّهِ تَوْبَةٌ نُّصُوحًا ۚ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَكْفِرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ

يَدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. آیه ۸

«ای مسلمانان، توبه کنید به الله، توبه راستین، امید است که پروردگار شما (بعد از این توبه) گناهان شما را از بین ببرد و شما را به آن باغ های بهشت داخل سازد که از زیر آنها جویها روان است».

و در سوره مائده دربارهٔ بندگان گناهکار و خطاکار فرموده شده است:

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۷۴﴾ آیه ۷۴

«آنها چرا به الله توبه نمی کنند و از او بخشش نمی خواهند الله بسیار بخشنده و بسیار مهربان است».

و در سوره انعام چگونه رحیمانه فرموده شده است:

وَإِنَّا جَاءْنَاكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا كَمَا سَلِّمْتُمْ عَلَيْنَا لَعَلَّكُمْ تَهْتَكُونَ ﴿۵۴﴾ آیه ۵۴

«و ای پیغمبر چون آن بندگان ما که به آیات ما ایمان دارند نزد تو بیایند پس به ایشان بگو که سلام بر شما، پروردگار شما رحمت را بر خود لازم ساخته است. هر کسی از شما به نادانی گناهی بکند و سپس بعد از آن توبه نماید و کردار خود را درست بگرداند پس الله بسیار بخشنده و بسیار مهربان است».

رحمت خلوند بزرگوار چه واسع است. با گشودن باب توبه، معامله گناهکارانی چون ما را آسان گردانیده است. ورنه ما کجا و فلاح و نجات کجا.

بعد از آیات مذکوره اینک چند احادیث رسول الله ﷺ را نیز بخوانید در یکی از عبارات حدیث قدسی طویل مسلم شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند که:

«الله ﷻ میفرماید که ای بندگان من، شما شبانه روز گناه میکیند و من میتوانم همه گناهان را ببخشم. پس از من بخشش و مغفرت بخواهید من شما را خواهم بخشید».

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«الله ﷻ هر شب دست رحمت و مغفرت خود را به پیش می آورد تا گناه کنندگان در روز توبه کنند و هر روز دست رحمت و مغفرت خود را پیش می آورد تا گناه کنندگان در شب توبه

نمایند و این عمل خلوند تا آن زمان ادامه دارد که در قیامت آفتاب از مغرب طلوع کند».

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«یکی از بندگان خدا گناهی مرتکب شد آنگاه به الله ﷻ عرض نمود که پروردگارا، گناه کردم آن را ببخش، الله ﷻ فرمود: بنده من میباید که او خلوندی دارد که بخواهد گناهان را مواخذه میکند و بخواهد می بخشاید، من گناه بنده خود را بخشیدم. آنگاه تا زمانی که خدا خواست بنده از ارتکاب گناه دست کشید و سپس بنده باز در هنگامی دیگر گناه کرد و باز به الله ﷻ عرض نمود که خداوندا گناه کردم آن را ببخش، الله ﷻ باز فرمود: بنده من میباید که خلوندی دارد که میتواند گناهان را مواخذه کند و هم میتواند آن را ببخشد من بنده خود را بخشیدم و باز تا وقتی که خلوند خواسته بنده از ارتکاب گناه باز ایستاد و سپس گناهی دیگر را مرتکب شد و باز به الله ﷻ عرض نمود، ای پروردگارا باز گناه کردم مرا ببخش، الله ﷻ باز فرمود که بنده من به یقین میباید که خلوندی دارد که هم قادر است گناهان را مواخذه کند و هم آنها را ببخشد من بنده خود را بخشیدم، هر چه میخواهد کند بکند».

و در حدیثی دیگر وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«توبه کننده از گناه مانند کسی است که اصلاً گناه نکرده است».

در این احادیث شأن مغفرت و بخشایش الله تبارک و تعالی بیان شده است. با شنیدن این چنین احادیث دلیر شدن بر ارتکاب گناه یعنی اعتماد بر توبه و مغفرت و افزون بر گناهان، کار مومن نیست بلکه می باید که توسط این آیات و احادیث محبت و دلبستگی با الله ﷻ را از یاد داد و بایست درس گرفت که نافرمانی چنین مالک و آقای رحیم و کریم، سخت پستی و دون مایگی است. اندکی بیندیشید اگر آقائی بر نوکرش بسیار شفقت و مهربانی کند پس آیا آن نوکر باید دلیرتر گردیده بیشتر و زیادتر از او نافرمانی کند؟

در اصل مقصد این آیات و احادیث شریف اینست که اگر از بنده مومن گناهی سر بزنه او از رحمت الله متعال مایوس نشود بلکه داغ آن گناه را توسط توبه از دامن خود بشوید و از خلوند بزرگ بخشایش بخواهد الله تبارک و تعالی بفضل خود وی را خواهد بخشید و بجای خشم و ناخرسندی، بیش از پیش از او راضی خواهد گردید.

در حدیثی وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«چون بنده بعد از گناه بسوی الله ﷻ رجوع نموده از صلح دل توبه میکند الله ﷻ از توبه وی بیشتر از آن کسی خرسند و مسرور میگردد که مرکبش همراه با آب و آذوقه اش در بیابانی بی آب و علف از نرزدش میگریزد و او مایوس از یافتن مرکب زیر سایه درختی در انتظار مرگ دراز میکند و آنگاه ناگهان بنگردد که مرکب وی با تمامی زاد و توشه اش آنجا ایستاده است و او آن را بگیرد و از غایت خوشی و مسرت از زبانش بیرون شود که یا الله بس تو بنده من و من خدای تو هستم»<sup>(۱)</sup>

آنحضرت ﷺ فرمودند:

«آن اندازه که این شخص از باز یافتن مرکب خود شادمان می شود، الله تبارک و تعالی بسیار بیشتر از او از توبه بندگان خود خرسند میگردد».

هر کسی که پس از دانستن این آیات و احادیث نیز رضا و رحمت الله متعال را با توبه کردن از گناهان بدست نیابد به یقین که بسیار محروم و بدبخت است. بسیار کسان به این گمان در توبه عجله و شتاب نمی کنند که ما حالا سالم و تندرست هستیم و هنوز وقت زیاد است، بالاخره زمانی پیش از مردن توبه خواهیم کرد  
برادران!

این مکر بسیار بزرگ دشمن ما و شما شیطان است. او همانگونه که خود از رحمت خداوند دور و جهنمی گردیده است، میخواهد ما را نیز همراه خود به نوزخ ببرد. بنابراین عقل و خردمندی همین است که به محض اینکه گناهی سرزد فوراً توبه بایست کرد در سوره نساء در قرآن شریف صریحاً فرموده شده است:

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٥٠﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْنَ وَالَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٥١﴾  
«الله توبه آنکسانی را قبول میفرماید که به نادانی گناه میکنند سپس زود توبه می خواهند. الله

(۱) یعنی آن بنده آنقدر شاد و مسرور شود که زبانش از فرط خوشی و مسرت خطا کند و آنچه میخواهد بگوید برعکس از زبانش خارج شود موفف

توبهٔ ایشان را می پذیرد و ایشان را می بخشاید و الله دانا و حکیم است. و توبهٔ آن کسانی مقبول نیست که پبایی گناه میکنند حتی که چون مرگ یکی از آنها فرا میرسد میگویند که اکنون توبه میکنم؛ (توبهٔ این کسان هرگز قابل قبول نیست) و نه توبهٔ آن کسانی قبول میشود که در حالت کفر می میرند ما برای اینها عذاب دردناک را فراهم ساخته ایم».

پس آن چند نفسی را که باقیست باید غنیمت شمرد و نایست در توبه و در اصلاح حالت خود هیچ تاخیر کرد نه معلوم که مرگ چه وقت فرا برسد و آیا در آن هنگام توفیق توبه خواهیم یافت یا نه.

برادران!

ما و شما در طول عمر خود صدها تن را دیده ایم که مرده اند و تجربهٔ اغلب ما اینست که هر کسی در هر حالی که زندگی میکند در همان حال میمیرد یعنی اینطور نیست که شخصی سراسر عمر از خدا غافل بوده و نافرمانی او را کند لیکن یکی دو روز قبل از مرگ یکباره توبه نموده ولی شود بنا برین هر کسی که میخواهد در حالت نیک بمیرد بر او لازم است که در زندگی نیک و صالح گردد از فضل و کرم الله تبارک و تعالی امید است که حتماً خاتمهٔ وی نیک خواهد بود و در قیامت همراه با نیکان و صالحان حشر خواهد شد

### نکته ای ضروری در مورد توبه:

اگر بنده از گناهی توبه نماید و سپس باز مرتکب آن شود پس هرگز از رحمت الله بزرگ نا امید نشود بلکه دوباره توبه کند و اگر باز هم توبه اش بشکند باز توبه کند اگر چه به این ترتیب توبه اش صدها و هزارها بار هم بشکند باز هم نا امید نگردد این وعدهٔ الله تبارک و تعالی است که هر وقتی که بنده از صدق دل توبه کند او توبه اش را قبول می نماید و وی را عفو میفرماید رحمت خدا و بهشت بسیار بزرگ است.

### کلمات توبه و استغفار:

از همان حقیقت توبه و استغفار که در بالا ذکر شد شاید دانسته باشید که بنده در هر زیبایی و در هر الفاظی که به الله ﷻ توبه کند و مغفرت بخواند الله تبارک و تعالی آن را می شنود و قبول



میفرماید لیکن رسول الله ﷺ بعضی کلمات خاص توبه و استغفار را به صحابه کرام تعلیم داده اند و آنحضرت ﷺ خود نیز آنها را میخواندند و در این شکی نیست که آن کلمات سخت با برکت و بسیار مقبول و بغایت محبوب خلوند بزرگ است. چند کلمه از میان آنها را ما نیز در اینجا می آوریم. آن را حفظ کنید و توسط آن توبه و استغفار نمائید



### أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَلِيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ.

«از آن خلوندی بخشایش و مغفرت میخواهم که جز او خدائی نیست. زنده و قیوم است و به او توبه میکنم».

در حدیث شریف وارد است که:

«هر کسی که با این کلمه توبه و استغفار بخواند الله ﷻ گناه وی را می بخشد اگرچه او مرتکب گناه فرار از میدان جهاد شده باشد که نزد الله گناهی سخت عظیم است».

در حدیثی دیگری وارد است:

«هر کسی که شب هنگام در وقت خوابیدن سه بار توسط این کلمه از الله ﷻ توبه و استغفار بخواند الله ﷻ تمامی گناهان او را می بخشد اگرچه برابر کف دریا باشد».



آنحضرت ﷺ گاهی صرف **أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ** یعنی من از خلوند بخشایش میطلبم می خواندند این استغفاری بسیار مختصر است و خوب است عادت کرد که همیشه و هر وقت بر زبان جاری باشد



### سید الاستغفار:

در حدیث شریف وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند که سید الاستغفار اینست:

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَعِيدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوؤُكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ أَبُوؤُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ أَبُوؤُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ

«یا الهی تو پروردگار منی، جز تو خلوندی نیست تو مرا آفریده ای و من بنده تو ام، و تا آنجا

که در توانم است، بر عهد و وعده تو ایستاده‌ام، از شر هر چه کرده‌ام، بتو پناه می‌برم، به نعمات تو بر خود اقرار دارم و بر گناه خود اعتراف مینمایم، پس مرا ببخش که جز تو کسی بخشاینده گناهان نیست».

آنحضرت ﷺ فرموده اند:

«هر بنده ای که با اخلاص و یقین قلب توسط این کلمه در روز از الله تبارک و تعالی استغفار بخواند و همان روز قبل از شروع شب بمیرد به بهشت خواهد رفت، و هر بنده ای که با اخلاص و یقین قلب توسط این کلمه در شب استغفار بخواند و همان شب قبل از طلوع صبح بمیرد به بهشت خواهد رفت».

در اینجا ما فقط سه کلمه استغفار را نقل کرده ایم، حفظ کردن آنها هیچ مشکلی ندارد در حدیث شریف وارد است که:

«بشارت باد کسی را که استغفار در اعمالنامه اش بسیار باشد».

در حدیث دیگری وارد است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«هر بنده ای که استغفار را لازم بگیرد (یعنی همیشه و در هر وقت از خلوند مغفرت گناهان خود را خواسته برود) الله تبارک و تعالی او را از هر مشکل و سختی نجات میدهد و هر فکر و پریشانی او را دور میسازد و او را (از خزانه غیب خود) چنان رزق عطا میفرماید که بنده گمان آنرا نیز ندارد».

## نصاب همگانی برای حصول

### رضای الهی و بهشت



آنچه در این کتاب کوچک طی بیست درس بیان گردیده است، عمل به آنها به خاطر حصول رضای الله تبارک و تعالی و کسب بهشت، انشاء الله کاملاً کافی است. در آخر مناسب به نظر می آید که لبُّ لباب و خلاصهٔ آنها در چند سطر بعرض برسد.

نخستین تعلیم اسلام و اولین شرط حصول رضای الهی و کسب بهشت اینست که انسان بر کلمهٔ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ» که در درس اول توضیح و تشریح شد ایمان بیاورد. نگاه بقدر ضرورت به دنبال دانستن و آموختن احکام دین بیفتد سپس بکوشد تا بر آن تعالیم اسلام و احکام خلوندی که دربارهٔ فرایض خدا و حقوق بندگان و آداب و اخلاق دینی است (و در درسهائی پیش به تفصیل گذشت) عمل نماید و از آنها فرمانبرداری کند و اگر کوتاهی و نافرمانی ای از او سرزنش از صدق دل توبه کند و از الله عَزَّوَجَلَّ مغفرت و بخشش بخواهد و برای آینده در اصلاح خود بکوشد و اگر بر کسی ظلمی نماید از او عفو بطلبد یا معاوضه و بدل آن را داده حساب خود را با او صاف بسازد به همینگونه سعی کند که محبت الله و رسول او و دین او بیشتر از هر چیز دنیا در دلش جا گیرد و در هر حالتی با پایمردی بر دین استوار و محکم ایستاده باشد. و در دعوت و خدمت دین حتماً بهره اندازد ای که در توانش است سهم بگیرد اینکار سعادت بسیار بزرگ و وارثت انبیاء علیهم السلام است و خاصاً مرتبهٔ آن در این زمانه از تمامی عبادات نفلی بلندتر و زیادتیر است، و از برکت آن ربط و تعلق خود شخص با دین و الله و رسولش افزون و افزونتر میگردد.

اگر توان دارد در میان نوافل، خود را به نماز تهجد عادت بدهد. برکات آن بی انتهایست. از

همه گناهان خصوصاً از گناهان کبیره چون زنه دزدی، درغگوئی، شراب خوری، خیانت و بد دیناتی در معاملات و غیره همیشه اجتناب کند

روزانه مقلاری ذکر نیز برای خود مقرر بسازد. اگر فرصت زیادی ندارد حد اقل صبح و شام صد صد بار «کلمه تمجید»<sup>(۱)</sup> را یا صد صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ بِحَمْدِهِ» و «استغفار»<sup>(۲)</sup> و «درود شریف» را بخواند.<sup>(۳)</sup>

مقلاری تلاوت قرآن شریف را نیز معمول خود بسازد و با لحاظ ادب و عظمت کامل، آن را تلاوت نماید بعد از هر نماز فرض و در هنگام خواب «تسبیحات فاطمه»<sup>(۴)</sup> را معمول خود بگرداند و کسانی که میخواهند بیشتر از این ذکر نمایند، به آن بندگان خدا رجوع کنند که اهل آن اند و آخرین سخن در این سلسله اینست که ارتباط داشتن و محبت نمودن با بندگان صالح خدا و صحبت ایشان در این راه چون کیمیا است. اگر این یک امر نصیب شود بقیه خود بخود پیدا میشوند. الله بزرگ توفیق عنایت فرماید

شو همدم پروانه تا سوختن آموزی  
با سوختگان بنشین شاید که تو هم سوزی

(۱) یعنی سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ.

(۲) اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ يَا فَطْمَةُ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

(۳) درود ابراهیمی یا درود مختصر: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَآلِهِ.

(۴) ۳۳ بار سُبْحَانَ اللَّهِ، ۳۳ بار اَلْحَمْدُ لِلَّهِ، ۳۴ بار اَللَّهُ اَكْبَرُ گفتن.

## چهل دعا

## از قرآن و حدیث برای استعمال روزانه



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱﴾ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿۲﴾ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ﴿۳﴾ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ  
اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿۴﴾ اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿۵﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ ﴿۶﴾ غَيْرِ  
الْمَغضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾ آمين

جمله ثنا و ستایش خلوندی راست که پروردگار عالم‌هاست. بسیار بارحم و بسیار مهربان است. مالک روز قیامت است. یا الهی، ما تنها ترا عبادت میکنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم. ما را راه راست بنما. راه آنانی را که بر ایشان انعام فرموده‌ای، نه راه کسانی را که بر ایشان خشم گرفته‌ای و نه راه آنانی را که گمراه شدند. خلوندا این دعای ما را قبول بفرما.



رَبَّنَا اِنْتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ .

ای پروردگار ما! ما را هم در دنیا نیکی عطا بفرما و هم در آخرت نیکی عنایت بنما و ما را از عذاب دوزخ نجات بده.



رَبَّنَا اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ .

خلاوندا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان ما را ببخش و از عذاب دوزخ ما را نجات بده.



رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

ای پروردگار ما! ببخشای گناهان ما را و ظلم و زیاده روی های ما را در کارهای ما. قدمهای ما را بر حق ثابت نگاهدار و در مقابل کافران، ما را نصرت بده.



رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنا مَعَ الْأَبْرَارِ. رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

ای پروردگار ما! آواز دهنده ای را شنیدیم که آواز میداد که به پروردگار خویش ایمان بیاورید. پس ایمان آوردیم، ای پروردگار ما گناهان ما را ببخشای و بدیهای ما را محو کن و ما را با بندگان صالح خود بمیران. خلاوندا آنچه را که توسط پیغمبرانت بما وعده فرموده ای بما عنایت بنما و در روز قیامت ما را رسوا مگردان. بیشک تو خلاف وعده نمیکنی.



رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

ای پروردگار ما! با نافرمانی از احکام تو بر خود بسیار ظلم کرده ایم و اگر تو ما را نبخشای و بر ما رحم نفرمائی، به یقین که برباد خواهیم شد.



رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. وَجِنَّا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ.

ای پروردگار ما! ما را مورد ظلم و ستم قوم ظالم مگردان و به رحمت خود ما را از ظلم قوم کافر نجات عنایت بفرما.



فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ الْإِنْسَانِ فِي النَّبَا وَالْآخِرَةِ تَوَفِّيَ الْمُسْلِمَ وَالْحَقِيقِي بِالصَّالِحِينَ

﴿۱۴۰﴾

ای آفریدگار آسمانها و زمین! تنها تو در دنیا و آخرت ولی من هستی، مرا مسلمان بمیران و با  
بندگان نیک خود شامل بگردان.

﴿۹﴾

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي. رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ  
يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

ای پروردگار من! مرا و اولاده مرا برپا دارنده نماز بگردان. خدای ما را قبول بفرما. یا  
الهی مرا و والدین مرا و همه مسلمانان را در روز حساب ببخشای.

﴿۱۰﴾

رَبِّ اَرْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا.

ای پروردگار من! بر پدر و مادرم رحمت بنما چنانکه ایشان در کودکی مرا با مهربانی  
پروریدند.

﴿۱۱﴾

رَبِّ زِنِّي عِلْمًا

یا الهی! در علم من اضافه و برکت بفرما.

﴿۱۲﴾

رَبِّ اغْفِرْ وَاَرْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

یا الهی! ببخشای و رحم فرمای. بیشک تو بهترین رحم کنندگان هستی.

﴿۱۳﴾

رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيْكَ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَاَنْ  
اصْلِحَ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَىكَ وَاِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

ای پروردگار! نصیبم بگردان که شکر آن نعمات را که بمن و پدر و مادر من عطا نموده  
ای اداء کنم و نیز چنان عملی نیک کنم که تو از آن راضی باشی. و برای من در اولاده من  
نیز صلاح و خیر عطا بفرما. من بسوی تو توبه کرده ام و من از فرمانبرداران تو هستم.

﴿۱۴۱﴾

﴿۱۴﴾

رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا  
رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ

ای پروردگار ما! ما را و آن برادران ما را ببخشای که پیش از ما با ایمان رفته اند و دل‌های ما را از کینه اهل ایمان خالی بنا. خلوندا تو بسیار مهربان و بسیار با رحمی.

﴿۱۵﴾

رَبَّنَا أَنْتَ لَنَا نُورٌ نَاوَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای پروردگار ما! نور من را بر ایمان کامل بگردان و ما را مغفرت بنما. بیشک تو بر هر چیز قدرت داری.

﴿۱۶﴾

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ. أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ<sup>(۱)</sup>

ای همیشه زنده نگاهدار همگان! برحمت تو فریاد میکنم. همه امور و احوال مرا نیک و درست بگردان.

﴿۱۷﴾

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي وَأَصْلِحْ لِي  
آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَايِي وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ  
یا الهی! دین مرا درست بگردان که همه چیز من از آنست و دنیای مرا درست بگردان که  
وسایل زندگی من در آن است و آخرت مرا درست بگردان که بازگشت من به آنست و  
زندگی مرا برابرم ذریعه زیادی هر خیر و خوبی، و مرگ مرا برابرم وسیله راحت از هر شر و  
بدی بگردان.

﴿۱۸﴾

(۱) از این به بعد دعاهائیکست که در احادیث شریف وارد اند. مؤلف



﴿۱۴۲﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پروردگارا! عفو گناهان خود و آرامش و عافیت در دنیا و آخرت را از تو درخواست دارم.

﴿۱۴۹﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَىٰ وَالتَّقْوَىٰ وَالعِزَّ وَالعِافَةَ وَالعِزَّ

یا الهی! از تو می خواهم که هدایت و تقوی و پاکدامنی و توانگری بمن عنایت فرمائی.

﴿۲۰﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقًا طَيِّبًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا

یا الهی! از تو می خواهم که مرا روزی پاکیزه و علمی سودمند و عملی مقبول عنایت فرمائی.

﴿۲۱﴾

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَنَا أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَسَهِّلْ لَنَا أَبْوَابَ رِزْقِكَ

یا الهی! درهای رحمت خود را بر ما بگشا و ابواب رزق خود را برای ما آسان بگردان.

﴿۲۲﴾

اللَّهُمَّ اكْفِنِي بِحَلَالِكَ عَن حَرَامِكَ وَأَعْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّن سِوَاكَ

یا الهی! حلال خود را برای من کافی بساز و از حرامت مرا محفوظ بدار و به فضل خود مرا از ماسوای خود بی نیاز بگردان.

﴿۲۳﴾

اللَّهُمَّ وَفِّقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَىٰ وَاجْعَلْ آخِرَتِي خَيْرًا مِنْ أَوَّلِي

یا الهی! مرا توفیق عمل به آنچه را بده که تو آنها را دوست داری و از آنها راضی میشوی و آخرت مرا بهتر از دنیای من بگردان.

﴿۲۴﴾

اللَّهُمَّ اَلْهَمْنِي رُشْدِي وَفِي شَرِّ نَفْسِي

بار الها! نیکی و راست روی و هدایت را در دلم بینداز و مرا از شر نفسم محفوظ بدار.

﴿۲۵﴾

﴿۱۴۳﴾

اللَّهُمَّ اَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ

خلووندا! مرا بر ذکر و شکر و عبادت خود کمک بنما و مرا بنده ذاکر و شاکر و عبادت گذار خود بگردان.

﴿۲۶﴾

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ

ای کسی که دلها را میگردانی! دل من را بر دین خود محکم و ثابت بگردان.

﴿۲۷﴾

اللَّهُمَّ اَخِيْنِي مُسْلِمًا وَاَمِيْنِي مُسْلِمًا

خلووندا! مرا مسلمان زنده بنار و مسلمان بمیران.

﴿۲۸﴾

اللَّهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ حُبَّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ عَمَلٍ يَقْتَرِبُ اِلَى حُبِّكَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْ حُبَّكَ اَحَبَّ اِلَىَّ مِنْ نَفْسِي وَمِنْ اَهْلِي وَمِنْ الْمَاءِ الْبَارِدِ

پروردگارا! از تو میخواهم که محبت خود را بمن عنایت فرمائی و محبت آنکسی را که با تو محبت میکند و محبت آن عملی را که به محبت تو نزدیک بگرداند خلووندا محبتت را نزد من محبوبتر را از جانم و اهلیم و آب سرد بگردان.

﴿۲۹﴾

اللَّهُمَّ غَشِيْ بِرَحْمَتِكَ وَجَنَّبِيْ عَذَابِكَ

یا الهی! مرا با رحمت خود بپوشان و از عذاب خود برهان.

﴿۳۰﴾

اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ يَوْمَ تَرُلُ فِيْهِ الْاَقْدَامُ

یا الهی! روزی که قدمها بلغزند مرا ثابت قدم نگهدار.

﴿۳۱﴾

اللَّهُمَّ حَاسِبِيْ حِسَابًا يَسْرًا

﴿۱۴۴﴾

یا الهی! حسابم را در روز قیامت آسان بگردان.

﴿۳۲﴾

رَبِّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

پروردگارا! خطاهایم را در روز قیامت ببخشای.

﴿۳۳﴾

اللَّهُمَّ قِنِّ عَذَابَكَ يَوْمَ تُبْعَثُ عِبَادَكَ

پروردگارا! در روز محشر مرا از عذابت نجات عطا بفرما.

﴿۳۴﴾

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ دُنُوبِي وَرَحْمَتَكَ أَرْحَمُ عِنْدِي مِنْ عَمَلِي

خلوندا! بخشش تو بزرگتر از گناهان من است و به رحمت تو بیشتر از اعمال خود امید دارم.

﴿۳۵﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَالنَّارِ

یا الهی! رضای ترا و بهشت را از تو می طلبم و از خشم تو و دوزخ به تو پناه می برم.

﴿۳۶﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَبِمَعْفَاتِكَ مِنْ عِقَابِ بَيْتِكَ وَأَعُوذُ مِنْكَ لَا أُحْصِي ثَنَاءً

عَلَيْكَ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ

یا الهی! از خشم تو برضای تو پناه میبرم و از سزای تو به عفو تو پناه می جویم و از مواخذة تو بتو پناه میخواهم. خلوندا! مرا توان نیست که ترا ثنا گویم. تو همان گونه ای که بر خود ثنا گفته ای.

﴿۳۷﴾

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پروردگارا! مرا ببخش و بر من رحم کن و توبه ام را بپذیر، بیشک تو بسیار توبه پذیر مهربانی.

﴿۳۸﴾

اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَأَنَا عَلَى عَهْدِكَ وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ  
أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ أَبُوؤُكَ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوؤُكَ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ  
الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ .

بار الهی! تو پروردگار منی. جز تو خدائی نیست. تو مرا خلق کرده ای و من بنده توام و تا  
آنجا که توانستم بر عهد و وعده تو ثابت قدم بودم. ای خدای من، از اعمال زشت خود بتو  
پناه میبرم. بر نعمات تو اقرار میکنم و بر گناهان خود اعتراف مینمایم، پس تو گناهان مرا عفو  
کن. بیشک جز تو هیچ کس بخشاینده گناهان نیست.

﴿۳۹﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي وَمِنْ شَرِّ  
مَنْيَعِي. وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ النَّجَالِ وَأَعُوذُ بِكَ  
مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ

پروردگارا! بتو پناه می برم از شر گوش خود و از شر چشم خود و از شر زبان خود و از شر  
دل خود و از شر شهوت نفس خود و بتو پناه می برم از عذاب دوزخ و از عذاب قبر و از فتنه  
دجال و بتو پناه می برم از همه فتنه های زندگی و مرگ.

﴿۴۰﴾

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ  
مُحَمَّدٌ

یا الهی! من از تو تمامی آن خوبیها و نیکی های را که پیغمبرت حضرت محمد ﷺ آنها را از  
تو خواسته است درخواست میکنم و از تمامی آن شرها و بدیهائی که پیغمبرت حضرت  
محمد ﷺ از آنها بتو پناه خواسته است بتو پناه میبرم.

﴿۴۱﴾

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ  
مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

## حَمِيدٌ مَّجِيدٌ

اللَّهُمَّ أَنْزِلْهُ الْمَقْعَدَ الْمُقَرَّبَ عِنْدَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَابْلُغْهُ الْوَسِيلَةَ وَالتَّرَجَّةَ وَابْعَثْهُ مَقَاماً  
مَخْمُوماً الَّذِي وَعَدْتَهُ وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.

یا الهی! بر حضرت محمد ﷺ و بر آل وی رحمت نازل بنما چنانکه بر حضرت ابراهیم و بر آل او نازل نمودی. یا الهی! بر حضرت محمد ﷺ و بر آل وی برکات نازل بفرما چنانکه بر حضرت ابراهیم و بر آل وی نازل فرمودی. و بیشک تو لایق حمد و بزرگی هستی. پروردگارا! آنحضرت را در روز قیامت در مقام مقرب نزد خود فرود بیاور و او را به مقام «وسیله» و «ترجه» برسان و او را «مقام محمود» که وعده فرموده ای عطا بفرما و در روز قیامت شفاعت آنحضرت را نصیب ما بگردان، بیشک تو خلاف وعده نمی کنی.

## دعاهای

### خاص برای اوقات خاص



رسول الله ﷺ دعاهای بسیاری را برای اوقات و مواقع مخصوص نیز تعلیم داده اند که ما چندی از آنها را که جزو معمولات روزمره است در اینجا درج میکنیم. بتوفیق خداوند بزرگ، آنها را حفظ نموده عادت بخواندن آنها در اوقات و مواقع مخصوص آنها باید کرد.



#### چون صبح شود این دعا را بخوانید



اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ نَحْيَى وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ.

یا الهی! به فرمان تو صبح کردیم و به فرمان تو شب نمودیم و به فرمان تو زنده هستیم و به فرمان تو خواهیم مرد و بازگشت بسوی تست.



#### چون شب شود این دعا را بخوانید



اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ نَحْيَى وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ.

یا الهی! به فرمان تو شب کردیم و به فرمان تو صبح نمودیم و به فرمان تو زنده هستیم و به فرمان تو خواهیم مرد. و باز زنده شدن بسوی تست.



#### چون به اراده خواب بر بستر دراز بکشید این دعا را بخوانید



اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَى

یا الهی! می خواهم بنام تو بمیرم و بنام تو زنده باشم.

﴿١٤٨﴾

﴿٤﴾

**چون از خواب بیدار شوید این دعا را بخوانید**



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ.

شکر خدائی را که مرا بعد از مردن زنده ساخت و باز زنده شدن بسوی اوست.

﴿٥﴾

**چون برای قضای حاجت به کناراب بروید، قبل از دخول این دعا را بخوانید**



بِسْمِ اللَّهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخُبَيْثِ وَالْخَبَائِثِ.

بنام خدا. پروردگارا! از شر مردان و زنان خبیث بتو پناه میبرم.

﴿٦﴾

**و چون از قضای حاجت**

**فارغ شده بیرون بیائید، بعد از بیرون شدن این دعا را بخوانید**



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنِّي الْأَسَىٰ وَعَافَانِي.

شکر خدائی را که نجاست را از من دور کرد و مرا عافیت بخشید.

﴿٧﴾

**چون وضو کنید**

**در شروع آن بسم الله بگوئید و درین وضو این دعا را بخوانید**



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَرَسِّعْ لِي فِي دَارِي وَبَارِكْ لِي فِي رِزْقِي.

یا الهی! گناهم را ببخش و در خانه ام برایم گشادگی عنایت کن و در روزی ام برکت عطا بفرما.

﴿٨﴾

**چون از وضو فارغ شوید این دعا را بخوانید**

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي  
مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ

شهادت میدهم که خدائی جز الله نیست، یگانه است، شریکی ندارد و شهادت میدهم که حضرت محمد ﷺ بنده و رسول اوست. یا الهی! مرا از توبه کنندگان و از پاکیزگان بگردان.



**چون به مسجد داخل شوید**

**اول پای راست را داخل بگذارید و این دعا را بخوانید**



رَبِّ اغْفِرْ لِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.

ای خداوند من! مرا مغفرت بفرما و درهای رحمت خود را برایم بگشا.



**و چون از مسجد خارج شوید**

**اول پای چپ را بیرون بگذارید و این دعا را بخوانید**



أَللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ.

خداوند! در دنیا فضلت را از تو می طلبم و در آخرت رحمتت را.



**چون شروع به غذا خوردن کنید این دعا را بخوانید**



بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى بَرَكَاتِهِ.

بنام خدا و با برکت او.



**چون از غذا خوردن فارغ شوید این دعا را بخوانید**



﴿۱۵۰﴾



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

شکر خدائی را که ما را خوراند و نوشاند و مسلمان گرداند.

﴿۱۳۳﴾

**اگر مهمان کسی باشید همراه دعای بالا این را نیز بگوئید**



اللَّهُمَّ أَطْعِمْ مَنْ أَطْعَمَنِي وَاسْقِ مَنْ سَقَانِي.

خدایوندا! بخوران آن کسی را که مرا خوراند و بنوشان آنکسی را که مرا نوشاند.

﴿۱۱۴﴾

**چون بر مرکب**

**و موتر یا کشتی و طیاره و غیره سوار شوید این دعا را بخوانید**



سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ.

خدا را شکر! پاک است آن ذاتی که این را برایمان مسخّر ساخت و ما قدرت آن را نداشتیم. و

سرانجام روزی بسوی پروردگار خویش باز خواهیم گشت.

﴿۱۱۵﴾

**و چون برای سفر از خانه بیرون شوید این دعا را بخوانید**



اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا هَذَا السَّفَرَ وَأَطْوِ عَنَّا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيقَةَ فِي

الْأَهْلِ. إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْظَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَ

الْوَلَدِ.

خدایوندا! این سفر را بر ما آسان بگردان و دوری آن را کوتاه بساز. خدایا در سفر تو همراه

منی و در عقب من تو نگاهدار اهل خانه منی. یا الهی! از سختی سفر و دیدن حالات بد و

بدی بازگشت در مال و اهل و فرزند تو پناه میبرم.

﴿١٥١﴾

﴿١٦﴾

**و چون از سفر باز گردید، این دعا را بخوانید**



أَيُّمُونَ تَأْيُمُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ.

ما بازآیندگان ایم، توبه کنندگان ایم، عبادت کنندگانیم، حمدکنندگان ایم پروردگار خود را.

﴿١٧﴾

**چون سفر رونده ای را وداع کنید این دعا را بخوانید**



أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ أَعْمَالِكَ.

ترا و اشیای قابل حفاظت ترا و خاتمه اعمال ترا بخداوند می سپارم.

﴿١٨﴾

**چون کسی را در مصیبت و مشقت ببینید این دعا را بخوانید**



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَاقَبَنِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفَضُّلاً.

شکر خدائی را که مرا از آنچه ترا به آن مبتلا ساخته است عاقبت داد و بر بسیاری از خلق خود فضیلت بخشید. (و این فضل اوست نه کمال من).

﴿١٩﴾

**چون بخواهید به شهری داخل شوید این دعا را بخوانید**



اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهَا.

خداوندا! در این شهر برایمان برکت عنایت بفرما و آن را برایمان مبارک بگردان.

﴿٢٠﴾

**چون از مجلسی برخیزید این دعا را بخوانید**



سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ.

خداوندا! پاکی ترا بیان میکنم و ثنای ترا میگویم، جز تو معبودی نیست. از تو مغفرت می  
خواهم و بتو توبه میکنم.

## نکته‌ای بسیار مفید



برای بسیاریها دشوار است که اصل دعاها به عربی را حفظ کنند برای این کسان لازم است  
که مفهوم و معنای دعای هر موقع و وقت مخصوص را بیاد بسپارند و در موقع و وقت آن به الفاظ  
خود و در زبان خود همان مفهوم و معنی را اداء کنند انشاء الله بر کات و ثواب کامل دعا را به این  
صورت نیز کسب خواهند کرد

## آن بندگان خدا



که از این کتاب نفعی ببرند و بعضی اوقات این دعاها را بخوانند نویسنده و مترجم گناهکار  
عاجزانه از ایشان درخواست دارند که در آخر گاهگاهی این کلمات را نیز بگویند:  
«یا الهی! مولف این کتاب محمد منظور نعمانی و والدین آنها و اهل خانه و دوستان آنها را با  
مغفرت و رحمت خود بیوشان و تمامی این دعاها را در حق ایشان نیز قبول بگردان.»  
این احسان بسیار بزرگ شما بر مؤلف عاجز خواهد بود و الله تبارک و تعالی اجر عظیم در  
مقابل این احسان شما عنایت خواهد فرمود و این عاجز نیز برایتان از الله تبارک و تعالی خواهان دعا  
می باشد

بندۀ عاجز و عاصی

محمد منظور نعمانی عفا الله عنه رجب ۱۳۶۹ هجری قمری



نشانی مترجم:

تلفون: ۰۰۴۴۷۸۸۶۷۰۷۹۲۷

نشانی انترنتی (Email):

fridoon\_t@hotmail.com